





# سوره المائد

## سیمای سوره مائده

این سوره یکصد و بیست آیه دارد و چند ماه پیش از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و هیچ یک از آیات آن نسخ نگشته است.

این سوره به خاطر دعای حضرت عیسی علیه السلام برای نزول مائدهی آسمانی که در آیه ۱۱۴ آمده، «مائده» نامیده شده است؛ البته به «عهد» و «عقود» نیز نام گذاری شده، در مجموع آیات این سوره نسبت به یک پیمان شکنی مهم هشدار می دهد.

بیشترین خطاب «یا ایها الذین آمنوا» در این سوره است. مثلاً در سوره بقره یازده مرتبه؛ ولی در این سوره، شانزده مرتبه آمده است.

این سوره شامل مسائلی از قبیل: ولایت و رهبری، ردّ عقیدهی تثلیث، وفای به عهد و پیمانها، گواهی دادن به عدل، تحریم قتل، احکام خوردنیها، احکام وضو، غسل و تیمم، سفارش به عدالت اجتماعی و احکام وصیت، قصاص، سرقت، زنا و... می باشد.

چون از آخرین سورههایی است که نازل شده، با جملهی «أوفوا بالعقود» در آغاز سوره، سفارش به انجام همهی تعهدات و پیمانها دارد.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

﴿ ۱ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُجَلَّىٰ الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به عقد و پیمان‌ها (ای خود، با خدا و مردم) وفا کنید. (خوردن گوشت) چهارپایان برای شما حلال گشته، مگر آنها که (حکم حرمتش) بر شما خوانده خواهد شد، و در حال احرام شکار را حلال نشمرید، همانا خداوند به هر چه خواهد (ومصلحت بداند) حکم می‌کند.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «بهیمه» در اینجا به معنای چهارپایا و اعم از «انعام» است، «انعام» به گاو و شتر و گوسفند می‌گویند و «بهیمه الانعام» که سه بار در قرآن آمده به معنای حلال بودن گوشت این چهارپایان است.<sup>(۱)</sup> امام صادق علیه السلام فرمودند: مراد از «بهیمه الانعام»، جنین حیوان ذبح شده است که تزکیه‌ی مادرش، تزکیه‌ی او نیز به شمار می‌رود.<sup>(۲)</sup> مرحوم فیض در تفسیر صافی می‌فرماید: «ممکن است این روایت بیان مصداق پنهان آن باشد و یا این‌که از شکم مادر به آنها «بهیمه» گفته می‌شود، بنابراین منافاتی با تعمیم ندارد».<sup>(۳)</sup>

۱. تفسیر مجمع البیان. ۲. کافی، ج ۶، ص ۲۳۴. ۳. قاموس القرآن.

□ پیامبر ﷺ فرمود: «لادین لمن لاعهد له»<sup>(۱)</sup>، کسی که وفا ندارد، دین ندارد. آری، اگر به پیمان‌ها عمل نشود، اساس جامعه و اعتماد عمومی بهم می‌ریزد و هرج و مرج پیش می‌آید.

□ قرآن، وفای به پیمان حتی با مشرکان را لازم می‌داند، «فَأْتَمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَنِهِمْ»<sup>(۲)</sup> و طبق حدیثی از امام صادق علیه السلام وفای به پیمان فاجران هم لازم است.<sup>(۳)</sup>

بر اساس روایتی دیگر، اگر یک مسلمان حتی با اشاره، به دشمن کافر امان داد، بر دیگر مسلمانان رعایت این پیمان اشاره‌ای، الزامی است.

□ کتب آسمانی، عهد خداوند هستند و باید به آنها وفادار بود، عهد قدیم (تورات)، عهد جدید (انجیل) و عهد اخیر (قرآن). در حدیث می‌خوانیم: «القرآن عهد الله»<sup>(۴)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- مسلمانان باید به همه‌ی پیمان‌ها، (با هر کس و هر گروه)، پایبند باشند، چه قراردادهای لفظی، کتبی؛ پیمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا خانوادگی؛ با قوی یا ضعیف، با دوست یا دشمن، با خدا (مثل نذر و عهد) یا مردم، با فرد یا جامعه، با کوچک یا بزرگ، با کشورهای منطقه یا قراردادهای بین‌المللی. کلمه‌ی «العقود» دارای «الف و لام» است که شامل همه‌ی قراردادها می‌شود. «أوفوا بالعقود»
- ۲- اشعار دارد که ایمان، ضامن وفای به عهد و پیمان‌هاست. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»
- ۳- حال که خداوند انواع نعمت‌ها را در اختیار ما گذاشته است، پس به پیمان‌های او وفادار باشیم. «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ»
- ۴- یکی از پیمان‌های الهی، توجه به احکام حلال و حرام در خوردنی‌هاست.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

۱. بحار، ج ۱۶، ص ۱۴۴. ۲. توبه، ۴.

۴. کافی، ج ۶، ص ۱۹۸.

﴿أوفوا بالعقود أُحِلَّتْ لَكُمْ﴾

۵- اسلام، هم به مسائل اجتماعی و هم به مسائل اقتصادی توجه دارد. (وفای به عهد، مسئله‌ی اجتماعی و اقتصادی و بهره‌گیری از حیوانات، از مسائل اقتصادی است.) ﴿أوفوا بالعقود أُحِلَّتْ لَكُمْ بهیمة الانعام﴾

۶- مصرف گوشت گاو، شتر و گوسفندی که مرده یا خفه و... شده باشند، حرام است. ﴿الّا ما یتلی علیکم﴾

۷- همه‌ی چهارپایان حلال نیستند. ﴿الّا ما یتلی علیکم﴾ (بنابر این که جمله، مربوط به انواع چهارپایان باشد.)

۸- برای حفظ حرمت احرام باید کمی هم محرومیت چشید و از شکار، چشم پوشید. ﴿غیر مُحَلّی الصّید و أنتم حُرْم﴾

۹- عمل به محرّمات احرام، از جمله موارد وفای به عهد و پیمان با خداست. ﴿أوفوا بالعقود... غیر مُحَلّی الصّید و أنتم حُرْم﴾

۱۰- احرام، عهد و پیمان با خداوند است. ﴿أوفوا بالعقود... و أنتم حُرْم﴾

۱۱- احرام، حالتی خاص و ویژه و دارای احترام است. ﴿و أنتم حُرْم﴾

﴿ ۲ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ

لَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن

رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ

قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى

الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ

اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حرمت شعائر الهی، ماه حرام، قربانی حج و حیواناتی که برای حج علامت‌گذاری شده‌اند و راهیان خانه خدا که فضل و

خشنودی پروردگارشان را می‌طلبند، نشکنید و هرگاه از احرام بیرون آمدید (و اعمال عمره را به پایان رساندید) می‌توانید شکار کنید. و دشمنی با گروهی که شما را از مسجدالحرام بازداشتند، شما را به بی‌عدالتی و تجاوز و ادا نکردن در انجام نیکی‌ها و دوری از ناپاکی‌ها یکدیگر را یاری دهید و هرگز در گناه و ستم، به هم یاری نرسانید، و از خداوند پروا کنید که همانا خداوند، سخت کیفر است.

### نکته‌ها:

- «هَدَى»، حیوان بی‌نشانی است که برای قربانی در حج هدیه می‌شود، و «قَلَائِد» حیواناتی هستند که پیش از مراسم حج، با آویختن چیزی به گردن آنها یا داغ زدن، علامت‌دار می‌شوند تا در مناسک حج، قربانی شوند.
- خداوند در ابتدای این آیه، احترام به همه شعائر را واجب و هتک حرمت آنها را حرام کرده است؛ ولی در میان شعائر، چند مورد را به خصوص ذکر کرده است از جمله ماه‌های: رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم که جنگ در آنها حرام است و ماه ذیحجه که حج در آن انجام می‌شود، هَدَى که قربانی بی‌نشانی است و قَلَائِد که قربانی نشان‌دار است.
- در سال ششم هجری، مسلمانان با پیمودن هشتاد فرسخ راه از مدینه به مکه آمده بودند تا حج بگذارند؛ ولی کافران مانع شدند و صلح حدیبیه پیش آمد. اکنون که مکه فتح شده، نباید دست به تجاوز بزنند. ﴿صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾
- اگر تحصیل علم یک «بِرّ» است، زمینه‌های آن چون: تأمین مدرسه، کتاب، کتابخانه، آزمایشگاه، وسیله نقلیه، استاد و... همه «تعاون بر برّ» است.

### همیاری در نیکی و پاکی

- در آیه ۱۷۷ سوره‌ی بقره، مواردی از «بِرّ» را بیان کرده است: ﴿لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكُتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ ... وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ برّ، ایمان به خدا و قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و انبیا و رسیدگی

به محرومان جامعه و پایبندی به قراردادهای و صبر در کارهاست.

□ در روایات بسیاری به تعاون بر نیکی‌ها و یاری رساندن به مظلومان و محرومان، سفارش شده و از کمک و یاری به ستمگران نهی شده است و ما در اینجا چند حدیث را برای تبرک ذکر می‌کنیم:

\* امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس برای یاری رساندن به دیگران گامی بردارد، پاداش مجاهد و رزمنده را دارد». (۱)

\* «تا زمانی که انسان در فکر یاری رساندن به مردم است، خداوند او را یاری می‌کند». (۲)

\* «یاری کردن مسلمان، از یک ماه روزه‌ی مستحبی و اعتکاف بهتر است». (۳)

\* «هر کس ظالمی را یاری کند، خودش نیز ظالم است». (۴)

\* «حتی در ساختن مسجد، ظالم را یاری نکنید». (۵)

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند از مؤمنان، انتظار ویژه‌ای دارد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا...﴾
- ۲- احترام گذاردن به شعائر الهی، وظیفه‌ی اهل ایمان است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ﴾
- ۳- هتک حرمت و قداست شعائر الهی، حرام است. ﴿لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ﴾
- ۴- همه‌ی زمان‌ها یکسان نیستند. برخی روزها مثل ایام‌الله و برخی ماهها مثل ماهِ حرام، احترام ویژه‌ای دارند. ﴿وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ﴾
- ۵- حیوانی هم که در مسیر هدف الهی قرار گیرد، احترام دارد. ﴿وَلَا الْهَدَىٰ وَ لَا الْقَلَائِدَ﴾

- ۶- راهیان خانه‌ی خدا باید مورد احترام قرار گیرند. ﴿وَلَا آمِنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ﴾ (هر برنامه‌ای که به احترام و امنیّت زائران خانه خدا ضربه بزند، حرام است،

۱. وسائل، ج ۸، ص ۶۰۲. ۲. وسائل، ج ۸، ص ۵۸۶. ۳. وسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

۴. وسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۵. ۵. وسائل، ج ۱۲، ص ۱۳۰.



خواه در سفر حج باشد یا عمره.)

۷- هدف اصلی در حج، زیارت کعبه است. ﴿آمِنَ الْبَيْتِ﴾

۸- حج و عمره، راهی برای تحصیل دنیا و آخرت است. ﴿بِئْتِغُونَ فَضلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَاناً﴾

۹- سراغ سود حلال رفتن یک ارزش است. قرآن، فضل پروردگار را که همان سود کسب و کار است، در کنار رضوان و قرب الهی قرار داده است. ﴿بِئْتِغُونَ فَضلاً مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَاناً﴾

۱۰- هر نوع فعالیت اقتصادی و تجاری در مکه، برای کشورهای اسلامی آزاد است. ﴿بِئْتِغُونَ فَضلاً مِنْ رَبِّهِمْ﴾

۱۱- بهره‌های مادی، تفضل الهی به انسان و از شئون ربوبیت اوست. ﴿فَضلاً مِنْ رَبِّهِمْ﴾

۱۲- دشمنی‌های دیگران در یک زمان، مجوز ظلم و تجاوز ما در زمانی دیگر نمی‌شود. ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ... ان تعتدوا﴾

۱۳- بی‌عدالتی و تجاوز از حد، حرام است حتی نسبت به دشمنان. ﴿شَنَّانَ قَوْمٍ... ان تعتدوا﴾ (در انتقام نیز عدالت را رعایت کنید.)

۱۴- احساسات دینی، بهانه‌ی ظلم نشود. ﴿صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ان تعتدوا﴾

۱۵- وفای به پیمان‌ها و حفظ حرمت و قداست شعائر الهی نیاز به همیاری و تعاون دارد. ﴿لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ... و تعاونوا﴾

۱۶- چشم‌پوشی از خطای دیگران، یکی از راه‌های تعاون بر نیکی است. ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ... تعاونوا﴾

۱۷- حکومت و جامعه‌ی اسلامی، باید در صحنه‌ی بین‌المللی، از مظلوم و کارهای خیر حمایت و ظالم و بدی‌ها را محکوم کند. ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾

- ۱۸- برای رشد همه جانبه‌ی فضایل باید زمینه‌ها را آماده ساخت و در راه رسیدن به آن هدف، تعاون داشت. «تعاونوا علی البرّ»
- ۱۹- به جای حمایت از قبیله، منطقه، نژاد و زبان، باید از «حق» حمایت کرد و به «برّ» یاری رساند. «تعاونوا علی البرّ»
- ۲۰- کسانی که قداست شعائر الهی را می‌شکنند و به بدی‌ها کمک می‌کنند، باید خود را برای عقاب شدید الهی آماده کنند. «واتقوا الله ان الله شديد العقاب»

﴿ ۳ ﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مَنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَحْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بر شما، (خوردن گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شود و حیوانی (حلال گوشت) که بر اثر خفه شدن یا کتک خوردن، یا پرت شدن یا شاخ خوردن بمیرد و نیم خورده درندگان حرام شده است مگر آنکه (قبل از کشته شدن به دست درنده)، به طور شرعی ذبح کرده باشید. همچنین حرام است حیوانی که برای بت‌ها ذبح شده یا به وسیله‌ی چوبه‌های قمار تقسیم می‌کنید. همه‌ی اینها نافرمانی خداست. امروز، (روز هجده ذی‌الحجه سال دهم هجری که حضرت علی علیه السلام به فرمان خدا به جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منصوب شد) کافران از (زوال

دین شما مأیوس شدند، پس، از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان «دین» برایتان برگزیدم. پس هرکه در گرسنگی گرفتار شود، بی آنکه میل به گناه داشته باشد، (می تواند از خوردنی های تحریم شده بهره ببرد.) همانا خداوند، بخشنده ی مهربان است.

### نکته ها:

- در آیه ی اوّل گذشت که بهره گیری از گوشت چهارپایان، حلال است، مگر آنچه تحریم آن بعداً بیان شود. این آیه، ده مورد از گوشت های حرام را بیان کرده است.
- «مُخَنَّقَةٌ»، حیوانی است که خفه شده باشد، چه به دست انسان یا حیوان، یا خود بخود. «مَوْقُودَةٌ»، حیوانی است که با ضربه و شکنجه جان دهد. رسم عرب بر آن بوده که بعضی حیوانات را به احترام بت ها، آنقدر می زدند تا جان دهد و این کار را نوعی عبادت می پنداشتند.<sup>(۱)</sup> «متردّیة»، حیوان پرت شده از بلندی و «نطیحة»، حیوانی که بر اثر شاخ خوردن مرده باشد.
- تحریم آنچه که در این آیه مطرح شده است، در سوره های انعام و نحل و بقره آمده است ولی در این آیه، نمونه های مردار (خفّه شده، کتک خورده، شاخ خورده و...) بیان شده است.
- امام باقر علیه السلام فرمودند: «ولایت، آخرین فریضه الهی است سپس آیه ی ﴿أَلْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ﴾ را تلاوت فرمودند.»<sup>(۲)</sup>
- بت ها، مجسمه هایی بود که شکل داشت؛ امّا «تُصُبُّ»، سنگ های بی شکلی بود که اطراف کعبه نصب شده بود و در برابرش قربانی می شد و خون قربانی را بر آن می مالیدند.
- در آیه ی ۱۰۹ سوره بقره، تمایل کفّار نسبت به انحراف مسلمانان از راه خودشان مطرح شده است. خداوند فرمان داد: شما اغماض کنید تا امر الهی برسد. پس مسلمانان منتظر حکم قاطعی بودند که کفّار را مأیوس سازد، تا این که آیه ی ﴿أَلْیَوْمَ أَكْمَلْتُ...﴾ نازل شد.

۱. تفسیر قرطبی.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۸۹.

## غدیر در قرآن

□ دو مطلب جدای از هم در این آیه بیان شده است، یک مطلب مربوط به تحریم گوشت‌های حرام، مگر در موارد اضطرار و مطلب دیگر مربوط به کامل شدن دین و یأس کفار که این قسمت کاملاً مستقل است، به چند دلیل:

الف: یأس کفار از دین، به خوردن گوشت مردار یا نخوردن آن ارتباطی ندارد.

ب: روایاتی که از طریق شیعه و سنی در شأن نزول آیه آمده، در مقام بیان جمله‌ی ﴿الْیَوْمَ یَسُّ الّذِینَ کَفَرُوا﴾ و ﴿الْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ﴾ است، نه مربوط به جملات قبل و بعد از آن، که درباره احکام مردار است.

ج: طبق روایات شیعه و سنی، این قسمت از آیه: ﴿الْیَوْمَ اَکْمَلْتُ...﴾ پس از نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به امامت در غدیر خم نازل شده است.

د: غیر از دلائل نقلی، تحلیل عقلی نیز همین را می‌رساند، چون چهار ویژگی مهم برای آن روز بیان شده است: ۱. روز یأس کافران، ۲. روز اکمال دین، ۳. روز اتمام نعمت الهی بر مردم، ۴. روزی که اسلام به عنوان «دین» و یک مذهب کامل، مورد پسند خدا قرار گرفته است. حال اگر وقایع روزهای تاریخ اسلام را بررسی کنیم، هیچ روز مهمی مانند: بعثت، هجرت، فتح مکه، پیروزی در جنگ‌ها و... با همه‌ی ارزشهایی که داشته‌اند، شامل این چهار صفت مهم مطرح شده در این آیه نیستند؛ حتی «حجّة الوداع» هم به این اهمیت نیست؛ چون حج، جزئی از دین است، نه همه‌ی دین.

\* اما بعثت، اولین روز شروع رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که هرگز نمی‌توان گفت روز اوّل بعثت، دین کامل شده است.

\* اما هجرت، روز هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خداست، روز حمله‌ی کفار به خانه پیامبر است، نه روز یأس آنان.

\* اما روزهای پیروزی در جنگ بدر و خندق و... تنها کفّاری که در صحنه‌ی نبرد بودند، مأیوس می‌شدند، نه همه‌ی کفار، در حالی که قرآن می‌فرماید: ﴿الْیَوْمَ یَسُّ الّذِینَ کَفَرُوا...﴾ همه کفار مأیوس شدند.

\* اما حجة الوداع که مردم آداب حج را در محضر پیامبر ﷺ آموختند، تنها حج مردم با آموزش پیامبر کامل شد، نه همه‌ی دین در حالی که قرآن می‌فرماید: «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»  
\* اما غدیرخم روزی است که خداوند فرمان نصب حضرت علی را به جانشینی پیامبر ﷺ صادر کرد، تنها آن روز است که چهار عنوان ذکر شده در آیه «أَكْمَلْتُ، أَمَّمْتُ، رَضِيتُ، یَسَّ الْأَذِینَ كَفَرُوا» با آن منطبق است.

\* اما یأس کفار، به خاطر آن بود که وقتی تهمت و جنگ و سوء قصد بر ضد پیامبر، نافرجام ماند، تنها امید آنها مرگ پیامبر ﷺ بود. نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به همه فهماند که اگر آن حضرت پسری می‌داشت، بهتر از علی نبود و با مرگ او دین او محو نمی‌شود؛ زیرا شخصی چون علی بن ابی طالب علیه السلام جانشین پیامبر ﷺ و رهبر امت اسلام خواهد بود. اینجا بود که همه‌ی کفار مأیوس شدند.

\* اما کمال دین، به خاطر آن است که اگر مقررات و قوانین کامل وضع شود، لیکن برای امت و جامعه، رهبری معصوم و کامل تعیین نشود، مقررات ناقص می‌ماند.

\* اما اتمام نعمت، به خاطر آن است که قرآن بزرگ‌ترین نعمت را نعمت رهبری و هدایت معرفی کرده است، اگر پیامبر اکرم ﷺ از دنیا برود و مردم را بی سرپرست بگذارد، کاری کرده که یک چوپان نسبت به گله نمی‌کند. چگونه بدون تعیین رهبری الهی نعمت تمام می‌شود.  
\* اما رضایت خداوند، برای آن است که هرگاه قانون کامل و مجری عادل بهم گره بخورد، رضایت پروردگار حاصل می‌شود.

□ اگر هر یک از اكمال دین، اتمام نعمت، رضایت حق و یأس کفار به تنهایی در روزی اتفاق افتد، کافی است که آن روز از «ایام الله» باشد. تا چه رسد به روزی مثل غدیر، که همه‌ی این ویژگی‌ها را یک جا دارد. به همین دلیل در روایات اهل بیت علیه السلام عید غدیر از بزرگ‌ترین اعیاد به شمار آمده است.

□ آثار اشیا، گاهی مترتب بر جمع بودن همه اجزای آن است، مثل روزه که اگر یک لحظه هم پیش از اذان، افطار کنیم، باطل می‌شود، از این جهت کلمه «تمام» به کار رفته است: «أَتَمُّوا الصَّیَامَ إِلَى اللَّیْلِ» و گاهی به گونه‌ای است که هر جزء، اثر خود را دارد، مثل تلاوت آیات

قرآن که کمالش در تلاوت همه‌ی آن است و هر قدر هم خوانده شود، ثواب دارد. گاهی بعضی اجزا به گونه‌ای است که اگر نباشد، یک مجموعه ناقص است، هر چند همه‌ی اجزای دیگر هم باشد، مثل خلبان و راننده که هواپیما و ماشین بدون آنها بی‌ثمر و بی‌فایده است. رهبری و ولایت حق هم چنین است، چون انسان را با خدا گره می‌زند و بدون آن، آفریده‌ها و نعمت‌ها به نعمت تبدیل می‌شود و انسان را به خدا نمی‌رساند.

### نگاهی به تغذیه در اسلام

□ اسلام مکتب عدل است، نه مثل غربی‌ها افراط در مصرف گوشت را توصیه می‌کند، و نه مثل بودایی‌ها آن را حرام می‌داند، و نه مثل چینی‌ها خوردن گوشت هر حیوانی را به هر شکلی جایز می‌داند. در اسلام برای مصرف گوشت، شرایط و حدودی است، از جمله:

الف: گوشت حیوانات گوشتخوار را نخورید؛ چون آلودگی‌های مختلف میکروبی و انگلی و... دارند.

ب: گوشت درندگان را نخورید که روح قساوت و درندگی در شما پیدا می‌شود.

ج: گوشت حیواناتی که موجب تنفر عمومی است، مصرف نکنید.

د: گوشت حیوانی که هنگام ذبح، نام مبارک خدا بر آن گفته نشده، نخورید.

ه: گوشت مردار را نخورید.

□ امام صادق علیه السلام درباره‌ی گوشت مردار فرمود: «کسی به آن نزدیک نشد مگر آنکه ضعف و لاغری و سستی و قطع نسل و سگته و مرگ ناگهانی او را گرفت».

□ سؤال: آیا اجازه‌ی کشتن حیوانات برای مصرف گوشت آنها، با رحمت الهی سازگار است؟

پاسخ: اساس آفرینش بر تبدیل و تحوّل است. خاک، گیاه می‌شود، گیاه، حیوان می‌گردد و حیوان به انسان تبدیل می‌شود و نتیجه‌ی این تبدیل‌ها، رشد است.

### پیام‌ها:

۱- اسلام، دینی جامع است و همه‌ی نیازهای طبیعی و روحی انسان را مورد

توجه قرار داده و نظر صریح می‌دهد. ﴿حُرْمَت﴾

- ۲- در نظام توحیدی، باید ذبح حیوان هم رنگ الهی داشته باشد، وگرنه حرام می شود. ﴿و ما اهل لغيرالله به﴾
- ۳- اگر حیوان مضروب یا شاخ خورده یا پرت شده و دریده شده، هنوز رمقی در دارد و آن را ذبح کردید، حلال می شود. ﴿الا ما ذکیتم﴾
- ۴- با همهی مظاهر شرک، در هر شکل، باید مبارزه کرد. ﴿و ما ذبح علی النصب﴾
- ۵- مهم ترین روزنه ی امید کفّار، مرگ پیامبر بود که با تعیین حضرت علی علیه السلام به رهبری، آن روزنه بسته شد. ﴿الیوم یئس...﴾
- ۶- اگر دشمن خارجی هم شما را رها کند، دشمن داخلی وجود دارد که باید با خشیت از خدا به مقابله با او رفت. ﴿فلاتخشوهم واخشون﴾
- ۷- کفّار از دین کامل می ترسند، نه از دینی که رهبرش تسلیم، جهادش تعطیل، منابش تاراج و مردمش متفرّق باشند. ﴿الیوم یئس... الیوم اُکملت لکم دینکم﴾
- ۸- اگر کفّار از شما مأیوس نشده اند، چه بسا نقصی از نظر رهبری در دین شماست. ﴿الیوم یئس... الیوم اُکملت﴾
- ۹- دین بدون رهبر معصوم، کامل نیست. ﴿اُکملت لکم دینکم﴾
- ۱۰- قوام مکتب به رهبری معصوم است و تنها با وجود آن، کفّار مأیوس می شوند، نه با چیز دیگر. ﴿الیوم یئس الذین کفروا... الیوم اُکملت لکم دینکم﴾
- ۱۱- همهی نعمت ها بدون رهبری الهی ناقص است. ﴿الیوم... اُتمت علیکم نعمتی﴾
- ۱۲- نصب علی علیه السلام به امامت، اتمام نعمت است، ﴿اُتمت علیکم نعمتی﴾ و رها کردن ولایت او کفران نعمت و ناسپاسی نعمت و عواقب بدی دارد. <sup>(۱)</sup> ﴿فکفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون﴾
- ۱۳- اسلام بی رهبر معصوم، مورد رضای خدا نیست. ﴿الیوم... رضیت لکم الاسلام﴾

۱۴- اضطرار غیر اختیاری، مجوز مصرف حرام است، پس انسان نباید به اختیار خود را مضطر کند. ﴿أُضْطِرُّ﴾ (فعل مجهول است).

۱۵- قانونی کامل است که به همهی حالات و شرایط انسان توجه داشته باشد، مخصوصاً حالت اضطرار و مخمصه. آری، در احکام اسلام، بن بست نیست. ﴿فَنِ اضْطِرُّ﴾

۱۶- شرایط ویژهی اضطرار، نباید زمینه‌ساز گناه و آزاد سازی مطلق شود؛ بلکه باید به همان مقدار رفع اضطرار اکتفا کرد. ﴿غیر متجانف لاثم﴾

۱۷- از تسهیلاتی که برای افراد مضطر قرار داده می‌شود، سوء استفاده نکنیم. ﴿غیر متجانف لاثم﴾ امام باقر علیه السلام در تفسیر این جمله فرمودند: ﴿غیر متجانف﴾ کسی است که عمداً به سراغ گناه نرود.<sup>(۱)</sup>

﴿ ۴ ﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

(ای پیامبر!) از تو می‌پرسند: چه چیزهایی برای آنان حلال شده است؟ بگو: تمام پاکیزه‌ها برای شما حلال گشته است، و (نیز صید) سگ‌های شکاری آموزش دیده که در پی شکار گسیل می‌دارید و از آنچه خداوند به شما آموخته، به آنها یاد می‌دهید. پس، از آنچه برای شما گرفته‌اند بخورید و نام خدا را (هنگام فرستادن حیوان شکاری) بر آن ببرید و از خدا پروا کنید که خداوند سریع الحساب است.

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۷.



## نکته‌ها:

□ «جوارح»، جمع «جارحة»، از ریشه‌ی «جَرَحَ»، به دو معنای کسب و زخم بکار می‌رود. به حیوان صیاد، جارحه گویند، چون شکار را زخمی می‌کند، یا برای صاحبش، شکاری کسب می‌کند. به اعضای بدن هم که وسیله‌ی کسب و تلاش است، جوارح گفته می‌شود.

□ با عنایت به کلمه‌ی «مُکَلِّین» از ریشه‌ی «کَلَبَ»، به معنای تعلیم دهندگان سگ‌های شکاری است و تنها صید سگ‌های آموزش دیده حلال است، نه صید حیوانات شکاری دیگر آن هم شکاری که سگ، در پی آن گسیل شده و آن را نگهداشته است، نه آنکه برای خودش شکار کرده باشد که خوردن آن حرام است.

## پیام‌ها:

- ۱- پیامبران، پاسخگوی سؤال‌ها و نیازهای طبیعی جامعه‌اند. ﴿یسئلونک﴾
- ۲- آنچه لازم است که بدانیم، باید از انبیا و وارثانشان بپرسیم. ﴿یسئلونک﴾ (مسلمانان صدر اسلام، نسبت به یادگیری احکام و تکالیف دینی، احساس مسئولیت داشتند.)
- ۳- سؤال لازم، یک ارزش و نشانه‌ی احساس مسئولیت است. ﴿یسئلونک﴾
- ۴- سؤال، زمینه‌ی نزول تدریجی آیات قرآن است. ﴿یسئلونک﴾
- ۵- رابطه‌ی امت با پیامبر، بی‌واسطه است. ﴿یسئلونک﴾
- ۶- هر چه که حرام شده، بخاطر پلیدی آشکار یا نهان آن است. ﴿أحلّ لکم الطّیّبات﴾
- ۷- اصل و قانون کلی آن است که همه‌ی چیزهای پاک و دلپسند، حلال باشد. ﴿أحلّ لکم الطّیّبات﴾
- ۸- چون اسلام دینی فطری است، آنچه را که دل بپسندد و فسادی نداشته باشد حلال می‌کند. ﴿أحلّ لکم الطّیّبات﴾ (میان تشریح و تکوین هماهنگی است.)
- ۹- آموزش، منحصر به انسان نیست، حیوانات هم قابل تعلیم و تسخیرند. ﴿تعلّمونهنّ﴾

۱۰- دانش، حتی به سگ ارزش می‌دهد و کارآیی آن را بیشتر می‌کند. «تَعْلَمُونَهُنَّ» سگ با اندکی آموزش، یک عمر شکار خود را به معلمش هدیه می‌کند. «أَمْسِكْنَ عَلَيْكُمْ» ولی بعضی انسان‌ها که همه چیز را از خدا فرا گرفته‌اند، «عَلِّمَكُمُ اللَّهُ» برای خدا چه می‌کنند؟

۱۱- هنگام فرستادن سگ شکاری، نام خدا برده شود. «وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ»  
 ۱۲- رعایت مقررات الهی در مصرف گوشت جلوه‌ای از تقواست. «كُلُوا... وَاتَّقُوا»  
 ۱۳- در میان حیوانات وحشی، بعضی از آنها حلال گوشت هستند. (شکار، نشانه وحشی بودن حیوان است) «فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ»  
 ۱۴- توجه به معاد و حسابرسی سریع الهی، یکی از انگیزه‌های تقواست. «اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»

﴿ ۵ ﴾ أَلْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

امروز، همه‌ی چیزهای پاک و دلپسند برای شما حلال شده است، و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما نیز برای آنان حلال است. و (ازدواج با) زنان پاکدامن و با ایمان و نیز زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب آسمانی داده شده مانعی ندارد. در صورتی که مهریه زنان را بپردازید و پاکدامن باشید نه زناکار و نه دوست گیرنده‌ی پنهانی (و نامشروع) و هرکس به ایمان خود کفر ورزد، قطعاً عمل او تباه شده و او در آخرت از زیانکاران است.

## نکته‌ها:

□ این آیه می‌فرماید: طعام اهل کتاب برای مسلمانان حلال است؛ ولی با توجه به این‌که در آیات قبل برای استفاده از گوشت، بردن نام خدا شرط حلال بودن ذکر شده است، می‌فهمیم که مراد از حلال بودن طعام یهود و نصاری برای مسلمانان، طعام‌های غیر گوشتی است. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام هم منظور از طعام را گندم، جو و حبوبات دانسته‌اند. برخی لغت‌شناسان مانند ابن‌اثیر و خلیل نیز گفته‌اند: در فرهنگ حجاز، به گندم هم طعام گفته می‌شود.<sup>(۱)</sup>

□ چون این آیه، راه را برای رفت و آمد و غذا خوردن و ازدواج با اقلیت‌های دینی باز کرده و ممکن است مسلمانان برای رسیدن به دختران یهودی و مسیحی هر روز رفت و آمدشان را بیشتر کنند و کم‌کم تحت تأثیر تفکر و آداب آنان قرار بگیرند و از راه اسلام جدا شوند، آخر آیه هشدار می‌دهد که هرکس ایمان خود را نادیده بگیرد عمل او تباه است. ﴿و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله﴾

□ «أخذان»، جمع «خِذْن»، به معنای دوست است؛ ولی معمولاً در مورد دوستی‌های پنهانی و نامشروع به کار می‌رود.

□ در مسأله‌ی غذا، آیه به طرفین مسلمان و اهل کتاب، اجازه می‌دهد که از طعام یکدیگر استفاده کنند، ﴿أحلّ لكم... حلّ لهم﴾ ولی در ازدواج، تنها اجازه‌ی زن گرفتن از اهل کتاب را می‌دهد و اجازه‌ی زن دادن را نمی‌دهد، ﴿المحصنات من الذین أوتوا الكتاب﴾ (چون معمولاً زنان، به خاطر عواطفشان، تحت تأثیر مردان قرار می‌گیرند؛ لذا اگر زنان اهل کتاب به اسلام بگروند، رشد است، اما زن مسلمان اگر به آنان گرایش یابد، سقوط است. از این رو زن دادن به اهل کتاب، جایز نیست).

□ «مُحْصِن» و «مُحْصِنَةٌ»، به معنای عقیف بودن، آزاد بودن، همسر داشتن و مسلمان بودن است. در اینجا مراد از «محصنات» زنان عقیف است وگرنه ازدواج با زن شوهردار قطعاً حرام است. □ مراد از جواز ازدواج با اهل کتاب در این آیه، ازدواج موقت است،<sup>(۲)</sup> به دلیل روایات متعدّد و

۱. تفسیر المیزان؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۱.

۲. در این مسئله هرکس باید نظر مرجع تقلید خود را مطالعه نماید.

به خاطر کلمه‌ی «أجورهنّ» که بیشتر در مورد مهریه‌ی ازدواج موقت به کار می‌رود.  
 □ کسی که به حقانیت چیزی اقرار کند ولی به آن عمل نکند، عملش تباہ است. امام صادق علیه السلام ذیل آیه ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾ فرمودند: «تَرَكَ الْعَمَلَ الَّذِي أَقْرَبَهُ»<sup>(۱)</sup>  
 □ در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: کمترین چیزی که شخص به خاطر آن از ایمان خارج می‌شود آن است که نظری را بر خلاف حق بیابد و بر همان نظر بنا بگذارد و از آن دفاع کند، آنگاه حضرت این آیه را تلاوت کردند: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- در بیان احکام و قوانین، از عنصر زمان نباید غافل بود. ﴿أَلْيَوْمَ﴾
- ۲- قوانین تشریح با نظام تکوین هماهنگ است. (آنجا که طبع سلیم می‌پسندد، قانون نیز حلال می‌کند) ﴿أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ﴾
- ۳- پاکدامنی زن، در هر مذهبی که باشد، یک ارزش است. ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ﴾
- ۴- پاکدامنی، هم برای مردان و هم برای زنان، شرط است. ﴿الْمُحْصَنَاتُ، مُحْصِنِينَ﴾
- ۵- در انتخاب همسر به اصل ایمان و پاکدامنی توجه شود. ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ﴾
- ۶- اغفال و کلاهبرداری، حتی نسبت به غیر مسلمان ممنوع است. ﴿آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ (رعایت حق اقتصادی زن گرچه مسلمان نباشد واجب است)
- ۷- زن، حق مالکیت دارد، چه مسلمان و چه غیر مسلمان. ﴿أَجُورَهُنَّ﴾
- ۸- مهریه را باید به خود زن داد. ﴿آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ و فرمود: «آتَيْتُمُ أَجُورَهُنَّ»
- ۹- پرداخت اجرت به زن باید به خاطر ازدواج باشد، نه به خاطر زنا و روابط نامشروع. ﴿آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ﴾
- ۱۰- برقراری روابط نامشروع و پنهانی؛ حتی با غیر مسلمان هم ممنوع است. ﴿وُ

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۵.

۲. وسائل، ج ۲۷، ص ۶۰.

لاَمْتَّخِذِي أَخْدَانٍ ﴿۶﴾

۱۱- خوردن طعام اهل کتاب و صیغه کردن زنان پاکدامن از آنان حلال است.

جمله‌ی «أَحَلَّ لَكُمْ... وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» ﴿۶﴾

۱۲- اختلاط با اهل کتاب و زندگی در میان آنان و سفر به کشورشان، یکی از

لغزشگاه‌هاست. از این رو، در این آیه، پس از جواز ارتباط، هشدار می‌دهد که

مواظب باشید، روابط اقتصادی و خانوادگی، اعتقاد شما را عوض نکند و به

خاطر رسیدن به همسر، ایمانتان را از دست ندهید. ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ﴾

﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ

أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى

الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ

سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا

مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا

يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَليُتِمَّ

نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به نماز برخاستید، پس صورت و دست‌هایتان

را تا آرنج بشویید و قسمتی از سر و پاهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید و

اگر جُنُب بودید، خود را پاک کنید (و غسل نمایید)، و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا

یکی از شما از محلّ گودی (محلّ قضای حاجت) آمده یا با زنان تماس گرفتید (و

آمیزش جنسی کردید) و آبی (برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید،

پس (قسمتی از) صورت و دستانتان را از آن خاک (که بر دستانتان مانده) مسح

کنید، خداوند نمی‌خواهد که شما را در تنگی قرار دهد؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک

کند و نعمتش را بر شما کامل سازد، شاید شما شکرگزار باشید.

## نکته‌ها:

- در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء، به موضوع غسل و تیمم اشاره شد، در اینجا علاوه بر آن دو، به مسأله‌ی وضو هم اشاره شده است.
- واژه‌ی «قیام»، هرگاه با حرف «الی» همراه شود، به معنای اراده کردن است. «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ» یعنی هرگاه تصمیم به نماز خواندن گرفتید.
- کلمه‌ی «جُنُب»، به زن و مرد، مفرد و جمع، بطور یکسان اطلاق می‌شود.
- مراد از فرمان «فَاظْهَرُوا» انجام غسل است. به قرینه این‌که در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء به جای «فَاظْهَرُوا»، «تَغْتَسِلُوا» فرموده است.
- قید «الی المرافق»، برای بیان محدوده‌ی شستن است، نه جهت شستن. از آنجا که کلمه‌ی «يَد» در زبان عربی، هم به دست، از انگشتان تا مچ و هم به دست، از انگشتان تا آرنج و هم به دست، از انگشتان تا کتف، اطلاق می‌شود این آیه می‌فرماید: در وضو، دست تا آرنج را بشویید، نه کمتر و نه بیشتر.
- در تیمم، روح بندگی نهفته است؛ چون دست به خاک زدن و مالیدن آن به پیشانی که بلندترین عضو بدن است همراه با قصد قربت، نوعی تواضع و خاکساری در برابر خداست.
- «صَعِيد» از «صعود» به معنای زمین بلند است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر «صَعِيداً طَيِّباً» فرمودند: زمین بلندی که آب از آن سرازیر شود.<sup>(۱)</sup> آری، زمین گودی که آب آلوده در آن جمع می‌شود، برای تیمم مناسب نیست، زیرا شرط تیمم، خاک پاک است.
- در حدیث می‌خوانیم: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْرٍ»<sup>(۲)</sup>، نماز جز با طهارت (وضو یا غسل یا تیمم) صحیح نیست.
- در حدیث می‌خوانیم: «إِذَا بَدَأَ اللَّهُ»<sup>(۳)</sup> از همانجا آغاز کن که خداوند در قرآن آغاز کرده است. همان گونه که در قرآن ابتدا شستن صورت، بعد دست‌ها و بعد مسح سر و بعد مسح پا آمده است، ترتیب وضو نیز همین گونه است.

۱. معانی الاخبار، ص ۲۸۳. ۲. تهذیب، ج ۱، ص ۴۹. ۳. تفسیر نورالتقلین.

- از امام سؤال شد که چرا در وضو بخشی از سر مسح می‌شود؟ فرمودند: «لمکان الباء» به خاطر حرف «باء» در کلمه‌ی «برؤسکم» زیرا معنای آن قسمتی از سر است و اگر آیه «وامسحوا رؤسکم» بود در آن صورت باید همه‌ی سر را مسح می‌کردیم.<sup>(۱)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمود: «مراد از «لامستم»، آمیزش جنسی است؛ ولی خدا آن را پوشانده و پوشاندن اموری را دوست دارد؛ لذا آن گونه که شما نام می‌برید، نام نبرده است.»<sup>(۲)</sup>
- امام رضا علیه السلام درباره‌ی فلسفه‌ی وضو می‌فرماید:
- \* «يكون العبد طاهراً اذا قام بين يدي الجبار»، زمینه پاکي هنگام ایستادن در برابر خداست.
- \* «مطيعاً له فيما أمره»، نشانه‌ی بندگی و اطاعت است.
- \* «تقيّاً من الادناس و التّجاسة»، عامل دوری از آلودگی‌ها و نجاست است.
- \* «ذهاب الكسل و طرد النّعاس»، مایه‌ی دوری از کسالت و خواب آلودگی است.
- \* «وتزكية الفؤاد للقيام»، آماده سازی و رشد روحی برای نماز است.<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- نظافت و طهارت، لازمه‌ی ایمان است. «يا أيّها الّذین آمنوا... فاغسلوا... فاطهروا» ﴿﴾
- ۲- طهارت، شرط نماز است. «فاغسلوا» ﴿﴾
- ۳- همچنین که تماس با قرآن مخصوص پاکان است، «لا یمسّه الاّ المطهرون» ﴿﴾<sup>(۴)</sup>
- ارتباط با خدا هم نیاز به طهارت دارد. «فاغسلوا» ﴿﴾
- ۴- آلودگی جسم، مانع قرب به خداست. «اذا قمتم الى الصّلاة فاغسلوا» ﴿﴾
- ۵- اصل در کلام، رعایت حیا و عفت و ادب است، خصوصاً در مسائل زناشویی. «لامستم النّساء» ﴿البته در مسائل حقوقی، برای این که حقّی ضایع نشود، قانون روشن و بی‌پرده بیان می‌شود. مثل آیه «دخلتم بهنّ» ﴿<sup>(۵)</sup> که در مورد مهریه است.
- ۶- شرایط و مقدّمات نماز، تخفیف بردار هست، ولی تعطیل بردار نیست. «فلم

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۰. ۲. کافی، ج ۵، ص ۵۵۵. ۳. وسائل، ج ۱، ص ۳۶۷.  
 ۴. واقعه، ۷۹. ۵. نساء، ۲۳.

تجدوا ماءً فتیمموا ﴿

۷- باید برای پیدا کردن آب وضو و غسل تلاش کرد، اگر پیدا نشد، آنگاه نوبت به تیمم می‌رسد. («فلم تجدوا» در جایی است که انسان تلاش کند ولی نیابد.)

۸- با آب یا خاک آلوده، نمی‌توان با خدای پاک، ارتباط برقرار کرد. ﴿صعیداً طیباً﴾

۹- هم خوردنی‌ها باید طیب باشد که در دو آیه‌ی قبل به آن اشاره شد، هم تیمم باید به خاک طیب باشد. ﴿صعیداً طیباً﴾

۱۰- در احکام دین، حرج و دشواری نیست. ﴿ما یرید الله... من حرج﴾

۱۱- هدف از وضو و غسل و تیمم، طهارت معنوی و آمادگی برای ارتباط با خداوند است. ﴿لیطهرکم﴾

۱۲- تکالیف الهی، برای انسان نعمت است. ﴿لیم نعمته علیکم﴾

۱۳- انجام تکلیف، یکی از مصادیق شکر خداست. ﴿لعلکم تشکرون﴾

﴿ ۷ ﴾ وَ اذکروا نعمة الله علیکم و میثاقه الذی واثقکم به اذ قلتم

سمعنا و اطعنا و اتقوا الله ان الله علیم بذات الصدور

و به یاد آورید نعمتی را که خداوند به شما عطا کرد و پیمانی را که بطور

محکم با شما بست، آنگاه که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم و از خداوند

پروا کنید؛ زیرا خدا از درون سینه‌ها آگاه است.

### نکته‌ها:

□ گرچه موضوع یاد نعمت و رعایت میثاق مطرح شده در آیه، یک هشدار کلی و عمومی

است؛ ولی ممکن است به دلایلی مسأله‌ی رهبری جامعه اسلامی و اطاعت از او مراد باشد.

آن دلایل عبارتند از:

۱. رهبری الهی، عهد و میثاق خدایی است. داستان حضرت ابراهیم و درخواست امامت برای

نسل خویش و پاسخ خدا که عهد من به ظالمان نمی‌رسند، گواه بر این مطلب است.



﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

۲. پس از تعیین حضرت علی علیه السلام به امامت در غدیر خم، آیه سوم همین سوره نازل شد که امروز نعمتم را بر شما تمام کردم.

۳. مردم در غدیر خم با علی علیه السلام بیعت کردند و «سمعاً» و «طاعةً» گفتند. این آیه بار دیگر مردم را به وفاداری و پایداری نسبت به رهبری فرا می خواند.

□ پیمان بر شنیدن و اطاعت کردن، «سمعنا و أطعنا» شامل همه‌ی پیمان‌هایی می شود که انسان‌ها بطور طبیعی و فطری به صورت قولی، یا عملی با انبیا داشته‌اند، مثل بیعت‌ها و شهادت‌های آنان به توحید و نبوت.

### پیام‌ها:

- ۱- تأکید این آیه بر مفاهیمی چون نعمت، میثاق، اطاعت، علم به ذات الصِّدور، آن هم پس از آیه‌ی غدیر خم، می تواند اشاره به فراموشی محتوای آیه سوم و تخلف از خط غدیر باشد. (چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود.<sup>(۲)</sup>) ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ...﴾
- ۲- یاد نعمت‌های الهی لازم است. ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ﴾
- ۳- یاد و یادآوری نعمت‌ها، میثاق‌ها، گفته‌ها و علم و آگاهی خدا، عامل و زمینه‌ی تقواست. ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ...﴾
- ۴- به فکر پیمان شکنی نباشیم که خدا آگاه است. ﴿اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾

۱. بقره، ۱۲۴.

۲. تفسیر نورالثقلین.

﴿ ۸ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا  
يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ  
وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیکتر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

### نکته‌ها:

□ مشابه این آیه با اندکی تفاوت، در آیه ۱۳۵ سوره نساء آمده است، ﴿قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾ قیام به عدالت کنید و گواهان برای خدا باشید. هر چند به زیان خود یا والدین و بستگان شما باشد. تفاوت میان این دو آیه، آن است که این آیه سفارش می‌کند: کینه‌ها و دشمنی‌ها شما را منحرف نکند؛ ولی آیه سوره‌ی نساء می‌فرماید: علاقه‌ها و وابستگی‌ها شما را از مرز عدالت خارج نکند. آری، عوامل انحراف از عدالت یا بغض و کینه است، یا حبّ و دوستی که هر آیه به یکی از آنها اشاره دارد.

□ از آنجا که نادیده گرفتن کینه‌های درونی درباره مردم دشوار است، لذا در این آیه چند فرمان و چند تشویق به کار رفته است. ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ... اعدلوا... هو أقرب... اتقوا الله...﴾

### پیام‌ها:

- ۱- اگر انگیزه‌ی انسان، کینه‌های او شد، اخلاصی در کار نیست؛ ولی اگر قیام برای خدا باشد، کینه‌ها در اجرای عدالت بی‌اثر می‌شود. ﴿قَوَّامِينَ لِلَّهِ... لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾
- ۲- عدالت مستمر به صورت ملکه و عادت، ارزش کاملی است، گرچه عدالت لحظه‌ای مطلوب است. ﴿کونوا... شهداء بالقسط...﴾
- ۳- مؤمنان، هم رابطه با خدا دارند. ﴿قَوَّامِينَ لِلَّهِ﴾ و هم در رابطه با مردم گواهی به

عدل می دهند. ﴿شهداء بالقسط﴾

۴- اگر باور کنیم که خدا عملکرد ما را می داند، به عدل رفتار خواهیم کرد. ﴿شهداء

بالقسط... ان الله خبير بما تعملون﴾

۵- انسان های کینه توز و عقده ای، نمی توانند عادل باشند. (برای رسیدن به

عدالت باید کینه ها را کنترل کرد) ﴿لا یجرمنکم﴾

۶- احساسات باید تحت الشعاع عدالت باشد. ﴿لا یجرمنکم... اعدلوا﴾

۷- کینه جویی، از عوامل انحراف از عدالت است. ﴿شأن قوم علی الا تعدلوا﴾

۸- در سیاستگذاری ها و روابط داخلی و خارجی؛ حتی نسبت به دشمنان هم

عادل باشیم. ﴿شأن قوم﴾

۹- انسان های عادل و منصف، به تقوا نزدیکترند. ﴿اعدلوا هو اقرب للتقوی﴾

﴿۹﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند،

و عده ای آمرزش و پاداشی بزرگ داده است.

﴿۱۰﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

و آنان که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب نمودند، همانان اهل دوزخند.

### نکته ها:

□ در قرآن چند نوع اجر به کار رفته است: ﴿أجر عظیم﴾، ﴿أجر کبیر﴾<sup>(۱)</sup>، ﴿أجر کریم﴾<sup>(۲)</sup>،

﴿أجر غیر ممنون﴾<sup>(۳)</sup>. بنابراین، پاداش های الهی دارای درجاتی است.

□ وعده های خداوند، ﴿وعد الله...﴾ تخلف ناپذیر است: ﴿ان الله لا یخلف المیعاد﴾<sup>(۴)</sup>

۳. فصلت، ۸.

۲. یس، ۱۱.

۱. هود، ۱۱.

۴. آل عمران، ۹.

□ «جحیم» به معنای شدت برافروختگی آتش است. در داستان ابراهیم علیه السلام آمده که او را در جحیم (آتش شعله‌ور) افکندند. «أصحاب الجحیم» یعنی اهل آتش و آنان که پیوسته در آتش دوزخ هستند.

### پیام‌ها:

- ۱- ایمان و عمل ملازم هم هستند. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۲- ایمان و عمل شایسته، هم جبران کننده‌ی گناهان است ﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ﴾ و هم تأمین کننده‌ی پاداش. ﴿أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾
- ۳- توجه به عاقبت کارها، در تصمیم‌های انسان نقش مهمی دارد. ﴿أَجْرٌ عَظِيمٌ... أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾
- ۴- کیفر کافران و تکذیب کنندگان، دوزخ ابدی است. ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا... أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾
- ۵- تشویق، انگیزه‌ی عمل است. ﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ همان گونه که تهدید، از روشهای تربیتی قرآن است. ﴿أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾

﴿ ۱۱ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِنَّ هُمْ قَوْمٌ أَنْ  
يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ  
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خداوند را بر خودتان یاد کنید، آنگاه که جمعی (از دشمنان) قصد داشتند به سوی شما دست تعدی دراز کنند (و شما را نابود سازند)، اما خداوند دست آنان را از شما کوتاه کرد و از خدا بترسید و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کنند.

## نکته‌ها:

□ در اینکه آیه، ناظر به کدام واقعه‌ی تاریخی است اختلاف است؛ ولی می‌توان آن را شامل همه‌ی مواردی دانست که مسلمانان، در مقابل سوء قصد یا تهاجم دشمن، با تکیه بر خداوند پیروز شده و نجات یافته‌اند.

## پیام‌ها:

۱- یاد نعمت‌های خدا بر مؤمنان لازم است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ﴾ (زیرا هم نوعی شکر است، هم غرور و غفلت را از انسان دور می‌نماید و هم عشق انسان را به پروردگار می‌افزاید).

۲- دفع خطرات دشمن، از نعمت‌های خداست. ﴿كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ﴾

۳- با تقوا و توکل و ایمان، لطف خدا را به خود جلب و خطر دشمنان را دفع کنیم. ﴿كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (همان گونه که به خاطر گناه، خداوند دشمن را بر انسان مسلط می‌کند، توجّه به خدا هم موجب دفع دشمنان است).

۴- لازمه‌ی ایمان و تقوا تکیه بر خداست. ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾

۵- تقوا و توکل داشتن، بر اثر یاد خداوند و ایمان است. ﴿اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ... وَاتَّقُوا اللَّهَ... فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾

﴿۱۲﴾ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمْ مَوَهُمُ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

و به تحقیق خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از میان آنان دوازده سرپرست (برای دوازده طایفه) برانگیختیم، و خداوند (به آنان) فرمود: من با شمایم، اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید و به پیامبرانم ایمان آورده و یاری شان کنید و به خداوند وامی نیکو دهید، قطعاً گناهانتان را می پوشانم و شما را به باغ هایی وارد می کنم که نهرها زیر (درختان) آن جاری است. پس از این، هر کس از شما کافر شود، به راستی از راه راست منحرف گشته است.

### نکته ها:

- «عزّرتوهم» از «عزّرت»، به معنای یاری کردن همراه با احترام است.
- «سواء السبیل»، به وسط راه می گویند که انحراف از آن، سقوط را به همراه دارد.
- نقبای بنی اسرائیل، وزرای حضرت موسی علیه السلام و سرپرستان دوازده طایفه از آنان بودند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: خلفای پس از من دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل.<sup>(۱)</sup> مخالفان راه اهل بیت، بسیار کوشیدند که این عدد را بر خلفای راشدین، خلفای بنی امیه و خلفای بنی عباس منطبق سازند، با اینکه با هیچ کدام جور نمی آید. و این تلاش بیهوده در حالی است که دهها حدیث از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که نام این دوازده تن را در بردارد، در کتب معتبر شیعه و سنی به چشم می خورد که نخستین آنان علی علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام است.

### پیام ها:

- ۱- نماز، زکات، یاری انبیا و انفاق، در برنامه های ادیان الهی قبل نیز بوده است.  
«میثاق بنی اسرائیل...»
- ۲- همراهی خداوند با ما چند شرط دارد: نماز، زکات، ایمان، نصرت انبیا، انفاق.

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۸.

﴿إِنِّي مَعَكُمْ لئن أَقْتَمَ الصَّلَاةَ وَ...﴾

۳- ایمان به انبیا به تنهایی کافی نیست، یاری آنان هم لازم است. ﴿وَعَزَّزْتُمُوهُمْ﴾  
 ۴- انجام همه‌ی واجبات کارساز است، گرچه انجام هریک دارای فایده است.

﴿لئن أَقْتَمَ الصَّلَاةَ... وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ﴾

۵- کمک به خلق خدا، کمک به خداست. ﴿أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ﴾ به جای «أَقْرَضْتُمُ النَّاسَ»  
 ۶- انفاق باید به شیوه‌ای نیکو باشد. (از مال خوب، با نیت خوب، با سرعت و بدون منت.) ﴿قَرْضًا حَسَنًا﴾

۷- رهبر جامعه باید از سوی خدا تعیین شود و برگزیدگان انبیا هم باید به فرمان خداوند باشند. ﴿بِعْتْنَا مِنْهُمْ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾

۸- نماز و زکات و انفاق، در کنار پذیرش و یاری رهبران الهی مفهوم دارد. ﴿أَقْتَمَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّزْتُمُوهُمْ﴾

۹- رهبر، اگر از خود مردم باشد، موفق‌تر است. ﴿بِعْتْنَا مِنْهُمْ﴾

۱۰- بهشت را به «بها» دهند، نه به بهانه. اگر نماز، زکات، ایمان، امداد و انفاق بود، بهشت هم هست. ﴿لئن أَقْتَمَ الصَّلَاةَ... لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ﴾

۱۱- بهشت، جای آلودگان نیست، ابتدا باید پاک شد، آنگاه به بهشت رفت. ﴿لَا كُفْرًا... لَأُدْخِلَنَّكُمْ﴾

۱۲- راه دستیابی به عفو خدا، ایمان و عمل صالح است. ﴿آمَنْتُمْ... وَ أَقْرَضْتُمُ... لَأَكْفُرَنَّ﴾

۱۳- بعد از اخذ میثاق و اتمام حجّت و بیان شرایط دریافت الطاف الهی، راه عذر و بهانه برای کسی نیست. ﴿فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾

۱۴- هرکس به دستورهای الهی کفر ورزد، از مسیر اعتدال خارج شده است. ﴿فَمَنْ كَفَرَ... فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (آری، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات، ایمان به انبیا و وفاداری به پیمان‌ها، راه میانه‌ای است که نافرمانان آن را گم کرده‌اند.)

﴿ ۱۳ ﴾ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ  
 الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ  
 عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ  
 يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

پس (بنی اسرائیل را) به خاطر شکستن پیمانانشان لعنت کردیم (و از رحمت خویش دور ساختیم) و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم. آنان کلمات (الهی) را از جایگاه‌های خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند، و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی (هر روز توطئه و خیانتی تازه دارند) مگر اندکی از ایشان (که سنگدل و تحریف‌گر و خائن نیستند). پس، از آنان درگذر و از لغزش‌هایشان چشم‌پوش. همانا خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

#### نکته‌ها:

- در اولین آیه‌ی این سوره، وفای به پیمان‌ها و در آیه‌ی قبل، پیمان خداوند با بنی اسرائیل آمده است. این آیه آثار خلف وعده و پیمان‌شکنی را مطرح می‌کند.
- نسیان گاهی به معنای فراموشی غیر اختیاری است که انتقادی بر آن نیست؛ ولی گاهی به معنای بی‌اعتنایی و بی‌توجهی است که قابل انتقاد است. مانند؛ موردی که در این آیه آمده است. ﴿نَسُوا حَظًّا﴾

#### پیام‌ها:

- ۱- از پیمان‌شکنی بنی اسرائیل و عواقب آن عبرت بگیریم. ﴿فَبِمَا نَقْضِهِمْ... لَعَنَّاهُمْ﴾
- ۲- پیمان‌شکنی با خدا، عامل محرومیت از لطف الهی و زمینه‌ی پیدایش سنگدلی است. ﴿لَعَنَّاهُمْ... جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾ در آیه‌ی ۷۷ سوره‌ی توبه نیز پیمان‌شکنی با خدا، سبب پیدایش نفاق است. ﴿فَاعْقِبْهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ﴾



۳- گروهی از بنی اسرائیل، همواره اهل خیانت بودند. ﴿لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ﴾  
 ۴- پیامبر ﷺ دائماً بر اعمال و رفتار یهود ناظر بودند. ﴿لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ﴾  
 ۵- در برخورد با دشمن، انصاف را فراموش نکنیم. («الّا قليلاً» یعنی همه‌ی بنی اسرائیل توطئه‌گر نبودند.)

۶- عفو و صفا، از مصادیق احسان است. ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ... الْمُحْسِنِينَ﴾  
 ۷- عفو و گذشت کردن از کافر نیز احسان و نیکی است. ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

۸- نیکوکار، محبوب خداست. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

﴿۱۴﴾ وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا  
 ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ  
 سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

و از کسانی که گفتند ما مسیحی هستیم پیمان گرفتیم، پس آنان (نیز همچون بنی اسرائیل) بخشی از آنچه را تذکر داده شده بودند فراموش کردند، پس دشمنی و کینه را تا روز قیامت در میانشان قرار دادیم و خداوند به زودی آنان را به آنچه انجام می‌دهند آگاه خواهد ساخت.

#### نکته‌ها:

- «نصاری»، جمع «نصرانی» است، شاید هم چون شعار یاران حضرت عیسی ﴿نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾<sup>(۱)</sup> بود، مسیحیان را نصارا گفته‌اند.
- «بغضاء»، دشمنی در قلب و «عداوت»، بروز ظاهری آن است.
- فراموشی بخشی از تذکرات این است که مسیحیان از مرز توحید گذشته به تثلیث رسیدند

و به جای پذیرش حضرت محمد ﷺ نشانه‌های او را کتمان کردند.  
 □ «اغرینا» در اصل به معنای چسبانیدن چیزی است، یعنی مایه اتصال آنها عداوت است.

### پیام‌ها:

- ۱- ادّعا بسیار است، امّا عمل اندک. ﴿قالوا انا نصاری... فانسوا حظّاً مما ذکروا...﴾
- ۲- هرکس ادّعایی دارد باید مسئولیتی را بپذیرد. ﴿قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم﴾
- ۳- نتیجه‌ی فراموشی تذکرات الهی و بشارت عهدین، تفرقه و عداوت است.  
 ﴿انسوا... اغرینا بینهم العداوة﴾
- ۴- از پیامدهای تلخ پیمان شکنی دیگران و کافر شدن آنان عبرت بگیریم. (از نصارا پیمان گرفتیم، چون فراموش کردند گرفتار بدبختی شدند). ﴿اخذنا میثاقهم فانسوا... فاغرینا﴾
- ۵- تفرقه و دشمنی، از عذاب‌های الهی است. ﴿انسوا... فاغرینا﴾
- ۶- همه‌ی کارها زیر نظر خداوند است و پاداش و کیفر خواهد داشت. ﴿ینبئهم الله بما کانوا یصنعون﴾

﴿ ۱۵ ﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ

ای اهل کتاب! همانا پیامبر ما به سویتان آمد، در حالی که بسیاری از آنچه را شما از کتاب (آسمانی) پنهان می‌کردید برای شما بیان می‌کند و از بسیاری (خلاف‌ها یا حقایقی که شما پنهان کرده‌اید و فعلاً نیازی به آنها نیست) درمی‌گذرد. قطعاً از سوی خداوند، نور و کتاب آشکار برایتان آمده است.

**نکته‌ها:**

□ بیان مطالب کتمان شده، نشانه‌ی علم غیب و یکی از راه‌های شناخت پیامبر است. ﴿ببین لکم... تخفون من الکتاب﴾<sup>(۱)</sup>

**پیام‌ها:**

- ۱- اسلام، دینی جهانی است و همه ادیان را به حق دعوت می‌کند. ﴿یا أهل الکتاب قد جائکم رسولنا﴾
- ۲- در ارشاد و دعوت مردم، حتی از اهل کتاب هم مایوس نشویم. ﴿یا أهل الکتاب﴾
- ۳- جهان منهای قرآن، تاریک است. ﴿قد جاءکم من الله نور﴾
- ۴- برخی حقایق تورات و انجیل، کتمان شده است. ﴿کثیراً مما کنتم تخفون﴾
- ۵- از شیوه‌های ارشاد، بیان مطالب به قدر ضرورت است. ﴿ويعفو عن کثیر﴾
- ۶- قرآن، بسیار با عظمت است. (کلمه‌ی «نور» و «کتاب»، به صورت نکره آمده که نشانه‌ی بزرگی و عظمت است). ﴿نور و کتاب مبین﴾

﴿ ۱۶ ﴾ يَهْدِي بِهٖ اَللّٰهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ بِاِذْنِهٖ وَيَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

خداوند به وسیله‌ی آن (کتاب) کسانی را که بدنبال رضای الهی‌اند، به راه‌های امن و عافیت هدایت می‌کند، و آنان را با خواست خود از تاریکی‌ها به روشنایی درمی‌آورد، و به راه راست هدایت می‌کند.

**نکته‌ها:**

□ هدایت دارای مراتبی است: یک مرحله، هدایت عمومی برای همه‌ی انسان‌هاست، خواه پیروی کنند یا نکنند و نوع دیگر مخصوص کسانی است که هدایت عمومی را پذیرفته باشند.

۱. تفسیر المیزان.

این آیه نوع دوم را بیان می‌کند.

□ سلام، یکی از نام‌های خداست، «السَّلام المؤمن المهیمن...»<sup>(۱)</sup> و یکی از نام‌های بهشت هم «دارالسَّلام»<sup>(۲)</sup> است. پس راه‌های سلام، یعنی راه خدا و بهشت که رسیدن به آن دو از «سُبُل السَّلام» و صراط مستقیم می‌گذرد. «سُبُل السَّلام»، شامل راه‌های سلامت فرد و جامعه، خانواده و نسل، فکر، روح و ناموس و... می‌شود.

□ مصداق روشن پیروان رضوان خدا در «مَنْ اتَّبِعَ رِضْوَانَهُ»، پویندگان خط «غدیر خم» اند، چون آیه‌ی «رِضِیتَ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِیناً» بعد از نصب علی بن ابی طالب عَلِیُّ بْنُ ابِی طَالِبٍ به مقام جانشینی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد.<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- کسانی قابل هدایتند که در پی تحصیل رضای حق باشند، نه دنبال مقام و مال و هوای نفس و انتقام. «یهدی به الله من اتبع رضوانه»
- ۲- انسان، خود زمینه‌ساز هدایت خویش است. «یهدی به الله من اتبع رضوانه»
- ۳- هدایت به راه‌های سلامت و سعادت، در گرو کسب رضای خداست و هر کس در پی راضی کردن غیر او باشد، در انحراف است. «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السَّلام»
- ۴- راه حق یکی است و راه‌های باطل (شرک، کفر، نفاق و تفرقه و...) متعدّد. (کلمه‌ی «نور» مفرد؛ ولی «ظلمات» جمع آمده است. آری، همه‌ی نیکی‌ها و پاکی‌ها در پرتو نور توحید، یک حالت وحدت و یگانگی به خود می‌گیرد، اما ظلمت همیشه مایه‌ی تفرقه و پراکندگی صفوف است.)
- ۵- هدف، یکی است؛ ولی راه‌های رسیدن به آن متعدّد است. «سبیل السَّلام»
- ۶- مکتب وحی، سلامت و سعادت فرد و جامعه و روح و جسم را تضمین کرده

۱. حشر، ۲۳.

۲. انعام، ۱۲۷.

۳. تفسیر اطیب البیان.

است. ﴿سَبِيلَ السَّلَامِ﴾

- ۷- بشر در سایه‌ی قرآن، به همزیستی و صفا در زندگی می‌رسد. ﴿سَبِيلَ السَّلَامِ﴾
- ۸- «سَبِيلَ السَّلَامِ» به «صراطِ مستقیم» منتهی می‌شود، و همه‌ی کسانی که با انجام تکالیف گوناگون در شرایط مختلف، در پی کسب رضای خداوند می‌باشند، به صراطِ مستقیم می‌رسند. ﴿يَهْدِي... سَبِيلَ السَّلَامِ... يَهْدِيهِمُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾
- ۹- برای رسیدن به صراطِ مستقیم، تنها پیامبر و کتاب کافی نیست، لطف و اراده‌ی خدا هم لازم است. ﴿بِإِذْنِهِ﴾
- ۱۰- نه جبر، نه تفویض؛ بلکه امر بین الامرین. انسان انتخاب‌گر است؛ ﴿اتَّبِعِ رِضْوَانَهُ﴾ اما رسیدن به هدف بدون اراده خدا نمی‌شود. ﴿بِإِذْنِهِ﴾
- ۱۱- قرآن، داروی شفابخش همه ظلمات است. تاریکی‌های: جهل، شرک، تفرقه، توحش، شبهات، شهوات، خرافات، جنایات و اضطراب‌ها را به نور علم، توحید، وحدت، تمدن، یقین، حق، صفا و آرامش تبدیل می‌کند. ﴿يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾

﴿۱۷﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنْ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنان که گفتند: خدا، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند. (ای پیامبر! به آنان) بگو: اگر خداوند اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و هر کس که در زمین است، همگی را هلاک کند، چه کسی در برابر (قهر) او از خود چیزی دارد؟ حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست، هر چه را بخواهد می‌آفریند و خداوند بر هر چیز تواناست.

## نکته‌ها:

- مسیحیان چند ادّعی بی‌اساس درباره خدا دارند که قرآن به آنها اشاره می‌کند:
۱. اعتقاد به خدایان سه گانه. ﴿لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً...﴾<sup>(۱)</sup>
  ۲. اعتقاد به اینکه خدای آفریدگار، یکی از خدایان سه گانه است (خدای پدر). ﴿قَالُوا إِنْ لَإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثَةً...﴾<sup>(۲)</sup>
  ۳. انحصار الوهیت در مسیح که این آیه آن را ردّ می‌کند.
- ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ﴾ به خلقت حضرت عیسی بدون داشتن پدر، و آفرینش حضرت آدم بدون داشتن پدر و مادر اشاره دارد.
- اگر حضرت مسیح خداست، پس چگونه (به عقیده‌ی مسیحیان) کشته شد و صلیب، آرم مظلومیت او گشت؟ خدا که نباید مورد سوء قصد قرار گیرد!

## پیام‌ها:

- ۱- اسلام، با کفر، شرک و خرافه در هر مکتبی که باشد مخالف است. (غلو هم نوعی کفر است). ﴿كُفِرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ﴾
- ۲- پیامبر اکرم ﷺ مأمور گفتگوی منطقی با مخالفان است. ﴿قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ...﴾
- ۳- اگر مسیح خدا باشد، خدا که در شکم زن قرار نمی‌گیرد. ﴿الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ﴾
- ۴- احتمال فنا و نیست شدن، با خدایی سازگار نیست. ﴿إِنْ أَرَادَ أَنْ يَهْلِكَ الْمَسِيحُ﴾
- ۵- عیسی، مادرش و همه مردم زمین در انسان بودن و ناتوان بودن در برابر قدرت خداوند، یکسان می‌باشند. ﴿الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مِنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾
- ۶- ادّعی خدایی برای غیر خدا نظیر مسیح، نشانه عدم شناخت واقعی مسیحیان نسبت به خداوند است. ﴿قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ... وَ لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
- ۷- قدرت الهی، محدود به نظام خاصی نیست و می‌تواند حتی بدون پدر هم،

۱. نساء، ۱۷۱.

۲. مائده، ۷۳.

فرزند خلق کند. ﴿وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

﴿۱۸﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

ویهودیان و مسیحیان گفتند: ما پسران خدا و دوستان (خاص) اویم. بگو: پس چرا شما را به (کیفر) گناهانتان عذاب می‌کند؟! (چنین نیست) بلکه شما نیز انسان‌هایی از مخلوقات اوید (وامتیازی ندارید). (خداوند) هر که را بخواهد (وشایسته بداند) می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداوند است، و بازگشت و سرانجام تنها به سوی اوست.

#### نکته‌ها:

- هنگامی که رسول خدا ﷺ جمعی از یهودیان را به اسلام دعوت کرد، گفتند: ما فرزندان و دوستان خدا ایم.<sup>(۱)</sup>
- یهود و نصارا خود را پسران واقعی خدا نمی‌دانستند، بلکه نوعی فرزند خواندگی تشریفاتی برای خود تصوّر می‌کردند.
- قتل انبیا، کتمان بشارت‌ها به آمدن پیامبر اسلام، پیمان شکنی، تحریف کتب آسمانی، گوساله‌پرستی، بهانه‌جویی، شکم‌پرستی، نمونه‌هایی از جنایات بنی‌اسرائیل است و کننده شدن کوه از جای خود، چهل سال آوارگی، مسخ و ذلت، نمونه‌هایی از کیفر الهی نسبت به آنان است. ﴿يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ﴾

۱. ادعای فرزند خدا و دوست خدا بودن، در انجیل یوحنا، باب ۸، جمله ۴۱ نیز آمده است. تفسیر نمونه.

## پیام‌ها:

- ۱- نژادپرستی، امتیازطلبی و حق را منحصر در خود و حزب و گروه خود دانستن، ممنوع است. ﴿بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ﴾
- ۲- هیچ فرد، قوم، نژاد و امتی، نباید مطمئن به آمرزش خدا باشد، چنانکه نباید از رحمت او مأیوس باشد. ﴿يَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبْ مَنْ يَشَاءُ﴾

﴿۱۹﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای اهل کتاب! همانا رسول ما در دورانی که پیامبرانی نبودند به سوی شما آمد تا (حقایق را) برای شما بیان کند، تا مبادا بگویید: مارا بشارت دهنده و بیم‌دهنده‌ای نیامد، براستی بشیر و نذیر برایتان آمد، و خداوند بر هر چیز تواناست.

## نکته‌ها:

- فترت و فاصله‌ی زمانی میان حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ تا حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حدود ششصد سال است. البته در دوره‌هایی که پیامبری مبعوث نمی‌شود، زمین خالی از حجت خدا نیست، چون اوصیای پیامبران بوده‌اند. به تعبیر حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: هرگز زمین خالی از حجت نیست، چه قدرت داشته باشد یا نه، چون راه خدا نباید برای پویندگان مخفی بماند. <sup>(۱)</sup> پس ایام فترت، به معنای رها کردن مردم نیست.
- فترت‌ها و فاصله‌های کوتاه مدت یا دراز مدت، حکمت‌هایی دارد و از برنامه‌های مفید در نظام تربیتی الهی است. نمونه‌های آن در تاریخ عبارتند از: جدا شدن حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از مردم، اعتکاف انبیا، قطع وحی از پیامبر و غیبت صغری و کبرای امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۴۷.



## پیام‌ها:

- ۱- اسلام اهل کتاب را به سوی ایمان فرا می خواند. ﴿یا اهل الکتاب قد جائکم﴾
- ۲- بیان حقایقی که کتمان یا تحریف و یا فراموش شده اند، یکی از رسالت‌های انبیاست. ﴿بین لکم﴾
- ۳- احکام الهی، نیاز به تبیین پیامبران دارد. ﴿رسولنا بین لکم﴾
- ۴- بعثت، راه عذر و بهانه را به روی انسان می بندد. ﴿ان تقولوا ماجائنا من بشیر﴾
- ۵- بشارت و انداز، از شیوه‌های تبلیغی انبیاست. ﴿جائکم بشیر و نذیر﴾
- ۶- انسان در انتخاب راه آزاد است، انبیا فقط بشارت و هشدار می دهند، اجبار و اکراهی ندارند. ﴿فقد جائکم بشیر و نذیر﴾
- ۷- نمی توان گفت که چگونه یک پیامبر درس نخوانده، می تواند بیانگر معارف کتمان شده و تحریف‌های صورت گرفته در دین باشد، چون خداوند بر هر کاری تواناست. ﴿والله علی کل شیء قدير﴾

﴿۲۰﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِیْكُمْ أَنْبِیَاءَ وَجَعَلَ لَكُم مَّلُوكًا وَآتَاكُم مَّا لَمْ یُوْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِیْنَ

و (به یاد آورید) زمانی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود یاد آورید، هنگامی که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهان قرار داد (که صاحب اختیار مال و جان و ناموس و حکومت شدید) و به شما چیزهایی داد که به هیچ یک از جهانیان نداده بود.

## نکته‌ها:

- یاد نعمت‌ها، عامل عشق به خدا، شکر نعمت‌های او و تعبد و تسلیم در برابر دستورات اوست. ﴿اذكروا نعمة الله عليكم﴾
- «ملك» در لغت هم به معنای حاکم و زمامدار و هم به معنای صاحب و مالک آمده است و

در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است: هر کس از بنی اسرائیل که دارای همسر، خدمتکار و مرکب بود به او ملک می‌گفتند.<sup>(۱)</sup> ضمناً اگر ملوک به معنای سلاطین باشد، همه‌ی مردم نمی‌توانند پادشاه باشند. بنابراین ملک، به معنای صاحب اختیار است.

□ نعمت‌هایی چون: عبور از رود نیل، نزول منّ و سلوی و جوشیدن دوازده چشمه‌ی آب از نعمت‌های ویژه‌ی بنی اسرائیل بود که این آیه با جمله‌ی «آتاکم ما لم یؤت احداً» به آن اشاره می‌کند.

### پیام‌ها:

- ۱- برای دعوت مردم، خوب است از ابزار عاطفه استفاده کرد. «یا قوم»
- ۲- باید پیش از دستورات الهی، مردم را با ذکر الطاف الهی، آماده کنیم. «اذکروا نعمة الله...» (در این آیه ذکر نعمت‌هاست و در آیه‌ی بعد یک فرمان مهم صادر شده است.)
- ۳- نعمت نبوت، حکومت و قدرت از نعمت‌های خداوند است. «اذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً...»
- ۴- از وظایف انبیا، یادآوری نعمت‌های الهی به مردم است. «اذکروا نعمة الله»
- ۵- قبل از حضرت موسی نیز در میان بنی اسرائیل پیامبرانی وجود داشته که حضرت موسی وجود آنان را به عنوان نعمت یادآوری می‌کند. «جعل فیکم انبیاء»
- ۶- از تاریخ عبرت بگیریم. قوم موسی پس از برخورداری از لطف ویژه‌ی الهی و رسیدن به حکومت، گرفتار ذلت و مسکنت شدند. «لم یؤت احداً من العالمین» به «یاؤا بغضب من الله»<sup>(۲)</sup> تبدیل شد.

۱. تفسیرالمیزان.

۲. بقره، ۶۱.

﴿۲۱﴾ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا  
عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

(موسی فرمود:) ای قوم من! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما  
مقرر کرده وارد شوید و به پشت سر خود برنگردید که زیانکار می‌گردید.

### نکته‌ها:

- «ارض مقدّس» همه‌ی منطقه‌ی شامات (سوریه، اردن، فلسطین و...) است یا تنها  
بیت‌المقدّس می‌باشد.
- مراد از ﴿لا ترتدّوا﴾ پشت نکردن به فرمان الهی یا برگشت و عقب‌نشینی نکردن در مسیر  
حرکت است.

### پیام‌ها:

- ۱- رابطه‌ی رهبر و مردم، باید عمیق و عاطفی باشد. ﴿یا قوم﴾
- ۲- سرزمین‌های مقدّس را باید از چنگ ناهلان بیرون آورد. ﴿ادخلوا الارض  
المقدّسة﴾
- ۳- همه جای زمین یکسان نیست، برخی جاها قداست دارد. ﴿الارض المقدّسة﴾
- ۴- فرار از جبهه، حرام است. ﴿ادخلوا... ولا ترتدّوا﴾
- ۵- برخورداری از نعمت‌های الهی، مسئولیت دارد. ﴿جعل فيكم أنبياء وجعلكم  
ملوكاً... ادخلوا﴾
- ۶- از مصادیق و نمونه‌های خسارت، محرومیت از مکان‌های مقدّس است.  
﴿ادخلوا... ولا ترتدّوا... فتنقلبوا خاسرين﴾

﴿ ۲۲ ﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ  
يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ

(بنی اسرائیل در پاسخ) گفتند: ای موسی! همانا در آن سرزمین گروهی  
ستمگر وجود دارد و ما هرگز وارد آن نمی‌شویم، تا آنان از آن سرزمین  
بیرون شوند، پس اگر از آنجا بیرون روند بی‌تردید ما داخل می‌شویم!

#### نکته‌ها:

□ «جَبَّار» از «جَبْر» به معنای اصلاح و جبران چیزی همراه با قهر و فشار است. اما به هر  
یک از این دو معنا به تنهایی نیز آمده است: ۱. جبران کردن ۲. قهر و غلبه، و دربارہی  
خداوند به هر دو معنی به کار می‌رود.<sup>(۱)</sup>

□ «قوم جَبَّار» همان عمالقه، از نژاد سامی بودند که در شمال عربستان در صحرای سینا  
زندگی می‌کردند و به مصر حمله کرده، پانصد سال حکومت داشتند.<sup>(۲)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- بودن ناهلان در جایی، دلیل کناره‌گیری افراد شایسته نیست. ﴿یا قوم ادخلوا...  
فان یخرجوا منها فاننا داخلون﴾
- ۲- باید دشمن را بیرون کرد، نه آنکه صبر کرد تا خودش بیرون رود. ﴿فان یخرجوا  
منها فاننا داخلون﴾
- ۳- راحت‌طلبی، ممنوع است باید اقدام کرد و امداد خواست تا دشمن را بیرون  
راند. (انتقاد قرآن از بنی اسرائیل که گفتند: ﴿اننا لن ندخلها﴾)
- ۴- توقع پیروزی بدون مبارزه، تفکری نادرست است. ﴿فان یخرجوا منها فاننا داخلون﴾
- ۵- بدتر از نافرمانی، جسارت و لجابت است. ﴿لن ندخلها﴾ (با توجه به اینکه در  
حرف «لن» ایهام جسارت است.)

۲. دائرة المعارف، فرید وجدی.

۱. تفسیر نمونه.

﴿۲۳﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ  
الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ  
مُؤْمِنِينَ

دو نفر از مردانی که (از خدا) می ترسیدند و خدا به آنان نعمت (عقل و ایمان و شهامت) داده بود، گفتند: از دروازه‌ی شهر بر دشمن وارد شوید (و نترسید) پس چون که داخل شدید همانا پیروزید و اگر ایمان دارید بر خدا توکل کنید.

### نکته‌ها:

□ در تفاسیر آمده است: آن دو نفر از نقبای دوازده گانه بنی اسرائیل بودند، به نام‌های: «یوشع بن نون» و «کالب بن یوفنا» و نامشان در تورات، سفر تثنیه آمده است.<sup>(۱)</sup> امام باقر علیه السلام فرمودند: این دو نفر، پسر عموی موسی علیه السلام بودند.<sup>(۲)</sup>

□ به گفته علامه طباطبایی در تفسیر المیزان: «هرگاه کلمه‌ی «نعمت» در قرآن بدون قید آمد، مراد نعمت ولایت و نبوت است».

### پیام‌ها:

- ۱- خدا ترسی، زمینه‌ی فراهم شدن الطاف و نعمت‌های الهی است. ﴿يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ...﴾
- ۲- آنکه از خدا بترسد، احساس مسئولیت می‌کند و پیروی از فرمان پیامبر خدا را واجب می‌داند و در برابر قدرت‌های دیگر تسلیم نمی‌شود. ﴿يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ... ادخلوا﴾
- ۳- خدا ترسی، زمینه‌ی شجاعت و جرأت و عمل است. ﴿يَخَافُونَ... ادخلوا﴾

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر نورالثقلین.

- ۴- خدا ترسی، نعمتی الهی است. ﴿يَخَافُونَ أُنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾
- ۵- هنگام حمله، باید به رزمندگان روحیه داد. ﴿فَاتَّكُمُ الْغَالِبُونَ﴾
- ۶- خوف الهی و تقوا، به انسان بصیرت و نیروی تحلیل صحیح و روشن از مسائل می دهد. ﴿يَخَافُونَ... فَاتَّكُمُ الْغَالِبُونَ﴾
- ۷- توکل، باید مخلصانه و تنها بر خدا باشد. ﴿عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا﴾
- ۸- اگر اهل ایمان با شهادت وارد شوند، منحرفان میدان را ترک می کنند. ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَآتِكُمْ الْغَالِبُونَ﴾
- ۹- اصل در موفقیت تنها امکانات مادی نیست، بلکه ایمان و توکل، تصمیم و جرأت نیز لازم است. ﴿ادخلوا... و علی الله فتوكلوا﴾
- ۱۰- توکل به تنهایی کافی نیست، بلکه همراه با تلاش ما را به مقصد می رساند. ﴿ادخلوا... فتوكلوا﴾
- ۱۱- توکل، نشانه‌ی ایمان و کلید نجات از بن بست‌ها و ترس‌هاست. ﴿فتوكلوا ان كنتم...﴾
- ۱۲- از شما حرکت، از خدا برکت و نصرت. ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَآتِكُمْ الْغَالِبُونَ و علی الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين﴾
- ۱۳- توکل، تنها به لفظ نیست؛ بلکه روحیه‌ای برخاسته از ایمان است. ﴿فتوكلوا ان كنتم مؤمنين﴾

﴿ ۲۴ ﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ

(بنی اسرائیل) گفتند: ای موسی! تا وقتی که آنها (جباران ستمگر) در آن شهرند، ما هرگز وارد آن نخواهیم شد. پس تو و پروردگارت بروید (و با آنان) بجنگید، ما همانا همین جا نشسته‌ایم.

## نکته‌ها:

□ مکه و بیت‌المقدس، هر دو سرزمین مقدّسند؛ اما موسی عَلَيْهِ السَّلَام که به قوم خود فرمود: وارد آن شوید و با دشمن بجنگید، بهانه آورده، از فرمان او تخلف کردند، ولی مسلمانان در سال ششم هجری که به قصد عمره در رکاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا نزدیکی مکه آمدند، اگر ممانعت آن حضرت نبود به شهر حمله می‌کردند. در این سفر، «صلح حدیبیه» واقع شد. آری، هر دو قوم به دروازه دو شهر مقدّس رسیدند، ولی یکی چنان گریزان از جنگ و یکی چنین سلحشور.

□ سستی بنی‌اسرائیل در مبارزه با دشمن، چنان مشهور بود که مسلمانان نیز پیش از شروع جنگ بدر (در سال دوم هجری) وهنگام ورود به مکه (سال ششم) می‌گفتند: ما همچون بنی‌اسرائیل نیستیم که «اِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» بگوییم، همواره در رکاب تو آماده‌ی جنگیم.

□ تلاش رهبران الهی در انجام وظایفی که بر عهده دارند، تنها در صورت همراهی مردم به ثمر می‌رسد.

## پیام‌ها:

- ۱- بنی‌اسرائیل، نمونه‌ی بی‌ادبی، بهانه‌جویی، ضعف و رفاه‌طلبی بودند. «یا موسی اِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا اَبَدًا...»  
در کلمه «لَنْ نَدْخُلَهَا»، جسارت آنان در مقابل فرمان خدا آشکار است.  
در کلمه‌ی «اَبَدًا»، اصرار بر جسارت دیده می‌شود.  
در کلمه‌ی «اِذْهَبْ»، توهین به حضرت موسی مشاهده می‌شود.  
در کلمه‌ی «رَبِّكَ»، توهین به ذات پروردگار وجود دارد و نشانگر ضعف ایمان آنان است.  
«قَاعِدُونَ»، رفاه‌طلبی آنان را می‌رساند، نه عزّت‌جویی را.
- ۲- مردم باید خود به اصلاح جامعه بپردازند، نه آنکه تنها از خداوند و رهبران دینی توقع اصلاح داشته باشند. «فَقَاتِلْ اِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»
- ۳- آرزوی پیروزی بدون کوشش، خردمندانه نیست. «فَقَاتِلْ اِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»

﴿ ۲۵ ﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ  
الْفَاسِقِينَ

(موسی) گفت: پروردگارا! همانا من جز خود و برادرم، اختیار کسی را ندارم، پس میان ما و قوم فاسق و تبهکار فاصله بینداز.

### نکته‌ها:

- حضرت موسی عليه السلام پس از یأس از حرکت بنی اسرائیل، به درگاه خداوند شکایت کرد.
- درخواست فاصله افتادن، برای آن بود که آتش قهر الهی یاران موسی را نیز فرا نگیرد و تنها دشمنان به کیفر برسند، یا اینکه درخواست می‌کرد با مرگ کفار، میان آنان و دشمنان فاصله افتد.
- در این‌که چرا حضرت موسی فقط از خود و برادرش یاد می‌کند و از آن دو نفر پرهیزکار که با موسی همصدا شدند و مردم را برای ورود به شهر دعوت کردند یاد نمی‌کند، مفسران سخنانی دارند، از جمله:

- \* موسی به ثبات قدم آن دو نفر هم اطمینان نداشت. <sup>(۱)</sup>
- \* چون آن دو نفر از سوی مردم به سنگسار تهدید شده بودند، لذا موسی گفت: خدایا! من هیچ قدرتی ندارم، حتی آن دو نفر در معرض خطرند. <sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- غالب دعا‌های قرآنی با استمداد از اسم رب است. ﴿قال رب...﴾
- ۲- در حالی که همه‌ی مردم از ما بریده‌اند، به نجات دهنده‌ی اصلی متوسل شویم. ﴿فاذهب انت و ربك... قال رب...﴾
- ۳- شکایت پیامبران به خداوند و نفرین، وقتی است که از ایمان و اطاعت مردم مأیوس شوند. ﴿رب انی...﴾

۱. تفسیر مراغی.

۲. تفسیر اطیب البیان.



- ۴- سرپیچی از جهاد، فسق است. ﴿فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾  
 ۵- یکی از بلاهای اجتماعی دور شدن مردم از اولیای خدا و محروم شدن از فیض و جودشان است. ﴿فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾  
 ۶- یکی از بلاها و سختی‌های مؤمنان، زندگی با فاسقان و در میان آنان بودن است. ﴿فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾

﴿۲۶﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

(خداوند به موسی) فرمود: به درستی که آن (سرزمین مقدّس) تا چهل سال بر آنان ممنوع شد، (پس به خاطر این سستی و تخلف این مدّت طولانی (را) در زمین سرگردان (و از مواهب مادّی و معنوی آن سرزمین مقدّس، محروم) خواهند شد، پس بر این قوم تبهکار و فاسق، تأسف مخور.

#### نکته‌ها:

- «یتیهون» از ریشه‌ی «تیه» به معنای سرگردانی است و به صحرای سینا، محلّ سرگردانی آن قوم نیز گفته شده است که چهل سال، در آن منطقه به سر بردند و از برکات زمین محروم ماندند.
- داستان تخلف بنی‌اسرائیل و قهر الهی و سرگردانی آنان در تیه، در فصل چهارم از سفر اعداد، در تورات مطرح شده است.
- امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند ورود بنی‌اسرائیل به بیت‌المقدّس را به جهت تخلف آنان از فرمان حضرت موسی، بر آنان و فرزندانشان تحریم کرد و بالاخره فرزندان فرزندان آنها موفق به ورود شدند. (یعنی تا پدران و فرزندان آنان که مورد تحریم قرار گرفته بودند زنده بودند، ورود به ارض مقدّس حاصل نگردید.)<sup>(۱)</sup>

۱. تفسیر عیاشی.

□ در روایات می‌خوانیم: شبیه داستان بنی‌اسرائیل، برای مسلمانان هم پیش خواهد آمد.<sup>(۱)</sup>  
 □ در عدد اربعین (چهل) «أربعین سنة» رمزی است، که هم در قهر و هم در لطف الهی به کار می‌رود. حضرت موسی برای گرفتن تورات، چهل شب در کوه طور ماند و مدت آوارگی قوم یهود چهل سال بود.

□ گاهی اصلاح نسل جدید، با انقراض نسل قدیم است، «أربعین سنة یتیمون فی الارض» باید خودباختگان نظام فرعونی که قدر موسی را نمی‌دانند از دنیا بروند و نسل جدیدی در فضای آزاد و با مشکلات زندگی صحرائی رشد کنند تا قدر زندگی در شهر و در سایه رهبران آسمانی را بدانند. در حدیث است که آنان در سرزمین «تیه» از دنیا رفتند و فرزندانشان وارد سرزمین مقدّس شدند.

### پیام‌ها:

- ۱- کیفر فرار از جنگ، محرومیت است. «فانها محرمة علیهم»
- ۲- سرگردانی، نوعی عذاب برای فاسقان است. «یتیمون فی الارض»
- ۳- قاعدین و فراریان از جبهه، باید از بعضی امکانات و مزایا محروم باشند. «فانها محرمة علیهم»
- ۴- انبیا، دلسوز مردمند. «فلا تأس»
- ۵- برای فاسقان دلسوزی نکنید. «فلا تأس» (تنبیه مجرم، همچون داروی تلخ به نفع سلامت فرد و جامعه است).

۱. بحار، ج ۲۸، ص ۱۴ و ۳۰.

﴿ ۲۷ ﴾ وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَى آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

(ای پیامبر!) داستان دو پسر آدم را به حق بر مردم بازخوان، آنگاه که (هر یک از آن دو) قربانی پیش آوردند، پس از یکی (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری (قابیل) قبول نگشت. (قابیل) گفت: حتماً تو را خواهم کشت، (هابیل) گفت: خداوند، تنها از متقین قبول می‌کند.

### نکته‌ها:

- شاید مراد از تلاوت به حق آن باشد که این ماجرا در تورات تحریف شده و با خرافات، آمیخته است و آنچه در قرآن آمده، حق است.
- در روایات آمده است که هابیل، دامدار بود و بهترین گوسفند خود را برای قربانی آورد و قابیل، کشاورز بود و بدترین قسمت زراعت خود را برای انفاق در راه خدا برگزید.<sup>(۱)</sup> قرآن می‌فرماید: هرگز به خیر نمی‌رسید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ﴾<sup>(۲)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمود: انگیزه قتل قابیل، حسادت او نسبت به پذیرش قربانی هابیل بود.<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- باید تاریخ گذشتگان را برای عبرت گرفتن خواند و بررسی کرد. ﴿واتل﴾
- ۲- تاریخ را از افسانه جدا کنیم. ﴿بالحق﴾ (ماجرای قربانی هابیل و قابیل افسانه و داستان بی‌اساس نیست).
- ۳- اصل، تقرّب به خداوند است نه قربانی، قربانی هرچه که می‌خواهد، باشد. ﴿اذ قربا قرباناً﴾ («قرباناً» نکره آمده است)

۳. تفسیر نورالتقلین.

۲. آل عمران، ۹۲.

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۱۳.

- ۴- پسر پیامبر بودن نقشی در ردّ یا قبول اعمال ندارد، بنابراین از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. ﴿فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ﴾
- ۵- تاریخ قتل و خونریزی هم‌زمان با تاریخ انسان است. ﴿بِأَبِي آدَمَ... لَا تَقْتُلَنَّكَ﴾
- ۶- گاهی حسادت، تا برادرکشی هم پیش می‌رود. ﴿لَا تَقْتُلَنَّكَ﴾
- ۷- به تهدید کننده‌ی به قتل هم باید منطقی جواب داد. ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ﴾
- ۸- در قبول یا عدم قبول اعمال، انگیزه‌ها و خصصیت‌ها مؤثرند. ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾
- ۹- ملاک پذیرش اعمال، تقواست، نه شخصیت افراد و نه نوع کار. ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾
- ۱۰- تفاوت در قبول و عدم قبول، براساس تقواست، نه تبعیض. ﴿مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿۲۸﴾ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ

إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

(هابیل به برادرش قابیل گفت:) اگر تو برای کشتن من دستت را به سویم دراز کنی، من هرگز برای کشتن تو دستم را دراز نخواهم کرد، زیرا من از خداوند، پروردگار جهانیان بیم دارم.

#### نکته‌ها:

□ هابیل گفت: من قصد کشتن تو را ندارم، نه آنکه از خود هم دفاع نمی‌کنم، چون تسلیم قاتل شدن با تقوا سازگار نیست. ﴿مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ...﴾

#### پیام‌ها:

۱- در برخورد با حسود، آرام سخن بگوییم و آتش حسد را با نرمش در گفتار، خاموش کنیم. ﴿مَا أَنَا بِبَاسِطٍ...﴾

- ۲- آنچه ارزش دارد، نکشتن بر اساس خوف از خداست، نه به خاطر ناتوانی و سستی. ﴿إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ﴾
- ۳- تقوا و خداترسی، عامل بازدارنده‌ی از گناه و تعدی در حساس‌ترین حالات است. ﴿إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ﴾
- ۴- خوف از خداوند، یکی از آثار ایمان به ربوبیت همه جانبه اوست. ﴿إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾
- ۵- عالم، مظهر ربوبیت الهی است. ﴿رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾

﴿۲۹﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

همانا من می‌خواهم تو با بار گناه من (که پس از کشتنم بر عهده تو قرار می‌گیرد) و گناه خودت (به سوی خدا) بازگردی و از دوزخیان باشی، و این است کیفر ستمکاران.

﴿۳۰﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

پس نفس او (با وسوسه‌ای برخاسته از حسد) کشتن برادرش را برایش آسان و رام ساخت و او را کشت، در نتیجه از زیانکاران گشت.

#### نکته‌ها:

□ امام باقر علیه السلام به دنبال تلاوت آیه ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ﴾ فرمود: ابلیس به قابیل گفت: قربانی تو قبول نشد و قربانی برادرت هابیل قبول شد، اگر او زنده بماند در طول تاریخ نسل او بر نسل تو افتخار خواهند کرد که قربانی پدر ما پذیرفته شد و از پدر شما پذیرفته نشده است، بنابراین بهتر آن است که او را به قتل برسانی تا نسل تو ذلت نکشد.<sup>(۱)</sup>

- امام باقر علیه السلام فرمود: «من قتل مؤمناً متعمداً أثبت الله على قاتله جميع الذنوب وبراء المقتول منها، و ذلك قوله تعالى: ﴿أَنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ...﴾» هر که عمداً مؤمنی را بکشد، خداوند همه گناهان را به حساب قاتل ثبت می‌کند و مقتول را از گناهان پاک می‌کند.<sup>(۱)</sup>
- معنای آیه، سکوت در مقابل ظالم به امید بخشش گناهان نیست.
- در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «محلّ حادثه، کوه قاسیون در دمشق است».<sup>(۲)</sup>
- امام سجاده علیه السلام فرمودند: «نحوه‌ی کشتن را ابلیس به قابیل یاد داد».<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- گناهان مقتول، به قاتل منتقل می‌شود. ﴿تَبُوءَ بِأَنَّمِي﴾
- ۲- در درگیری‌ها مسئول خسارت آغازگر است. ﴿أَنَّمِي وَأَثْمَك﴾
- ۳- برادرکشی همان و دوزخی شدن همان. ﴿فَتَكُونُ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾
- ۴- ایمان به معاد، جزو عقاید اولیه انسان‌های روی زمین بوده است. ﴿أَصْحَابِ النَّارِ﴾
- ۵- قاتل، هم به خود ظلم می‌کند، هم به مقتول، هم به خانواده‌ی مقتول و هم به جامعه. ﴿الظَّالِمِينَ﴾
- ۶- نفس انسان، با وسوسه، تلقین و تزیین، انسان را رام و خام می‌کند و به گناه می‌کشد. ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسَهُ﴾
- ۷- هوای نفس می‌تواند عواطف برادری را نیز سرکوب کند. ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسَهُ قَتْلَ أَخِيهِ﴾
- ۸- فطرت پاک انسانی، از آدم کشی بیزار است، ولی نفس، این کار را خوب جلوه داده و انسان را به قتل وامی‌دارد. ﴿فَطَوَّعَتْ﴾
- ۹- جنگ حق و باطل، از آغاز تاریخ زندگی بشر بوده است. ﴿فَقَتَلَهُ﴾

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفاسیر در المنثور.

۳. تفسیر نورالثقلین.

- ۱۰- پیروی از هوای نفس، خسارت است. ﴿فقتله فأصبح من الخاسرين﴾  
 ۱۱- قاتل، هم از درون گرفتار عذاب وجدان است و هم از بیرون مورد انتقاد مردم و هم گرفتار قصاص و عدل می شود و کامی نمی گیرد. ﴿فقتله فأصبح من الخاسرين﴾  
 ۱۲- تسلط و غلبه بر مخالف، همیشه نشانه‌ی سرافرازی نیست. ﴿فقتله فأصبح من الخاسرين﴾

﴿۳۱﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

پس خداوند، زاغی فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته‌ی برادرش را بپوشاند (و دفن کند. قابیل) گفت: وای بر من! آیا عاجزم از این که مانند این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟ سرانجام او از پشیمانان شد.

#### نکته‌ها:

- قابیل که مرتکب قتل برادر شد، چون دید دزدگان سراغ جسد او می آیند، آن را به دوش کشید، اما سودی ندید و هم چنان متحیر بود. اما همین که کار زاغ را در دفن کشته زاغ دیگری دید، آموخت که جسد برادر را دفن کند.
- «غُرَاب»، به معنای کلاغ است.<sup>(۱)</sup>
- انسان‌های اولیه بسیار بی تجربه بودند، ولی خداوند دائماً لطف خود را از راه‌های گوناگون به انسان سرازیر کرده است.
- امام سجاد علیه السلام فرمودند: خداوند دو زاغ فرستاد تا با هم درگیر شوند و یکی دیگری را کشت سپس قاتل با منقار خود گودالی حفر کرد و کشته را دفن کرد.<sup>(۲)</sup>

۱. قاموس قرآن.

۲. تفاسیر برهان و راهنما.

□ امام سجاد علیه السلام فرمودند: «و الذنوب التي تورث الندم قتل النفس» از گناہانی که سبب ندامت می‌شود، کشتن انسان بی‌گناه است.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- گاهی حیوانات مأمور الهی‌اند و حرکت آنان به فرمان او و در مسیری است که او می‌خواهد. ﴿فبعث الله غراباً﴾
- ۲- بسیاری از معلومات بشر، از زندگی حیوانات الهام گرفته است. ﴿فبعث الله غراباً يبحث... ليريه﴾
- ۳- انسان باید همواره در پی آموختن باشد. اصل، آموختن و یادگیری است، از هر طریقی، گرچه از طریق حیوانات باشد. ﴿فبعث الله غراباً... ليريه﴾
- ۴- خداوند، گاهی انسان را با حیوانات کوچک آموزش می‌دهد تا بفهماند زاع هم می‌تواند وسیله‌ی آموزش انسان باشد، پس نباید مغرور شد. ﴿غراباً... ليريه﴾
- ۵- جسد مرده را باید در زمین دفن کرد (در محفظه قرار دادن، مومیایی کردن، سوزاندن و... صحیح نیست). ﴿في الارض... يوارى سوأة اخيه﴾
- ۶- دفن کفار واجب نیست، مرده‌ی انسان مؤمن نیز کرامت دارد و نباید خوراک حیوانات شود، بلکه باید دفن شود. ﴿يوارى سوأة اخيه﴾
- ۷- ندامت، نشانه‌ی حق طلبی فطرت‌هاست. ﴿فأصبح من التادمين﴾

﴿۳۲﴾ مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ



به همین جهت، بر بنی اسرائیل نوشتیم که هر کس انسانی را جز به قصاص یا به کیفر فساد در زمین بکشد پس چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته است، و هر که انسانی را زنده کند (و از مرگ یا انحراف نجات دهد) گویا همه‌ی مردم را زنده کرده است و البته رسولان ما دلایل روشنی را برای مردم آوردند، اما (با این همه) بسیاری از مردم بعد از آن (پیام انبیا) در روی زمین اسرافکار شدند.

### نکته‌ها:

- در این آیه از کشتن یک نفر به منزله‌ی کشتن همه‌ی مردم مطرح شده است. برای توضیح این حقیقت چند بیان و معنا می‌توان عرضه کرد:
- الف: قتل یک نفر، کیفری همچون قتل همه مردم را دارد.
- ب: حرمت قتل یک نفر نزد خداوند، به منزله قتل همه‌ی مردم نزد شماس است.
- ج: قتل یک نفر، بی‌اعتنایی به مقام انسانیت است.
- ه: قتل یک نفر، سلب امنیت از همه‌ی مردم است.
- و: چون انسان‌ها به منزله‌ی اعضای یک پیکرند، پس قتل یکی قتل همه است.
- ز: جایگاه دوزخی قاتل یک نفر، جایگاه کسی است که قاتل همه باشد.<sup>(۱)</sup>
- ح: قتل یک نفر، زمینه‌ساز قتل همه است.
- ط: یک انسان می‌تواند سرچشمه‌ی یک نسل باشد، پس قتل او به منزله‌ی قتل یک نسل است. (به نظر می‌رسد این احتمال بهتر است)
- در روایات می‌خوانیم: «فانی شدن تمام دنیا نزد خدا، از کشتن یک مؤمن آسان‌تر است».<sup>(۲)</sup>

۱. کافی، ج ۷، ص ۲۷۱.

۲. بحار، ج ۱۰، ص ۳۸۲. این حدیث را در شب جمعه آخر ماه رمضان ۱۳۷۹ می‌نویسم که روز جمعه‌اش روز قدس است و در حالی که تلویزیون صحنه‌های دلخراشی از کشتن مسلمانان بی‌پناه فلسطین را به دست صهیونیست‌ها نشان می‌دهند.

□ امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که در موضعی که آب یافت نمی‌شود، تشنه‌ای را سیراب کند، مانند کسی است که نفسی را زنده کرده باشد».<sup>(۱)</sup>

□ طبق آیات و روایات، هدایت و ارشاد مردم به راه حق، نوعی احیا می‌باشد و گمراه کردن مردم، نوعی قتل است. سوره انفال، آیه ۲۴، دعوت پیامبر را مایه‌ی حیات مردم می‌خواند: «دعاکم لما یحییکم».

□ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا وَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى الضَّلَالِ فَقَدْ قَتَلَهَا» هرکس نفس منحرفی را هدایت کند او را زنده کرده و هر کس دیگری را منحرف کند او را کشته است.<sup>(۲)</sup>

□ امام صادق علیه السلام فرمودند: «نجاها من غرق أو حرق أو سبّع أو عدوّ» مراد از احیای نفس، نجات گرفتاران از غرق و آتش سوزی و دزدیده یا دشمن است.<sup>(۳)</sup> و در روایت دیگر آمده است: «کسی که به گرسنه‌ای غذا ندهد، به منزله‌ی کشتن اوست و غذا دادن، به منزله‌ی زنده کردن اوست».<sup>(۴)</sup>

□ امام باقر علیه السلام فرمود: «مصرفان همان کسانی هستند که حرام‌ها را حلال می‌شمرند و خون‌ها را می‌ریزند».<sup>(۵)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- گاهی حوادث تاریخی، عامل صدور فرمان‌های الهی است. «من أجل ذلك»
- ۲- انسان‌ها و سرنوشتشان در طول تاریخ به هم پیوند دارند. «من أجل ذلك کتبنا علی بنی اسرائیل»
- ۳- احکام الهی حکمت دارد و گزاف نیست. «من أجل ذلك»
- ۴- برای جلوگیری از سنگدلی و پرهیز از تکرار حادثه، کیفر و مجازات لازم است. «من أجل ذلك کتبنا»

۱. مکارم‌الاخلاق، ص ۱۳۵. ۲. کافی، ج ۲، ص ۲۱۰. ۳. تفسیر برهان. ۴. کافی، ج ۲، ص ۲۰۴. ۵. تفسیر نورالثقلین.

- ۵- جان همه‌ی انسان‌های مؤمن از هر نژاد و منطقه‌ای که باشند، محترم است. ﴿نفساً﴾
- ۶- اعدام مفسد، در قانون بنی اسرائیل نیز بوده است. ﴿کتینا علی بنی اسرائیل أنه من قتل نفساً بغير نفس أو فساد فی الارض﴾
- ۷- خودکشی و سقط جنین، از نمونه‌های «قتل نفس» و حرام است. ﴿من قتل نفساً...﴾
- ۸- جان کسی که در زمین فساد می‌کند یا برای جان مردم ارزشی قائل نیست و آنان را به قتل می‌رساند، بی‌ارزش است و باید از بین برود. ﴿بغير نفس أو فساد﴾
- ۹- کشتن انسان در دو مورد جایز است:
- الف: به عنوان قصاصِ قاتل. ﴿بغير نفس﴾
- ب: برای از بین بردن مفسد. ﴿أو فساد﴾
- ۱۰- ارزش عمل مربوط به انگیزه و هدف است. کشتن یک نفر به قصد تجاوز، به قتل رساندن یک جامعه است؛ ﴿فکأنما قتل الناس جميعاً﴾ اما کشتن به عنوان قصاص، حیات جامعه است. ﴿ولکم فی القصاص حیاة﴾<sup>(۱)</sup>
- ۱۱- تجاوز به حقوق یک فرد، تهدید امنیت جامعه است. ﴿فکأنما قتل الناس جميعاً﴾ آنان که کارشان نجات جان انسان‌هاست، مانند پزشکان، پرستاران، مأموران آتش‌نشانی، امدادگران، داروسازان و... باید قدر خود و ارزش کار خویش را بدانند. ﴿فکأنما احیا الناس جميعاً﴾
- ۱۲- نشانه‌ی جامعه‌ی زنده، امداد رسانی به گرفتاران و نجات جانهاست. ﴿من أحيها فکأنما أحيی الناس جميعاً﴾
- ۱۳- عدم ایمان و عمل مردم به گفتار رسولان، در طول تاریخ بوده است. ﴿و لقد جائتهم رسلنا بالبینات ثم ان كثيرأ منهم بعد ذلك فی الارض لمسرفون﴾

۱۴- انسان مختار است، با آمدن پیامبران هم می‌تواند راه خلاف برود. ﴿و لقد جآتهم رسلنا بالبیات... بعد ذلك فی الارض لمسرفون﴾

﴿۳۳﴾ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

همانا کیفر آنان که با خداوند و پیامبرش به محاربه برمی‌خیزند و (با سلاح و تهدید و غارت) در زمین به فساد می‌کوشند، آن است که کشته شوند، یا به دار آویخته شوند، یا دست و پایشان بطور مخالف بریده شود یا آنکه از سرزمین (خودشان) تبعید شوند. این کیفر ذلت بار دنیوی آنان است و در آخرت برایشان عذابی عظیم است.

#### نکته‌ها:

□ در شأن نزول آیه آمده است که جمعی از مشرکان مکه به مدینه آمده، مسلمان شدند. ولی چون بیمار بودند به فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منطقه‌ی خوش آب و هوایی در بیرون مدینه رفته و اجازه یافتند از شیر شترهای زکات بهره ببرند؛ اما چون سالم شدند، چوپان‌های مسلمان را گرفته، دست و پایشان را بریدند و چشمانشان را کور کرده، شتران را به غارت بردند و از اسلام هم دست کشیدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد آنان را دستگیر کنند و همان کاری را که با چوپانان کرده بودند، بر سر خودشان آوردند. آیه‌ی فوق نازل شد.

□ کیفرهایی که در آیه آمده، «حق الله» است و از جانب حکومت یا مردم قابل عفو و تبدیل نیست.<sup>(۱)</sup> و در تفسیر المیزان آمده است که انتخاب یکی از چهار کیفر، با امام مسلمانان است و اگر اولیای مقتول هم عفو کنند، باید یکی از کیفرها اجرا شود.

۱. تفسیر اطیب البیان.

□ کلمه‌ی «جزاء» به معنای کیفر و پاداش کافی است؛ یعنی حدود و مجازات‌های چهارگانه برای مجرم عادلانه و کافی است.<sup>(۱)</sup>

□ برای اصلاح جامعه، هم موعظه و ارشاد لازم است، هم شمشیر و برخورد قاطع و انقلابی. (آیه قبل، پیام و هشدار به قاتل بود و این آیه، عقوبت افراد محارب و مفسد را بیان می‌کند)

□ عقوبت باید همراه با عدالت باشد. چون فسادها و خصوصیات مفسدان متفاوت است، کیفرها هم یکسان نیست؛ مثلاً اگر فساد، فجیعانه بود، کیفرش قتل است؛ ولی اگر سطحی بود، کیفر آن تبعید است. این معنا از روایات فهمیده می‌شود، از جمله آنکه: کیفر قتل، اعدام است، کیفر ارباب، تبعید است، کیفر راهزنی و سرقت، قطع دست و پا است و کیفر قتل و راهزنی و سرقت مسلحانه، قطع دست و پا و به دار آویختن است.<sup>(۲)</sup>

□ اجرای احکام و حدود الهی، در سایه‌ی برپایی نظام و حکومت اسلامی میسر است، پس دین از سیاست جدا نیست.

□ آنان که بر امام و رهبر مسلمانان یا حکومت اسلامی خروج کنند، مشمول «یحاربون الله» می‌شوند.<sup>(۳)</sup>

□ طبق آیه‌ی ۲۷۹ سوره‌ی بقره، رباخوار، «محارب» خدا و پیامبر است، «فأذنوا بحرب من الله و رسوله» چون امنیت اقتصادی را به هم می‌زنند. همچنین در روایات، توهین به مسلمان، محاربه‌ی با خدا به حساب آمده است: «من أهان لی ولیاً فقد بارزنی بالمحاربة».<sup>(۴)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- وظیفه‌ی نظام و حکومت، حفظ امنیت شهرها، روستاها، جاده‌ها و برخورد با متخلفان است. «انما جزاء...»
- ۲- جنگ با خلق خدا، جنگ با خداست و آنکه با مردم طرف شود، گویا با خداوند طرف است. «یحاربون الله»

۳. تفسیر فی ظلال القرآن.

۲. تفسیر صافی.

۱. تفسیر راهنما.

۴. بحار، ج ۴، ص ۶۵.

۳- نافرمانی از دستورات پیامبر و مبارزه با آنها، جنگ با خداوند است. ﴿یحاربون الله ورسوله﴾

۴- برای آنان که امنیتی جامعه را بر هم می‌زنند، چند نوع کیفر مقرر شده است: اعدام، تبعید، قطع دست و پا، به دار آویختن. ﴿يَقْتُلُوا أَوْ يَصَلُّوا...﴾  
 ۵- مخالفان ولایت رسول الله که قصد براندازی دارند و با نظام الهی در جنگند، باید به سخت‌ترین کیفر مجازات شوند. ﴿یحاربون الله ورسوله... أن يقتلوا﴾

﴿۳۴﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر کسانی که پیش از آنکه بر آنان دست یابید، توبه کرده باشند، پس بدانید که خداوند آمرزنده‌ای مهربان است.

### نکته‌ها:

- چون در روایات به کسی که مسلمانان را تهدید کند و به روی آنان اسلحه بکشد، گرچه قتلی صورت نگیرد نیز «مفسد فی الارض» گفته شده، این آیه توبه آنان را مطرح می‌کند. بنابراین توبه‌ی محارب و مفسد، فقط کیفر تهدید و ارباب را برمی‌دارد، نه کیفر قتل و سرقت را؛ یعنی توبه در «حق الله» اثر دارد، نه «حق الناس»، چون حق مردم مربوط به رضایت صاحبان حق است. عنوان محارب، حسابی دارد و عنوان قاتل و سارق، حسابی دیگر.<sup>(۱)</sup> یعنی اگر محارب مرتکب قتل شده و توبه کرد، حکم قصاص او باقی است؛ ولی اگر فقط به تهدید و ارباب دست زده و توبه کرد، کیفر محارب از او برداشته می‌شود.
- مجازات‌های الهی جنبه‌ی تربیتی و اصلاح فرد و جامعه دارد، نه انتقام. از این رو گناهکار باید توبه کند و توبه او هم مؤثر است.
- در رفع عقوبت، احراز توبه‌ی واقعی لازم است؛ مثلاً از طریق تغییری که در اخلاق و رفتار و گفتار مجرم هویدا می‌شود، یا به گواهی افراد عادل و مانند اینها توبه او ثابت شود.

۱. تفسیر نمونه.

## پیام‌ها:

- ۱- راه توبه به روی همه باز است. ﴿يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ... إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا﴾
- ۲- توبه‌ای اثر دارد که پیش از دستگیری و گرفتار شدن باشد. ﴿مَنْ قَبْلَ أَنْ تَقْدَرُوا عَلَيْهِمْ﴾ (در سایر گناهان هم توبه تا قبل از مرگ مفید است).<sup>(۱)</sup>
- ۳- مغفرت خدا را باور کنیم. ﴿فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
- ۴- مغفرت خداوند همراه با رحمت است نه توبیخ و تحقیر. ﴿غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

﴿۳۵﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و (برای تقرب) به سوی او وسیله بجویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

## نکته‌ها:

- حضرت علی عليه السلام می‌فرماید: «بهترین وسیله‌ای که می‌توان با آن به خدا نزدیک شد، ایمان به خداوند و پیامبرش و جهاد در راه او و کلمه‌ی اخلاص و اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات و روزه گرفتن ماه رمضان و حج و عمره و صلّه‌ی رحم و انفاق‌های پنهانی و آشکار و کارهای نیک است».<sup>(۲)</sup>
- اهل بیت عليهم السلام همان ریسمان محکم و وسیله‌ی تقرب به خداوند هستند. «هم العروة الوثقى والوسيلة الى الله»<sup>(۳)</sup>
- توسّل، موضوعی است که در کتب بسیاری از اهل سنت مثل «صواعق» ابن حجر، «سنن» بیهقی، «صحیح» دارمی و «وفاء الوفاء» درباره‌ی آن روایت نقل شده است. ضمناً آیات ۶۴ سوره‌ی نساء، ۹۷ سوره‌ی یوسف و ۱۱۴ سوره‌ی توبه نیز می‌تواند سند توسّل باشد.

۱. نساء، ۱۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰. ۳. تفسیر صافی.

## پیام‌ها:

- ۱- ایمان ﴿آمَنُوا﴾، تقوا ﴿اتَّقُوا اللَّهَ﴾، شفاعت ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ و جهاد ﴿وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ﴾، راه سعادت و رستگاری است. ﴿لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ﴾
- ۲- برای رسیدن به فلاح، هم باید گناهان را ترک کرد، ﴿اتَّقُوا اللَّهَ﴾ هم باید طاعات را انجام داد. ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾
- ۳- کارهای خیر، همه زمینه و وسیله‌ی سعادتند. (البته اگر با گناه خود آن زمینه‌ها را از بین نبریم). ﴿لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ﴾

﴿۳۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ

لَيُفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

همانا کسانی که کافر شدند، اگر تمام آنچه را در زمین است و همانند آن را دارا باشند تا برای نجات از عذاب روز قیامت فدیة دهند، از آنان پذیرفته نمی‌شود و برای آنان عذابی دردناک است.

﴿۳۷﴾ يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ

عَذَابٌ مُّغِيمٌ

آنان می‌خواهند از آتش دوزخ بیرون آیند در حالی که از آن بیرون آمدنی نیستند و برایشان عذابی دائم و پایدار است.

## نکته‌ها:

- همه‌ی راه‌های نجات در قیامت بسته است، کافران نه از رحمت الهی بهره‌مند می‌شوند، چون مخصوص اهل تقواست. ﴿رحمتی وسعت کلّ شیء فساکتها للذین یتقون﴾<sup>(۱)</sup>، و نه از شفاعت کامی می‌گیرند، چون شفاعت مخصوص کسانی است که خداوند از آنان راضی



باشد. ﴿لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أِذْنُ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾<sup>(۱)</sup>، به علاوه از مرگ خبری نیست، زیرا پیوسته در آتشند و درخواست مرگشان پذیرفته نیست. ﴿نَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رِبِّكَ قَالِ إِنَّكُمْ مَأْكُوثُونَ﴾<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- کارآیی اموال، تنها در دنیاست و در آخرت، ثروت بی ثمر است. ﴿مَا تُقْبَلُ...﴾
- ۲- روز قیامت در دستگاه عدل الهی، فدیة پذیرفته نمی‌شود. ﴿لِيَقْتَدُوا... مَا تُقْبَلُ﴾
- ۳- عامل اصلی سعادت، در درون انسان است (ایمان، تقوا و جهاد)، نه در بیرون (مال و ثروت). ﴿لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا... مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ﴾
- ۴- عذاب کافران، نه با فدیة دفع می‌شود، نه با گذشت زمان قطع می‌گردد. ﴿وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ﴾

۵- کسی که در دنیا با آن همه برهان و ارشاد، از ظلمت‌های شرک و جهل بیرون نیاید، در آخرت هم از دوزخ بیرون نخواهد آمد. ﴿لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾

﴿۳۸﴾ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّن

اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مرد و زن دزد را به جزای کاری که انجام داده‌اند دستشان را قطع کنید.

این کیفری است از سوی خداوند و خداوند مقتدر حکیم است.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «نکال» به معنای امر بازدارنده است. قوانین جزایی اسلام برای بازدارندگی است، نه انتقام‌جویی. «نکال» به عقوبتی گفته می‌شود که مایه‌ی عبرت دیگران باشد.<sup>(۳)</sup>
- در این آیه ابتدا مرد دزد، سپس زن دزد مطرح شده است؛ ولی در آیه‌ی دوم سوره‌ی نور که

۱. طه، ۱۰۹.

۲. زخرف، ۷۷.

۳. قاموس قرآن.

- حکم زنا بیان شده، ابتدا زن زناکار، سپس مرد زناکار یاد شده است، شاید به خاطر آن است که در سرقت، نقش مردِ خلافکار بیشتر است و در زنا، نقش زنِ خلافکار.
- از مرحوم سید مرتضی علم‌الهدی (از علمای هزار سال قبل) پرسیدند: چرا دستی که پانصد مثقال طلا دیه دارد، به خاطر یک چهارم مثقال دزدی، قطع می‌شود؟ پاسخ فرمود: «امانت»، قیمت دست را بالا می‌برد و «خیانت»، ارزش آن را می‌کاهد.
- طبق روایات، مقدار قطع دست، چهار انگشت است و باید انگشت شست و کف دست باقی بماند. مقدار مالی هم که به خاطر آن دست دزد قطع می‌شود، باید حداقل به قیمت یک چهارم دینار (یک چهارم مثقال طلا) باشد. مال هم باید در مکان حفاظت شده باشد، نه در مثل کاروانسرا، حمام، مسجد و اماکن عمومی. سارق نیز باید از قانون قطع دست مطلع باشد، وگرنه دست او قطع نمی‌شود. همچنین اگر کسی در سال‌های قحطی از روی اضطرار، مواد غذایی را سرقت کند دستش قطع نمی‌شود. البته در تمام مواردی که دست قطع نمی‌شود کیفیت‌های دیگری در کار است که تفصیل آن در کتب فقهی آمده است.<sup>(۱)</sup>
- پیامبر اسلام ﷺ بدترین نوع سرقت را سرقت از نماز و ناقص انجام دادن رکوع و سجود دانسته‌اند.<sup>(۲)</sup>
- اجرای این احکام، نیاز به حکومت و قدرت و نظام و تشکیلات دارد، پس اسلام، دین حکومت و سیاست است.
- اسلام، قبل از بریدن دست، بر اهمیت و لزوم کار و اداره‌ی زندگی فقرا از طریق بیت‌المال و بستگان نزدیک و قرض‌الحسنه و تعاون و... تأکید می‌کند؛ ولی با این حال فقر، بهانه و مجوز سرقت نیست.<sup>(۳)</sup>
- سیستم جزایی دنیا، چون تنها به زندان و جریمه‌ی مالی تکیه دارد، از مقابله با سرقت عاجز است.
- قطع دست، برای مجرم عامل هشدار دائمی و مایه‌ی جلوگیری از لغزش مجدد او و دیگران

۱. تفسیر صافی.

۲. تفسیر قرطبی.

۳. تفسیر فی ظلال القرآن.

است. ﴿فاقطعوا ایدیها﴾

### پیام‌ها:

- ۱- کیفر زن و مرد دزد یکسان است. ﴿السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ﴾
- ۲- باید امنیت جامعه را با قاطعیت حفظ کرد. ﴿فاقطعوا﴾
- ۳- جرمه و کیفر سنگین، بازدارنده‌ی از دزدی است. ﴿نکالاً﴾
- ۴- در قوانین کیفری اسلام، علاوه بر تنبیه مجرم، عبرت دیگران هم مطرح است. ﴿نکالاً﴾
- ۵- در اجرای حدود الهی، نباید تحت تأثیر عواطف قرار گرفت. ﴿فاقطعوا﴾
- ۶- با اینکه قطع دست از طرف قاضی و حاکم است، اما خدا به همه مؤمنان خطاب می‌کند، ﴿فاقطعوا ایدیها﴾ تا آنان زمینه اجرای حدود الهی را فراهم کنند.
- ۷- مالکیت شخصی و امنیت اجتماعی به قدری مهم است که به خاطر آن، باید دست دزد قطع شود. ﴿فاقطعوا﴾
- ۸- اعمال قدرت، باید حساب شده باشد. ﴿عزیز حکیم﴾
- ۹- فرمان قطع دست دزد، جلوه‌ای از عزت و حکمت خداوند است. ﴿فاقطعوا... عزیز حکیم﴾

﴿۳۹﴾ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ

عَفُورٌ رَحِيمٌ

پس هر که بعد از ظلمش توبه کند و (کارهای فاسد خویش را) اصلاح کند، قطعاً خداوند توبه او را می‌پذیرد، همانا خداوند، آمرزنده‌ی مهربان است.

### نکته‌ها:

□ در اسلام، مجازات در کنار ارشاد و تربیت و رحمت است. در آیه‌ی قبل، کیفر سارق بیان

شد، اینجا دعوت به توبه به درگاه خدای غفور و اصلاح بدی‌هاست که سبب می‌شود تا خداوند لطفش را به بنده باز گرداند.

□ اگر سارق پیش از دستگیری توبه کند و مال را پس دهد، هم در دنیا بخشیده می‌شود و هم در آخرت،<sup>(۱)</sup> ولی پس از دستگیر شدن، حد اجرا می‌شود و نقش توبه تنها برای قیامت است. □ در حدیث آمده است: سارقی که دستش قطع شده بود، از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: آیا برای من راه توبه باز است؟ فرمود: آری! تو امروز (که حد بر تو جاری شد)، مثل همان روزی هستی که از مادر متولد شدی!<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- برای انسان خطاکار، همیشه راه بازگشت و اصلاح، باز است. ﴿فن تاب﴾
- ۲- توبه، تنها یک ندامت درونی نیست؛ بلکه باید همراه با جبران مفاسد گذشته باشد. ﴿و أصلح﴾
- ۳- اگر انسان توبه کند، خداوند هم توبه او را می‌پذیرد. ﴿یتوب علیه﴾
- ۴- سرقت، ظلم به خود و جامعه و تجاوز به امنیت جامعه است. ﴿بعد ظلمه﴾
- ۵- مجرمان را باید به راه خدا دعوت و امیدوار کرد. ﴿فان الله یتوب... غفور، رحیم﴾

﴿ ۴۰ ﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ

يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آیا ندانستی که حکومت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداست، هر که را (طبق حکمت و عدالت خود) بخواهد عذاب می‌کند و هر که را بخواهد می‌آمرزد و خداوند بر هر چیزی تواناست. (محارب و مفسد و سارق را عذاب می‌دهد، و تائب پشیمان را می‌پذیرد و می‌بخشاید).

۱. کافی، ج ۷، ص ۲۵۰. ۲. تفسیر المیزان.

## پیام‌ها:

- ۱- کسی که بر هستی حاکم است، حق دارد قوانین هستی را وضع کند. ﴿السَّارِقِ وَ السَّارِقَةُ... له ملك السموات...﴾
- ۲- مجرمان بدانند که راه فراری ندارند و باید به سوی خدا بازگردند. ﴿ألم تعلم أن الله له ملك السموات و الارض﴾
- ۳- خداوند نیازی به توبه‌ی بندگان ندارد، چون همه‌ی هستی از آن اوست. ﴿له ملك السموات و الارض﴾
- ۴- انسان باید در حالتی میان بیم و امید باشد. ﴿يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء﴾
- ۵- عفو یا عذاب، هر دو نمونه‌ای از قدرت اوست. ﴿يعذب... يغفر... على كل شيء قدير﴾

﴿۴۱﴾ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ای پیامبر! کسانی که در کفر شتاب می‌کنند، غمگینت نسازند، (خواه) آن گروه که (منافقانه) به زبان گفتند: ایمان آورده‌ایم، ولی دل‌هایشان ایمان نیاورده است. (و خواه) از یهودیان آنان که برای دروغ سازی (و تحریف) با دقت به سخنان تو گوش می‌دهند و همچنین (به قصد جاسوسی) برای قوم دیگری که نزد تو نیامده‌اند، به سخنان تو گوش می‌دهند (و یا گوش به

فرمان دیگرانی هستند که نزد تو نیامده‌اند) آنان کلمات (تورات یا پیامبر) را از جایگاه خود تحریف می‌کنند و (به یکدیگر) می‌گویند: اگر این مطلب (که مطابق میل ماست) به شما داده شد بگیریید و بپذیرید، ولی اگر (آنچه طبق خواسته‌ی ماست) به شما داده نشد، دوری کنید. (ای پیامبر!) هر که را خداوند بخواهد آزمایش و رسوایش کند تو هرگز در برابر قهر الهی هیچ کاری نمی‌توانی برایش بکنی. آنان کسانی‌اند که خداوند نخواست است دل‌هایشان را پاک کند. برای آنان در دنیا ذلت و خواری و برایشان در آخرت، عذابی بزرگ است.

### نکته‌ها:

□ از آیه استفاده می‌شود که علمای یهود گروهی از یهودیان و منافقان را نزد پیامبر اسلام فرستادند و خودشان از مقابله و رویارویی دوری می‌کردند ﴿لَمْ يَأْتوك﴾ و هدفشان این بود که شاید دستورات و احکام اسلام مطابق چیزی باشد که آنان از تورات تحریف کرده‌اند و سفارش می‌کردند اگر گفتار پیامبر اسلام مطابق حرف ما بود، بگیریید و گرنه رها کنید. منافقان و هیئت اعزامی نزد حضرت آمدند و با دقت گوش می‌دادند تا بر سخنان حضرت، دروغ و شایعه بیندند. ﴿سَاعُونَ لِلْكَذِبِ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- انبیا نسبت به گمراهان دلسوزند. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا مَحْزَنَ﴾
- ۲- کفر، میدانی دارد که گروهی در آن به سرعت پیش می‌روند و هر لحظه به کفرشان اضافه می‌شود. ﴿يسارعون في الكفر﴾
- ۳- دشمنان، در کفر و نفاق شتاب دارند، چرا مسلمانان در راه حق باید سستی کنند؟ ﴿يسارعون في الكفر﴾
- ۴- نفاق، مایه‌ی افزایش کفر است. ﴿يسارعون في الكفر من الذين... بأفواههم﴾

- ۵- ایمان، با پذیرش قلبی است، نه اظهار زبانی. ﴿آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ و لم تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ﴾
- ۶- ایمانی ارزش دارد که در قلب، راسخ باشد. ﴿و لم تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ﴾
- ۷- قلب، مرکز ایمان است. ﴿لم تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ﴾
- ۸- منافقان و یهودیان، در کنار هم یک هدف را تعقیب می‌کنند. ﴿من الذین قالوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ... و من الذین هادوا﴾
- ۹- گوش دادن مهم نیست، انگیزه‌ی آن مهم است. ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ﴾
- ۱۰- کفّار، عوامل نفوذی و جاسوس در میان مسلمانان دارند، مبلغان دینی نباید همه‌ی شنوندگان را خوش نیت بیندارند. ﴿سَمَاعُونَ لِقَوْمِ آخِرِينَ﴾
- ۱۱- تحریف، خیانت فرهنگی یهود است. ﴿يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ﴾
- ۱۲- گزارشگری دور از تقوا، یکی از شغل‌های خطرناک است. ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ... يَحْرِفُونَ...﴾
- ۱۳- کلمات آسمانی هر یک جایگاه مخصوص دارد. ﴿من بعد مواضعه﴾
- ۱۴- ما باید تسلیم اوامر خدا باشیم، نه آنکه احکام الهی مطابق خواسته‌های ما باشد. ﴿فخذوه... فأحذروا﴾<sup>(۱)</sup>
- ۱۵- گناه، انسان را از لیاقت برای هدایت می‌اندازد. ﴿و من یرد الله فتنته﴾
- ۱۶- منافقان، از شفاعت پیامبر محرومند. ﴿فلن تملك له من الله شیئاً﴾
- ۱۷- حتی رسول الله برای متعصبان لجوج و هوسباز، نقشی ندارد. ﴿فلن تملك﴾
- ۱۸- قهر الهی به دنبال سوء رفتار و اعمال بد انسان است. ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ... لم یرد الله ان یطهر قلوبهم﴾
- ۱۹- قلب سرسخت و لجوج، از دریافت الطاف حق محروم است. ﴿لم یرد الله ان یطهر قلوبهم﴾

۱. بعضی مردم سراغ مرجع تقلید، عالم، دادگاه و قانونی می‌روند که طبق میل آنان حکم کرده باشد. آیه از این امر نهی می‌کند.

۲۰- عذاب دنیا نسبت به عذاب آخرت چیزی نیست. ﴿فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

۲۱- منافقان، هم بدبختی دنیوی دارند، هم عذاب بزرگ قیامت در انتظارشان است. ﴿لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

﴿۴۲﴾ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

آنان برای دروغ سازی به دقت گوش می دهند و همواره مال حرام (رشوه و ربا) می خورند، پس اگر (برای داوری) نزد تو آمدند، یا میانشان داوری کن یا از آنان روی بگردان و اگر از آنان روی بگردانی پس هرگز هیچ زبانی به تو نخواهند رساند. و اگر داوری کنی، پس میانشان به قسط و عدل قضاوت کن، همانا خداوند دادگران را دوست دارد.

#### نکته ها:

- بعضی از یهود که زنا می کردند، به امید نجات از کیفر سنگسار که در دین یهود نیز آمده است،<sup>(۱)</sup> برای داوری نزد پیامبر آمدند، غافل از آنکه حکم اسلام هم سنگسار کردن زناکار است، چون دیدند حکم اسلام نیز همان است، حاضر به پذیرش حکم پیامبر نشدند.
- «سُخْتِ» طبق روایات، رشوه و هدایایی است که برای انجام کاری داده شود.<sup>(۲)</sup> سُخْتِ در لغت، کار حرامی است که مایه‌ی ننگ صاحبش شود.<sup>(۳)</sup>
- «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ» یا به معنای آن است که سخنان را با دقت می شنوند و نیت دروغ بستن و تحریف آن را دارند و یا به معنای آن است که عوام یهود با علم به دروغگویی و

۱. در تورات، سفر تثبیه، فصل ۲۳، حکم زنا بیان شده است.

۲. وسائل، ج ۱۷، ص ۹۵. ۳. مفردات راغب.



تحریف‌گری علمای خود، باز هم سخن آنان را گوش می‌دهند و می‌پذیرند.  
 □ آیه خطاب به پیامبر می‌فرماید: گرچه علمای یهود در اندیشه آسیب‌رسانی به تو هستند و تو برای مکتب و جامعه اسلامی دغدغه داری؛ ولی خداوند نوید می‌دهد که اگر مصلحت را در اعراض دانستی دغدغه‌ای نداشته باش. ﴿وان تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً﴾

### پیام‌ها:

- ۱- علمای یهود، رشوه‌خوار بودند، ﴿أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ﴾ و عوامشان مشتاق شنیدن دروغ. ﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ﴾ (تکرار «سَمَاعُونَ»، در دو آیه پی‌درپی شاید اشاره باشد به اینکه این روش، کم‌کم خصلت آنان شده است).
- ۲- همزیستی مسلمانان با اهل کتاب، تا حدی بود که آنان برای قضاوت، نزد پیامبر اسلام می‌آمدند. ﴿جاءوك﴾
- ۳- پیامبر ﷺ غیر از مسئولیت نبوت، مسئولیت حکومت نیز داشت. ﴿فاحکم بینهم أو أعرض عنهم﴾
- ۴- پیامبران، در امر حکومت و داوری، از طرف خداوند اختیاراتی دارند که طبق صلاح دید عمل می‌کنند. ﴿فاحکم ... أو أعرض﴾
- ۵- شعاع حکومت اسلامی، اهل کتاب را نیز در برمی‌گیرد. ﴿فاحکم بینهم بالقسط﴾
- ۶- اگر حاکم اسلامی برای داوری بین کشورهای غیر اسلامی انتخاب شد، باید عدالت، جرأت و صراحت را کاملاً مراعات کند. ﴿فاحکم بینهم بالقسط﴾
- ۷- مسائل نژادی، منطقه‌ای، تعصب‌های گروهی، تمایلات شخصی و تهدیدها نباید در قضاوت‌ها تأثیر بگذارد. ﴿فاحکم بینهم بالقسط﴾
- ۸- عدالت همیشه و با هر گروه، یک ارزش خداپسند است. ﴿فاحکم بینهم بالقسط ان الله يحبّ المقسطین﴾

﴿ ۴۳ ﴾ وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ  
مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

و (یهودیان) چگونه تو را داور قرار می دهند، در حالی که تورات نزد ایشان است (و) در آن حکم خداست، پس بعد از آن (که تو موافق آن کتاب حکم کردی) روی می گردانند و آنان مؤمن نیستند.

#### نکته‌ها:

□ همان گونه که در آیه‌ی قبل گفتیم، دلیل مراجعه یهودیان به پیامبر اسلام، پیدا کردن راهی برای تخفیف مجازات بود و آنان با اینکه به تورات دسترسی داشتند و پاسخگوی نیازهای آنان بود، ولی دنبال قانون ساده‌تری می‌گشتند.

#### پیام‌ها:

- ۱- تمامی تورات تحریف نشده است. ﴿عندهم التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ﴾
- ۲- کاش اهل کتاب، نسبت به احکام کتاب خودشان پایبند بودند. ﴿و عندهم التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ﴾
- ۳- آنچه برای گروهی مهم است، تخفیف در قانون است، نه ایمان به قانون و انجام وظیفه. (به همین دلیل با داشتن قانون تورات برای پیدا کردن راه مجازات آسان‌تری نزد پیامبر ﷺ می‌آمدند). ﴿ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ بَعْدَ ذَلِكَ﴾
- ۴- علامت ایمان، تسلیم بودن در برابر قانون است. ﴿و ما أولئك بالمؤمنين﴾

﴿ ۴۴ ﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ  
 أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ  
 كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَحْشَوْا النَّاسَ وَاحْشَوْنِي وَلَا  
 تَتَّبِعُوا بآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ  
 هُمُ الْكَافِرُونَ

همانا ماتورات را نازل کردیم (که) در آن هدایت و نور است. پیامبران الهی که  
 تسلیم فرمان خدا بودند، بر طبق آن برای یهود حکم می‌کردند و (همچنین) مرئیان  
 الهی و دانشمندان، بر طبق این کتاب آسمانی که حفاظت آن به آنان سپرده شده  
 بود و بر آن گواه بودند، داوری می‌کردند، پس (ای علما!) از مردم نترسید (و احکام  
 خدا را بیان کنید) و از (مخالفت با) من بترسید و آیات مرا به بهای اندک نفروشید.  
 و کسانی که طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم نکنند، پس آنان همان کافرانند.

#### نکته‌ها:

- «رَبَّانِي» از «رَبَّان» به معنای تربیت کننده است. به گفته‌ی بعضی، «رَبَّانِي» کسی است که  
 با «رَبِّ الْعَالَمِينَ» پیوند خورده، با علم و عمل، خدایی شده، تربیت مردم را بر عهده دارد.
- از حضرت علی عليه السلام نقل شده که فرمود: «أَنَا رَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّةُ رَبَّانِي إِيْنِ امْتٍ مِنْ  
 هستم.<sup>(۱)</sup> امام صادق عليه السلام نیز فرمود: «رَبَّانِيُون، اهل بیت پیامبر عليه السلام می‌باشند.»<sup>(۲)</sup>
- «جِبْرِ» به معنای اثر نیک است. چون عالمان در جامعه منشأ اثر نیکند، به آنان جِبْرِ و أَحْبَار  
 گفته می‌شود. به ابن عباس هم لقب «جِبْرِ الْأُمَّةُ» داده‌اند.
- رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «كسِي كِه حَتَّىٰ بِه مَقْدَارِ دُو دِرْهَمِ قِضَاوَتِ نَاحِقٍ كِنْد، مِشْمُولِ  
 جمله‌ی آخر این آیه می‌شود.»<sup>(۳)</sup> «هم الكافرون»

۱. تفسیر مراغی.

۲. تفسیر صافی.

۳. تفسیر صافی؛ کافی، ج ۷، ص ۴۰۸.

## پیام‌ها:

- ۱- ضمن توجه به تحریف تورات موجود، باید از اصل کتب آسمانی تجلیل کرد.  
﴿فیهما هدی و نور﴾
- ۲- گرچه تورات بر موسی علیه السلام نازل شد؛ ولی همه‌ی انبیا و علمای پس از او مأمور بودند طبق آن حکم کنند. ﴿یحکم بها النبیون﴾
- ۳- قوانین مستند بر وحی را باید پذیرفت. (لازمه‌ی وجوب قضاوت بر انبیا و علما، قبول کردن مردم است) ﴿یحکم بها النبیون...﴾
- ۴- انبیا، از پیش خود حکمی ندارند، بلکه تسلیم حکم خدایند. ﴿أسلموا﴾
- ۵- اسلام (تسلیم خدا بودن)، دین همه‌ی موحدان است، انبیای بنی اسرائیل هم با جمله‌ی «أسلموا» توصیف شده‌اند. ﴿النبیون الذین اسلموا﴾
- ۶- علمای هر امت، مسئول اجرای احکام الهی در میان مردم هستند. (ولایت فقیه، ریشه در تمام ادیان دارد) ﴿یحکم بها النبیون... والربانیون والاحبار﴾
- ۷- سلسله مراتب باید مراعات شود. ابتدا انبیا، سپس امامان و آنگاه علما.  
﴿النبیون... والربانیون والاحبار﴾
- ۸- یهود، انبیای متعدّد داشتند. ﴿یحکم بها النبیون...﴾
- ۹- تورات، قوانین قضایی و حکومتی دارد و محور قضاوت بوده است. ﴿یحکم بها النبیون...﴾
- ۱۰- نور و هدایت زمانی در جامعه جریان پیدا می‌کند که بر اساس کتاب آسمانی، قضاوت و حکومت شود. ﴿فیهما هدی و نور یحکم بها﴾
- ۱۱- راه حفظ کتب آسمانی، عمل و قضاوت و حکومت بر طبق آن است. ﴿یحکم بها... بما استحفظوا﴾ (بنابر این که مراد از استحفاظ، حفاظت همه جانبه آن باشد)
- ۱۲- علما باید محافظ مکتب باشند. ﴿بما استحفظوا من کتاب الله﴾
- ۱۳- قضاوت، مسئولیت عالمان است. ﴿یحکم بها... الربانیون والاحبار بما استحفظوا من

## کتاب الله ﴿

۱۴- عالمان و قضات، دو رسالت بزرگ بر دوش دارند:

الف: حکم خدا را از ترس مردم تغییر ندهند. ﴿فلاتخشوا الناس﴾

ب: به طمع مال دنیا، دچار کتمان و لغزش نشوند. ﴿ولاتشتروا بآياتي ثمناً قليلاً﴾

۱۵- انحراف در قضاوت، کفر است. ﴿ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون﴾

۱۶- در قضاوت، صراحت، جرأت و قاطعیت لازم است و نباید تحت تأثیر تهدید

و جو سازی ها قرار گرفت. ﴿فلاتخشوا الناس﴾

۱۷- خشیت الهی، ضامن قضاوت عادلانه است. ﴿يحکم... فلاتخشوا الناس و اخشون﴾

۱۸- تحریف، سکوت، کتمان و حکم به غیر فرمان خدا، اگرچه به قیمت بدست

آوردن همه ی دنیا باشد خسارت است. ﴿ولاتشتروا... ثمناً قليلاً... فاولئك هم

الكافرون﴾ (چون کل دنیا «متاع قليل» است<sup>(۱)</sup>)

۱۹- با داشتن قانون آسمانی، سراغ قوانین شرق و غرب رفتن کفر است و چنین

قوانینی اعتباری ندارد. ﴿ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون﴾

۲۰- کسی که شرایط قضاوت به حقّ برایش فراهم شود، ولی خود را منزوی کند

کفر ورزیده است. ﴿ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون﴾

۲۱- سکوت و کتمان در برابر طاغوت ها، دین فروشی در برابر سرمایه داران و

عوام فریبی، از خطراتی است که علما را تهدید می کند. ﴿فلاتخشوا الناس... و

لاتشتروا...﴾

۲۲- علمای ترسو و حریص، در دینداری و حفاظت از کتاب آسمانی سست

هستند. ﴿فلاتخشوا الناس... و لاتشتروا بآياتي ثمناً قليلاً﴾

۲۳- درآمد حاصل از قضاوت ناحق، درآمدی نامشروع است. ﴿لاتشتروا بآياتي...﴾

۱. ﴿ان الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون. متاع قليل ولهم عذاب اليم﴾. نحل، ۱۱۶- ۱۱۷.

۲۴- ترس و حرص سبب انحراف در قضاوت و انحراف در قضاوت سبب کفر است. ﴿فَلَا تَحْشَوْهُمْ... وَلَا تَشْتَرُوا... فَاُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾

﴿۴۵﴾ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ  
بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ  
تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ  
هُمُ الظَّالِمُونَ

و در آن (تورات) برایشان مقرر کردیم که (در قصاص) جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان باشد و همدی زخمها را (نیز به همان ترتیب و اندازه) قصاص است. پس هر که آن را صدقه دهد، کفاره‌ی گناهاش محسوب شود و کسانی که به آنچه خدا نازل فرموده حکم نکنند، پس آنان همان ستمگرانند.

#### نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل گفته شد که تورات هدایت و نور است، در این آیه، قانون قصاص مطرح شده و شاید نشان آن باشد که قانون قصاص در جامعه، سبب نور و هدایت است. همان‌گونه که در آیه‌ی دیگر می‌خوانیم: ﴿و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾<sup>(۱)</sup> و برای شما در قصاص حیات و زندگی است.
- نام بردن از چشم و گوش در قانون قصاص از باب نمونه است و گرنه آسیب به هر عضوی قصاص دارد.<sup>(۲)</sup>
- امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمود: خداوند به اندازه‌ی آنچه از قصاص عفو شود، از گناهان او می‌بخشد.<sup>(۳)</sup>

۱. بقره، ۱۷۹.

۲. تفسیر اطیب البیان.

۳. کافی، ج ۷، ص ۳۵۸.

□ در تورات، «دیه» نیست، مجرم یا قصاص می‌شود یا عفو؛ اما در اسلام، دیه به عنوان راه سوم مطرح است.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی انسان‌ها، از هر نژاد و قبیله، فقیر و غنی، در مقابل قانون یکسانند و خون کسی رنگین‌تر از دیگری نیست.<sup>(۲)</sup> ﴿التَّائِبُ بِالنَّفْسِ﴾
- ۲- قصاص، در ادیان پیشین هم بوده است.<sup>(۳)</sup> ﴿كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا﴾ (اسلام و ادیان دیگر، قوانین مشابهی دارند).
- ۳- صدقه، تنها انفاق مالی نیست، عفو و گذشت از مجرم هم نوعی صدقه است. ﴿فَن تَصَدَّقْ بِهِ﴾
- ۴- عفو ما از مجرم، عفو الهی را بدنبال دارد. ﴿فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ﴾ (شاید هم مراد این باشد که عفو ما، کفاره گناه مجرم باشد و او در قیامت، به خاطر عفو ما گرفتار عذاب نشود)<sup>(۴)</sup>
- ۵- در اسلام همراه مسائل کیفری، مسائل اخلاقی هم مطرح است. ﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا... قِصَاصَ فَن تَصَدَّقْ بِهِ﴾
- ۶- جریمه‌ی مالی و حبس، به تنهایی نمی‌تواند عاملی برای بازداشتن مجرم از جرم باشد. ﴿التَّائِبُ بِالنَّفْسِ﴾
- ۷- اگر حکم خدا جاری نشود ظلم، جامعه را فرا می‌گیرد. ﴿وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُم الظَّالِمُونَ﴾

۱. تفسیر قرطبی.

۲. البتّه میان زن و مرد در حکم قصاص، تفاوت‌های حکیمانه‌ای در کتب فقهی بیان شده است.

۳. تورات، سفر خروج، فصل ۲۱، ۲۳ و ۲۶.

۴. تفسیر المیزان.

﴿ ۴۶ ﴾ وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

و به دنبال آنان (پیامبران پیشین) عیسی پسر مریم را آوردیم در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق می‌کرد و به او انجیل دادیم، که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده‌ی تورات قبل از آن است و برای پروا پیشگان مایه‌ی هدایت و موعظه است.

### نکته‌ها:

- هم قرآن، هدایت کننده متقین است، ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾<sup>(۱)</sup> هم انجیل مایه‌ی هدایت و موعظه اهل پرواست. ﴿هُدًى و مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾
- در این آیه دو بار کلمه‌ی «هُدًى» آمده است، یکبار هدایت برای عموم و یکبار بهره گرفتن از هدایت که مخصوص متقین است.
- کلمه‌ی «قَفَّيْنَا» از «تَقْفِيهِ»، به معنای چیزی را به دنبال چیزی آوردن است.
- ممکن است معنای «مُصَدِّقًا» این باشد که خصوصیات شخصی حضرت عیسی عليه السلام با نشانه‌هایی که در تورات درباره‌ی او آمده، منطبق است، پس خود حضرت عیسی و نشانه‌ها، یکدیگر را تصدیق می‌کنند.
- در انجیل متی، (فصل ۵، آیه ۱۷) آمده است: گمان نکنید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم، بلکه آمده‌ام تا تمام کنم.
- تورات، انجیل و قرآن، هر سه «نور» به حساب آمده‌اند؛ خداوند در آیه‌ی ۱۵ این سوره، فرمود: قرآن نور است. ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ﴾
- در آیه‌ی ۴۴ فرمود: تورات، نور است ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ﴾



و در این آیه، انجیل را نور دانسته است. ﴿آتیناه الانجیل فیہ ہدی و نور﴾

### پیام‌ها:

- ۱- انبیا و کتاب‌های آنان، همه از یک سرچشمه و برای یک هدفند و یکدیگر را تصدیق می‌کنند. ﴿مصدقاً﴾
- ۲- گرچه انبیا و کتاب‌های آسمانی برای هدایت همه‌ی مردمند؛ ولی تنها اهل پروا و تقوا در پرتو این نور، هدایت می‌شوند. ﴿هدی و موعظة للمتقین﴾

﴿۴۷﴾ وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

و اهل انجیل، به آنچه خداوند در آن کتاب نازل کرده حکم کنند و کسانی که به آنچه خداوند نازل کرده، حکم نکنند. پس آنان همان فاسقانند.

### نکته‌ها:

- درباره کسانی که طبق قانون الهی حکم نمی‌کنند، در چند آیه‌ی پیاپی، تعبیر «ظالمون»، «فاسقون» و «کافرون» به کار رفته است. چون چنین کسانی، از جهت زیر پا گذاشتن قانون خدا کافرند، و به خاطر خروج از مرز مسئولیتشان فاسقند و به علت آنکه در حق متهمان ستم می‌کنند، ظالمند.
- آیه ۴۴ و ۴۵ خطاب به یهود است که چون قانون خدا را تحریف می‌کنند، دین را به بهای اندک می‌فروشند و به جای خداترسی، از مردم می‌ترسند، آنان را ظالم و کافر می‌شمارد، ﴿أولئك هم الكافرون﴾ و به حقوق افراد جامعه، ظلم می‌کنند. ﴿أولئك هم الظالمون﴾
- ولی این آیه درباره‌ی نصاری است که تنها طبق انجیل حکم نمی‌کردند، (نه سکوت در قصاص و نه دین‌فروشی)، از این رو فاسقند، چون از مرز حق بیرون رفته‌اند.

## پیام‌ها:

- ۱- معیار شناخت حق و باطل در ادیان الهی، آن چیزی است که از جانب خدا نازل شده است. «ولیحکم أهل الانجیل بما أنزل الله فيه»
- ۲- در انجیل، قوانین حکومتی وجود دارد. «ولیحکم أهل الانجیل بما أنزل الله فيه»
- ۳- هر کس به هر انگیزه‌ای بر اساس قانون الهی حکم نکند و یا از داوری حق کناره‌گیری کند، فاسق است. «من لم یحکم... فأولئك هم الفاسقون»

﴿ ۴۸ ﴾ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و ما کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند و حاکم و حافظ آنها است. پس به آنچه خداوند نازل کرده، میان آنان حکم کن و (بادور شدن) از حقی که برای تو آمده، از هوا و هوس آنان پیروی مکن، ما برای هر یک از شما آیین و طریقه‌ی روشنی قرار دادیم و اگر خداوند می‌خواست، همه‌ی شما را یک امت قرار می‌داد (و همه یک قانون و آیین داشتید). ولی (خداوند می‌خواهد) تا شمارا در آنچه به شما داده بیازماید، پس در کارهای نیک سبقت بگیرید، (و بدانید که) بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست، پس او شمارا به آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاه خواهد ساخت.

## نکته‌ها:

- «شرعة»، راهی است که به نهر آب منتهی شود. «منهاج»، راه روشن است. ابن عباس می‌گوید: «شرعة»، احکامی است که در قرآن آمده، و «منهاج» سنت پیامبر اکرم ﷺ است.<sup>(۱)</sup> کلمه «مهینن» به معنای مراقب و محافظ است.
- تصدیق آسمانی بودن کتاب تورات وانجیل، به معنای ابقای آنها برای همیشه نیست، بلکه به معنای همسویی و هماهنگی محتوای همه‌ی کتب آسمانی است. ﴿مصدقاً لما بین یدیه﴾
- اصول همه‌ی ادیان یکی است؛ ولی «شرايع» آنها متعدّد، مثل دریایی که نهرهای ورودی به آن متعدّد است. دین و شریعت، راهی است که ما را به حیات واقعی و انسانی می‌رساند، ولی در هر زمان تنها یک شریعت پذیرفته است.

## پیام‌ها:

- ۱- قرآن، سراسر حقّ و پیراسته از هر باطلی است. ﴿الکتاب بالحقّ﴾
- ۲- قرآن در عصر پیامبر نیز به صورت مکتوب بوده است. ﴿الکتاب﴾
- ۳- قرآن، حافظ اصول کتاب‌های آسمانی دیگر است. ﴿مهینناً علیه﴾
- ۴- می‌توان میان اهل کتاب، طبق قرآن حکم کرد. ﴿فاحکم بینهم بما أنزل الله﴾
- ۵- خطری که رهبران را تهدید می‌کند، پیروی از تمایلات مردم و نادیده گرفتن حقّ است. ﴿ولا تتبع أهواءهم﴾
- ۶- یکی از ابزار آزمایش الهی، آمدن شریعت جدید است، تا روشن شود چه کسی ایمان می‌آورد و چه کسی کفر و تعصّب می‌ورزد. ﴿لکلّ جعلنا منکم شرعة... لیبلوکم﴾
- ۷- انسان در طول تاریخ به راهنمایی انبیا نیازمند بوده است. ﴿لکلّ جعلنا منکم شرعة و منهاجاً﴾

---

۱. مفردات راغب.

۸- به جای سرسختی‌های منفی، و پیش از آنکه فرصت را از دست بدهیم در

کارهای خیر سبقت بجوییم. ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾

۹- محور و هدف مسابقات، باید امور خیر و معنوی باشد. ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾

﴿۴۹﴾ وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرْتُمْ أَنْ

يُفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ

اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

و اینکه میان آنان طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم کن، و از هوسهای

آنان پیروی مکن، و بر حذر باش از این که تو را از برخی از آنچه خداوند

بر تو نازل کرده منحرف سازند. پس اگر آنان (از حکم و داوری تو)

روی گردانند، پس بدان که خداوند می‌خواهد آنان را به خاطر پاره‌ای از

گناهانشان مجازات کند، بی شک بسیاری از مردم فاسقند.

#### نکته‌ها:

□ مراد از فتنه در ﴿يُفْتِنُوكَ﴾، توطئه‌چینی برای انحراف پیامبر اکرم ﷺ است.

□ در شأن نزول آیه گفته‌اند: جمعی از دانشمندان یهود، به رسول خدا ﷺ گفتند: اگر در فلان

مسأله‌ی اختلافی میان ما و دیگران، به نفع ما داوری کنی، ما ایمان می‌آوریم و در پی ما

همه‌ی یهود نیز ایمان خواهند آورد. این آیه نازل شد و پیامبر را از این توطئه آگاه ساخت.

#### پیام‌ها:

۱- داوری و قضاوت از شئون پیامبری است. ﴿وَإِنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ﴾

۲- اساس قضاوت و حکومت، قانون خداست. ﴿وَإِنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾

۳- پیامبر اسلام علاوه بر مسلمانان، بر یهود و نصاری نیز ولایت دارد. ﴿وَإِنْ أَحْكَمَ

بَيْنَهُمْ...﴾

- ۴- در مسائل مهم و حیاتی، تکرار تذکر ضروری است. (تنها به حکم خدا داوری کن و از هوس های مردم پیروی مکن) در این آیه و آیه قبل تکرار شده است)
- ۵- توجه به خواسته های نفسانی مردم یکی از خطرهای بزرگ برای قاضی و حاکم است. ﴿و لا تتبع أهواءهم﴾
- ۶- هشدارهای الهی، عامل مصونیت و عصمت انبیاست. ﴿و احذرهم﴾
- ۷- مراقب نفوذ فرهنگی دشمنان باشیم. ﴿و احذرهم أن یفتنوک﴾
- ۸- وقتی رسول خدا ﷺ باید از توطئه های کفار در بیم باشد، تکلیف دیگران روشن است. ﴿واحذرهم أن یفتنوک﴾
- ۹- حتی دست برداشتن از بعضی احکام الهی نشانه ی پیروی از هوسهای مردم است. ﴿أن یفتنوک عن بعض...﴾
- ۱۰- مخالفان هم بعضی از دستورهای الهی را می پسندند. خطر اعراض و تحریف در بعضی احکام وجود دارد. ﴿عن بعض ما انزل الله﴾
- ۱۱- باید طبق وحی داوری کنیم، گرچه احتمال اعراض بعضی از مردم را بدهیم. ﴿وان احکم بینهم بما انزل الله... فان تولوا﴾
- ۱۲- هدف وسیله را توجیه نمی کند. نباید به خاطر مسلمان شدن گروهی، از داوری و قضاوت ناروا کمک گرفت. (با توجه به شأن نزول)
- ۱۳- هشدارهای تندی همچون: ﴿لا تتبع، احذرهم، یفتنوک...﴾ نشانه ی صداقت پیامبر ﷺ در ابلاغ وحی الهی است و گرنه کسی به خودش این همه تند خطاب نمی کند.
- ۱۴- روی گردانی از داوری پیامبر، عامل سقوط و سبب عذاب الهی است. ﴿ان یصیبهم ببعض ذنوبهم﴾
- ۱۵- ریشه ی اعراض کافران فسق است، و گرنه در آیین الهی نقصی نیست. ﴿فان تولوا فاعلم... لفسقون﴾

﴿ ۵۰ ﴾ أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

آیا آنان حکم جاهلیت را می‌طلبند؟ برای اهل ایمان و یقین، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟

### نکته‌ها:

□ بهترین قانون، آن است که قانون‌گذار شرایط زیر را داشته باشد:

\* از تمام اسرار هستی و انسان، در حال و آینده آگاه باشد.

\* هیچ هدف انتفاعی نداشته باشد.

\* هیچ لغزش عمدی و سهوی نداشته باشد.

\* از هیچ قدرتی نترسد.

\* خیر خواه همه باشد.

این شرایط، تنها در خداوند متعال وجود دارد، لذا قرآن می‌فرماید: ﴿مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا﴾ و هر قانون بشری که خلاف حکم خدا باشد، جاهلانه است. ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ (چون این قانون‌ها غالباً بر اساس هوا و هوس، ترس، طمع، جهل، خطا، خیال و محدودیت علمی وضع شده است)

### پیام‌ها:

- ۱- بعضی از مردم (مشرکان، اهل کتاب) خواستار داوری پیامبر بر اساس قوانین جاهلیت بودند. ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ﴾
- ۲- فسق و گناه، انسان را به سوی فرهنگ جاهلی سوق می‌دهد. ﴿وَأَنْ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ... أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾
- ۳- آنان که با داشتن احکام الهی از آن روی می‌گردانند و سراغ قوانین بشری می‌روند، در مسیر جاهلیت گام برمی‌دارند. ﴿فَان تَوَلَّوْا... أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ﴾
- ۴- زمان جاهلیت، مخصوص یک دوران نیست، هرگاه که مردم از خدا جدا

شوند، دوران جاهلیت است. ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ...﴾

۵ - عقل و وجدان بهترین داور و دادگاه است. ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا﴾

۶- آنان که تنها چشم به قوانین بشری دوخته‌اند و آن را راه کمال می‌دانند، در

ایمان و یقین خود شک کنند. ﴿لِقَوْمٍ يوقنون﴾

﴿۵۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهودیان و مسیحیان را سرپرست و یاور نگیرید،

(زیرا) بعضی از آنان یار و یاور بعض دیگرند و هر کس از شما که آنان را ولی

خود قرار دهد پس قطعاً از آنان است. همانا خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند.

#### نکته‌ها:

□ ذکر یهود و نصارا در آیه، از باب نمونه است، وگرنه شکی نیست که ولایت هیچ کافری را

هم نباید پذیرفت.

□ از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود که بهره‌گیری از غذاهای غیر گوشتی اهل کتاب، یا

ازدواج موقت با آنان، یا داد و ستد و زندگی مسالمت‌آمیز با آنان جایز است و هیچ یک از این

مسائل به معنای سلطه‌پذیری آنان نیست.

#### پیام‌ها:

۱- خداوند از بندگان مؤمنش، انتظارات خاصی دارد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لَا تَتَّخِذُوا...﴾

۲- تبری از دشمن، از شرایط ایمان است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا...﴾

۳- اسلام، دین سیاست است و تنها به احکام فردی نمی‌پردازد. ﴿لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ و

النصاری اولیاء ﴿

- ۴- وقتی یاری گرفتن از کفار مورد نهی قرآن است، قطعاً در روابط و سیاست خارجی، پذیرش ولایت و سلطه‌ی اهل کتاب و کفار ممنوع است. ﴿لاتتخذوا﴾
- ۵- ولایت کفار و دشمنان را نپذیریم، چون آنان تنها به فکر هم مسلکان خویشند. ﴿بعضهم اولیاء بعض﴾
- ۶- با وجود اختلافات شدید میان یهود و نصارا، پیوندشان به خاطر نابودی اسلام است. ﴿بعضهم اولیاء بعض﴾
- ۷- کفار تنها نسبت به تعهدات میان خودشان وفادارند، ولی نسبت به تعهدات با مسلمانان پایبند نیستند. ﴿لاتتخذوا الیهود والنصاری اولیاء بعضهم اولیاء بعض...﴾
- ۸- دولت‌های اسلامی که ولایت و سلطه کفار را پذیرفته‌اند، از کفار محسوب می‌شوند. ﴿فانہ منہم﴾ (دوستی با هر فرد و گروهی، انسان را جزو آنان می‌سازد.)
- ۹- نه کفار را «ولئ» خود گردانید و نه با آنان که ولایت کفار را پذیرفته‌اند، رابطه ولایت داشته باشید. ﴿فانہ منہم﴾
- ۱۰- نتیجه‌ی پذیرش ولایت کفار، قطع ولایت خداست. ﴿فانہ منہم ان الله لایہدی القوم الظالمین﴾
- ۱۱- تکیه بر کفار، ظلم است. ﴿لا یہدی القوم الظالمین﴾



﴿۵۲﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ

(با آن همه توصیه به نپذیرفتن ولایت کفار) بیماردلان را می‌بینی که در دوستی با آنان (کافران)، سبقت می‌گیرند (و در توجیه کارشان) می‌گویند: می‌ترسیم که حادثه‌ای بد برایمان پیش آید (و ما نیازمند کمک آنان باشیم) پس امید است که خداوند، پیروزی یا امر دیگری را از جانب خود (به نفع مسلمانان) پیش آورد، آنگاه آنان از آنچه در دل پنهان داشته‌اند پشیمان شوند.

﴿۵۳﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأُصْبِحُوا خَاسِرِينَ

و کسانی که ایمان آوردند (هنگام پیروزی مسلمانان و رسوایی منافقان با تعجب، به یکدیگر) می‌گویند: آیا اینان همان‌هایی هستند که با تأکید، به خدا قسم می‌خوردند که ما با شما ایم؟ پس (چرا کارشان به اینجا کشید؟) اعمالشان نابود شد و زیانکار شدند.

### نکته‌ها:

□ بیماردلان کسانی هستند که نسبت به حَقانیت پیامبر اکرم ﷺ و یا برخی از معارف دینی در شک بوده و ایمانی ضعیف دارند.<sup>(۱)</sup>

□ در مورد معنای آیه، سه احتمال وجود دارد:

الف: در هنگام پیروزی مسلمانان و رسوایی منافقان، مؤمنان با تعجب می‌گویند: آیا این یهود و نصارا بودند که سوگند جدی بر یاری کردن شما مؤمنان خوردند؟

۱. تفسیر راهنما.

ب: برخی از مؤمنان واقعی بعد از پیروزی به یکدیگر می‌گویند: آیا این بیمار دلان بودند که با سوگند می‌گفتند: ما با شما هستیم و دیدید که نبودند؟  
ج: این بیمار دلان که سوگند یاد کردند ما با یهود و نصارا هستیم، آیا توانستند به شما اهل کتاب کمکی کنند؟

### پیام‌ها:

- ۱- پیامبر اکرم ﷺ شاهد تلاش‌های آشکار و شتابزده افراد سست ایمان برای پیوستن به یهود و نصارا است. ﴿فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم﴾
- ۲- نمونه‌ی روشن کسانی که از هدایت الهی محرومند، بیمار دلانی هستند که با سرعت برای پیوستن به کفار تلاش می‌کنند. ﴿ان الله لایهدی القوم الظالمین... الذین فی قلوبهم مرض﴾ (حرف «فاء» نشانه آن است که ظالمان آیه‌ی قبل، بیمار دلان این آیه هستند)
- ۳- بیمار دلان سست ایمان، با سرعت به سراغ طرح دوستی با دشمنان کافر می‌روند. ﴿فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم﴾
- ۴- افراد سست ایمان و منافق، می‌خواهند که جزو کفار باشند. ﴿یسارعون فیهم﴾، نه «الیهم».
- ۵- در برابر نص و فرمان صریح خداوند نباید اجتهاد و مصلحت‌اندیشی کرد. ﴿لاتتخذوا الیهود... اولیاء... یقولون نخشی﴾
- ۶- انگیزه‌ی پذیرش رابطه‌ی ذلت‌بار با ابرقدرت‌ها، ضعف ایمان و وحشت از غیر خداست. ﴿یقولون نخشی﴾
- ۷- مسلمانان، به پیروزی و گسترش اسلام و افشای منافقان امیدوار باشند. ﴿فعی الله ان یأتی بالفتح...﴾
- ۸- عزت سیاسی، قدرت اقتصادی و پیروزی نظامی، همه از طرف خدا و در دست اوست. ﴿ان یأتی بالفتح أو امر من عنده﴾

- ۹- با کفار رابطه‌ی ولایت نداشته باشید، تا امدادهای غیبی خدا به سوی شما سرازیر شود. ﴿لَاتَتَّخِذُوا... يَأْتِي بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ﴾
- ۱۰- پایان نفاق و وابستگی به کفار، حبط و رسوایی و شرمندگی است. ﴿نَادِمِينَ﴾
- ۱۱- هر سوگندی نشانه‌ی صداقت نیست، فریب سوگندها را نخورید. ﴿أَهْوَاءَ الَّذِينَ اقْسَمُوا بِاللَّهِ أَنَّهُمْ لَمَعَكُمْ﴾
- ۱۲- وابستگی به بیگانگان، مورد ملامت مؤمنان است. ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهْوَاءَ... أَنَّهُمْ لَمَعَكُمْ﴾
- ۱۳- نشانه‌ی خسران انسان، از بین بردن کارهای نیک است. ﴿حَبِطتِ أَعْمَالُهُمْ فَاصْبِرُوا خَاسِرِينَ﴾

﴿۵۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و خداوند وسعت‌بخش بسیار داناست.

#### نکته‌ها:

□ در روایت است: «چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ دست به شانه‌ی سلمان فارسی

زد و فرمود: هموطنان تو مصداق این آیه‌اند».<sup>(۱)</sup>

□ در آیات قبل، خطر سلطه کفار و منافقان مطرح بود، اینجا سخن از ارتداد است. شاید اشاره به این باشد که نفاق و دوستی و رابطه با کفار و پذیرش سلطه آنان، به ارتداد می‌انجامد.

□ امام باقر علیه السلام درباره‌ی «یحبهم و یحبونه» فرمود: «مراد علی علیه السلام و شیعیان اویند».<sup>(۲)</sup>

□ در روایات شیعه و سنی آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر، پس از ناکامی فرماندهان در فتح قلعه‌های دشمن فرمود: «به خدا سوگند فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند، او هم، خدا و رسول را دوست دارد و پیروزی را به ارمغان می‌آورد. آنگاه پرچم را به دست علی علیه السلام داد».<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمن باید به فکر عاقبت خود باشد، چه بسا مؤمنانی که مرتد شوند. ﴿یا ایها الذین آمنوا من یرتد﴾
- ۲- رهبر روشن ضمیر، باید احتمال ارتداد و برگشت پیروان خود را بدهد. ﴿من یرتد منکم﴾
- ۳- کفر یا ارتداد گروهی از مؤمنان، به راه خدا ضربه نمی‌زند. ﴿فسوف یأتی الله...﴾
- ۴- زمینه ارتداد، نداشتن معرفت و محبت نسبت به دین و خداست. ﴿یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه﴾
- ۵- خداوند، نیازی به ایمان ما ندارد. ﴿فسوف یأتی الله﴾
- ۶- در راه ایمان و شکستن سنت‌ها و عادات جاهلی نباید از سرزنش‌ها و هوچی‌گری‌ها و تبلیغات سوء دشمن ترسی داشت و تسلیم جو و محیط شد. ﴿لا یخافون لومة لائم﴾

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۱۲۳.

۳. احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۰۰.

- ۷- رفتار مسلمان، نرمش با برادران دینی و سرسختی در برابر دشمن است و هیچ یک از خشونت و نرمش، مطلق نیست. ﴿اذلّة علی المؤمنین أعزّة علی الکافرین﴾
- ۸- فضل خدا تنها مال و مقام نیست، محبت خدا و جهاد در راه او و قاطعیّت در دین هم از مظاهر لطف و فضل الهی است. ﴿ذلک فضل الله﴾
- ۹- دوستی متقابل میان خدا و بنده، از کمالات بشر است. ﴿یحیّبهم و یحبّونه﴾
- ۱۰- با نوید جایگزینی دیگران، جلو یأس و ترس را بگیرید. ﴿من یرتد... فسوف یأتی... و لا یخافون﴾
- ۱۱- مؤمن واقعی کسی است که هم عاشق و هم محبوب خدا باشد. ﴿یحیّبهم و یحبّونه﴾
- ۱۲- کسی که ایمان واقعی دارد، هرگز در برابر کافران احساس حقارت نمی‌کند. ﴿اعزّة علی الکافرین﴾
- ۱۳- دلی که از محبت خدا خالی شد، بیمار و وابسته به کفار می‌شود، ولی دلی که از مهر خدا پر است هرگز وابسته نمی‌شود. ﴿فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم... یحبّهم و یحبّونه... اعزّة علی الکافرین﴾
- ۱۴- اسلام رو به گسترش است، تنها به ریزش‌ها نگاه نکنیم به رویش‌ها نیز نگاه کنیم. ﴿من یرتد... یأتی الله﴾
- ۱۵- در آینده پرچم اسلام را کسانی بدست خواهند گرفت که عاشق خدا و مجاهد و با صلابت باشند. ﴿یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه... اعزّة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله﴾
- ۱۶- جنگ روانی، در مؤمنان واقعی اثری ندارد. ﴿لا یخافون لومة لائم﴾
- ۱۷- فضل خداوند، محدود نیست؛ لیکن به هرکس به قدر حکمتش عطا می‌کند. ﴿والله واسع علیم﴾
- ۱۸- اگر خداوند به شخصی لطفی کرد، آگاهانه است. ﴿واسع علیم﴾

﴿ ۵۵ ﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ  
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

ولی و سرپرست شما، تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

### نکته‌ها:

- در شأن نزول آیه آمده است: سائلی وارد مسجد شد و از مردم درخواست کمک کرد. کسی چیزی به او نداد. حضرت علی علیه السلام در حالی که به نماز مشغول بود، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید. در تکریم این بخشش، این آیه نازل شد.
- ماجرای فوق را ده نفر از اصحاب پیامبر مانند: ابن عباس، عمّار یاسر، جابر بن عبدالله، ابوذر، انس بن مالک، بلال و... نقل کرده‌اند و شیعه و سنی در این شأن نزول، توافق دارند.<sup>(۱)</sup>
- عمّار یاسر می‌گوید: پس از انفاق انگشتر در نماز و نزول آیه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ».<sup>(۲)</sup>
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیرخم، برای بیان مقام حضرت علی علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود.<sup>(۳)</sup> و خود علی علیه السلام نیز برای حقانیت خویش، بارها این آیه را می‌خواند.<sup>(۴)</sup> ابوذر که خود شاهد ماجرا بوده است، در مسجد الحرام برای مردم داستان فوق را نقل می‌کرد.<sup>(۵)</sup>
- کلمه‌ی «ولی» در این آیه، به معنای دوست و یاور نیست، چون دوستی و یاری مربوط به همه مسلمانان است، نه آنان که در حال رکوع انفاق می‌کنند.
- امام صادق علیه السلام فرمودند: منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا...» علی علیه السلام و اولاد او علیهم السلام تا روز قیامت هستند. پس هرکس از اولاد او به جایگاه امامت رسید با این ویژگی مثل اوست، آنان در حال رکوع صدقه می‌دهند.<sup>(۶)</sup>

۱. الغدير، ج ۲، ص ۵۲، احقاق الحق، ج ۲، ص ۴۰۰ و کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۱.

۲. تفسیر المیزان. ۳. تفسیر صافی. ۴. تفسیر المیزان.

۵. تفسیر مجمع البیان. ۶. کافی، ج ۱، ص ۲۸۸.

□ مرحوم فیض کاشانی در کتاب نوادر، حدیثی را نقل می‌کند که بر اساس آن سایر امامان معصوم نیز در حال نماز و رکوع به فقرا صدقه داده‌اند که این عمل با جمع بودن کلمات «یقیمون، یؤتون، راکعون» سازگارتر است.

□ امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند پیامبرش را دستور داد که ولایت علی علیه السلام را مطرح کند و این آیه را نازل کرد.»<sup>(۱)</sup>

□ بهترین معرفی آن است که اوصاف و خصوصیات کسی گفته شود و مخاطبان، خودشان مصداق آن را پیدا کنند. (آیه بدون نام بردن از علی علیه السلام، اوصاف و افعال او را بر شمرده است)

□ امام صادق علیه السلام فرمود: «علی علیه السلام هزاران شاهد در غدیر خم داشت، ولی نتوانست حق خود را بگیرد، در حالی که اگر یک مسلمان دو شاهد داشته باشد، حق خود را می‌گیرد!»<sup>(۲)</sup>

□ ولایت فقیه در راستای ولایت امام معصوم است. در مقبوله‌ی عمرین حنظله از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «به آن کس که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر کند و احکام ما را بشناسد، بنگرید. پس به حکومت او راضی باشید که من او را بر شما حاکم قرار دادم. «فانّی قد جعلته علیکم حاکماً...»»<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

۱- اسلام، هم دین ولایت است و هم دین برائت. هم جاذبه دارد و هم دافعه. آیات قبل، از پذیرش ولایت یهود و نصارا نهی کرد، این آیه می‌فرماید: خدا و رسول و کسی را که در رکوع انگشتر داد، ولی خود قرار دهید. «یا ایها الذّین آمنوا لا تتخذوا... انما ولیکم الله...»

۲- از این‌که به جای «اولیائکم»، «ولیکم» آمده، ممکن است استفاده شود که روح ولایت پیامبر و علی علیه السلام، شعاع ولایت الهی است. «ولیکم»

۳- در قرآن معمولاً نماز و زکات در کنار هم مطرح شده است؛ ولی در این آیه، هر

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. تفسیر نورالثقلین و کافی، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳. کافی، ج ۱، ص ۶۷.

- دو به هم آمیخته‌اند. (دادن زکات در حال نماز) ﴿الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾
- ۴- کسانی که اهل نماز و زکات نیستند، حق ولایت بر مردم را ندارند. ﴿أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾ ﴿«أَمَّا»، نشانه‌ی انحصار ولایت در افراد خاص است)
- ۵- برای توجّه به محرومان، نماز هم مانع نیست. ﴿يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (آری، فقیر نباید از جمع مسلمانان دست خالی برگردد.)
- ۶- ولایت از آن کسانی است که نسبت به اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات پایدار باشد. ﴿يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ...﴾ ﴿«یقیمون» و «یؤتون» نشانه دوام است)
- ۷- هرگونه ولایت، حکومت و سرپرستی که از طریق خدا و رسول و امام نباشد، باطل است. ﴿أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾ (کلمه «أَمَّا» علامت حصر است)
- ۸- توجّه به خلق برای خدا در حال نماز، با اقامه نماز منافات ندارد. ﴿يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾
- ۹- کسی که نسبت به فقرا بی تفاوت باشد، نباید رهبر و ولیّ شما باشد. ﴿أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ... وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾
- ۱۰- کارهای جزئی (مثل انفاق انگشتر) نماز را باطل نمی‌کند. ﴿يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾
- ۱۱- در فرهنگ قرآن، به صدقه مستحبّی هم «زکات» گفته می‌شود. ﴿يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾
- ۱۲- ولایت‌ها در طول یکدیگرند، نه در عرض یکدیگر. ولایت بر مسلمانان، ابتدا از آن خداوند است، سپس پیامبر، آنگاه امام. ﴿أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾



﴿۵۶﴾ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ  
الْغَالِبُونَ

و هرکس که خدا و پیامبرش و چنان مؤمنانی را (که در آیه قبل بیان شد) ولیّ خود بگیرد (از حزب خداست) همانا حزب خدا پیروز است.

### نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل بیان شد که مراد از ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾، حضرت علیؑ و امامان معصومینؑ هستند.
- اوصاف حزب الله در سوره‌ی مجادله آیه ۲۲ چنین بیان شده است:
  ۱. به مبدأ و معاد ایمان دارند.
  ۲. با دشمنان خدا، دوستی نمی‌کنند.
- این آیه که لزوم پذیرش ولایت خدا و رسول و امامان را بیان می‌کند، می‌فهماند که مراد از ﴿وَلِيَّتِكُمْ﴾ در آیه‌ی قبل، سرپرست و حاکم است نه دوست و یاور، چون تعبیر «حزب الله» و غالب بودن آنان، اشاره به نظام قدرتمند و حکومت دارد.
- «حزب»، در لغت به معنای گروه با قدرت و با صلاحیت است.<sup>(۱)</sup>
- چون پیروزی، بدون تشکیلات، مدیریت، قدرت، وحدت، جرأت و... امکان ندارد، پس «حزب الله» باید برای حاکمیت و غلبه این صفات را داشته باشند.
- حزب الله نه تنها غالب و پیروزند، بلکه رستگار نیز هستند. ﴿حزب الله هم الغالبون﴾، ﴿حزب الله هم المفلحون﴾<sup>(۲)</sup>
- در آیه‌ی ۵۲ همین سوره خواندیم که گروهی از ترس حوادث، کفار را ولیّ خود می‌گیرند، در این آیه می‌فرماید: حزب الله غالب است؛ یعنی وابستگان به کفار مغلوبند، پس به سراغ آنان نروید. ﴿فتری الذین... یسارعون فیهم...﴾، ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ... هُمُ الْغَالِبُونَ﴾

۱. معجم الوسیط.

۲. مجادله، ۲۲.

## پیام‌ها:

- ۱- حزب الله، تنها کسانی‌اند که ولایت خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را پذیرفته باشند. ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ... فَانَّ حِزْبَ اللَّهِ﴾
- ۲- غلبه‌ی نهایی با کسانی است که ولایت خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را بپذیرند. ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ... هُمُ الْغَالِبُونَ﴾
- ۳- چون خداوند غالب است، ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ﴾<sup>(۱)</sup>، وابستگان به او هم غالبند. ﴿حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾
- ۴- با وعده‌های الهی، حزب الله به آینده‌ی خود مطمئن است. ﴿هُمُ الْغَالِبُونَ﴾

﴿۵۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا  
مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از کسانی که دین شما را به مسخره و بازی می‌گیرند، آنان که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شده‌اند و (نیز) کفار را ولی خود نگیرید و از خدا بپرهیزید، اگر ایمان دارید.

## پیام‌ها:

- ۱- کیفر دنیوی کسانی که به دین خدا و مقدّسات مذهبی توهین می‌کنند، قطع رابطه است. ﴿لَا تَتَّخِذُوا...﴾ (در روابط با دیگران، احترام به مقدّسات یک شرط ضروری است)
- ۲- شرط ایمان، داشتن غیرت دینی و تبری از ناهلان است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا﴾

---

۱. یوسف، ۲۱.

۳- استهزای دین، (با جنگ سرد و روانی) یکی از شیوه‌های مبارزاتی دشمنان است. ﴿اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا﴾

۴- تقوای الهی ایجاب می‌کند از دشمنان نترسیم و آنان را ولی خود قرار ندهیم. ﴿لَا تَتَّخِذُوا... اولیاء و اتقوا الله...﴾

### ﴿۵۸﴾ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

و هرگاه که شما (به وسیله‌ی اذان، مردم را) به نماز فرامی‌خوانید آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی‌اندیشند.

#### نکته‌ها:

□ در شأن نزول آیه آمده است که جمعی از یهود و بعضی از مسیحیان، صدای مؤذن را که می‌شنیدند و یا قیام مسلمانان را به نماز می‌دیدند، آنان مسخره و استهزا می‌کردند.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- از رابطه و دوستی با کسانی که اذان (وشعائر دینی) را مسخره می‌کنند، بپرهیزید. ﴿لَا تَتَّخِذُوا... و اذا نادیتم...﴾
- ۲- نماز، چهره و مظهر دین است. (در آیه‌ی قبل، استهزای دین مطرح شد و در این آیه استهزای نماز، یعنی نماز سیمای دین است) ﴿اتَّخَذُوا دینکم هُزُؤًا... و اذا نادیتم الی الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا﴾
- ۳- برای نماز، باید ندا سر داد تا همه جمع شوند. ﴿نادیتم﴾ (نماز باید علنی باشد)
- ۴- در جامعه‌ی اسلامی، باید برای نماز، فریاد زد و تبلیغ کرد و هیچ کس نباید مانع آن گردد. ﴿نادیتم الی الصَّلَاةِ﴾

۱. تفسیر نمونه.

۵ - شیوهی عاقلان، برخورد منطقی است ولی بی‌خردان، اهل استهزا هستند.  
 ﴿ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾

﴿۵۹﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا  
 وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ

بگو: ای اهل کتاب! آیا جز این بر ما خورده و عیب می‌گیرید که به خداوند و به آنچه  
 بر ما نازل شده و به آنچه از پیش (بر پیامبران گذشته) نازل گردیده، ایمان  
 آورده‌ایم؟ همانا بیشتر شما از مرز حق بیرون رفته و فاسقید.

#### نکته‌ها:

□ «تنقمون» از ماده «نقمت»، به معنای انکار چیزی است؛ با زبان باشد یا به وسیله‌ی قهر و  
 کیفر و برخورد.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- با مخالفان هم باید جدالی نیکو داشت. استدلال آمیخته با سؤال‌های عاطفی.  
 ﴿هل تنقمون منا﴾
- ۲- دشمنی دشمنان با مؤمنان، فقط به خاطر ایمان آنهاست. ﴿هل تنقمون منا الا ان  
 آمنا بالله﴾
- ۳- ایمان مسلمانان به تمامی کتب آسمانی، از عوامل کینه و عداوت اهل کتاب با  
 آنان است. ﴿هل تنقمون منا الا ان آمنا بالله و ما انزل الينا و ما انزل من قبل﴾
- ۴- دشمنی اهل کتاب با مسلمانان، تاریخی و با سابقه است. ﴿هل تنقمون منا﴾
- ۵- در برابر سختگیری‌های دشمن، عدالت و انصاف را از کف ندهیم و همه را  
 یکسان و فاسق مپنداریم. ﴿اکثرکم فاسقون﴾

۱. مفردات راغب.

۶- انکار حق و آزار پیروان حق، فسق است. ﴿فاسقون﴾

﴿۶۰﴾ قُلْ هَلْ أَنْبَأُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذَلِكُمْ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ

بگو: آیا شما را به بدتر از (صاحبان) این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم؟ کسانی که خداوند آنها را لعن و بر آنها غضب کرده و افرادی از آنان را به شکل بوزینه‌ها و خوک‌ها درآورده و طاغوت را پرستیدند (و اطاعت کردند)، جایگاه آنان نزد خداوند بدتر است و از راه راست گمراه‌ترند.

#### نکته‌ها:

- «مَثُوبَةً» و «ثواب» در اصل به معنای رجوع و بازگشت به حالت اول است و به هرگونه سرنوشت یا جزا نیز گفته می‌شود، ولی غالباً در مورد پادشاهی نیک به کار می‌رود.<sup>(۱)</sup>
- آنان که دین و اسلام و نماز مسلمانان را مسخره می‌کنند و مسلمان را به خاطر ایمانشان می‌آزارند، چرا به گذشته‌ی تاریک و ننگین خود نگاه نمی‌کنند که با قهر الهی مسخ شدند و رسوا گشتند. گرچه یهود زمان پیامبر، به صورت خوک و میمون نبودند، ولی چون بنی‌اسرائیل خود را قوم واحد و دارای هویت جمعی می‌دانستند و افتخارات گذشته را به خود نسبت می‌دادند، بیان رسوایی‌های پیشین، غرور آنان را می‌شکند.
- بسیاری از مفسران معتقدند، یهودیانی که با حیل‌های شرعی قداست روز شنبه را شکستند، به میمون تبدیل شدند و مسیحیانی که مائده آسمانی عیسی را منکر شدند، به خوک تبدیل گشتند.<sup>(۲)</sup>

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر راهنما.

## پیام‌ها:

- ۱- کیفرهای الهی عادلانه است و اگر گروهی به میمون و یا خوک تبدیل می‌شوند سزای عملکردشان است. ﴿مَثُوبَةٌ﴾
- ۲- اطاعت کنندگان از طاغوت، هم ردیف مسخ شدگانند. ﴿وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرْدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عِبَدَ الطَّاغُوتِ﴾
- ۳- بیان سرنوشت شوم بدکاران تاریخ یکی از روش‌های ارشاد و تبلیغ قرآن است. ﴿جَعَلَ مِنْهُمْ...﴾
- ۴- حرمت شکن، حرمت ندارد. ﴿أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَ اضَلُّ...﴾
- ۵- عقوبت سنگین برای انحراف سنگین است. ﴿بَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةٌ... اضَلَّ عَنِ سِوَاءِ السَّبِيلِ﴾

﴿ ۶۱ ﴾ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ قَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَ هُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ

و هرگاه (منافقان یا بعضی از اهل کتاب) نزد شما آیند، می‌گویند: ایمان آوردیم، در حالی که آنان با کفر بر شما وارد می‌شوند و با همان کفر بیرون روند و خداوند به آنچه کتمان می‌کردند آگاه‌تر است.

## پیام‌ها:

- ۱- اظهار ایمان افراد، شما را فریب ندهد. ﴿قَالُوا آمَنَّا... وَ اللَّهُ أَعْلَمُ﴾ اظهار ایمان با زبان، نشانه‌ی رسوخ ایمان در قلب نیست.
- ۲- خداوند، از خود انسان‌ها هم به ضمیرشان آگاه‌تر است. ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ﴾
- ۳- کسانی که منافقانه اظهار ایمان می‌کنند، بدانند که خداوند از درون آنان آگاه است. ﴿قَالُوا آمَنَّا وَ قَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ... وَ اللَّهُ أَعْلَمُ...﴾

﴿۶۲﴾ وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمْ  
السُّحْتِ لِبَيْسٍ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و بسیاری از آنان (مدعیان ایمان) را می بینی که در گناه و ظلم و حرام خواری شتاب می کنند. به راستی چه زشت است آنچه انجام می دهند.

### نکته ها:

- در آیه ی گذشته، سخن از روحیه ی کفر و نفاق اهل کتاب بود، در اینجا بیان فسادهای اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی آنان است.
- «سُحْت» در اصل به معنای جدا کردن پوست و نیز به معنای شدت گرسنگی است، سپس به هر مال نامشروع به خصوص رشوه گفته شده است، زیرا این گونه اموال، صفا و طراوت و برکت را از اجتماع انسانی می برد. همان طور که کندن پوست درخت باعث پژمردگی یا خشکیدن آن می گردد. بنابراین «سُحْت» معنای وسیعی دارد و اگر در بعضی روایات مصداق خاصی از آن ذکر شده، دلیل اختصاص نیست.<sup>(۱)</sup>

### پیام ها:

- ۱- در انتقاد از منحرفان، باید انصاف داشت. «كثيراً منهم» (نه تمام آنها)
  - ۲- سیمای جامعه اسلامی، سبقت در خیرات است، «يسارعون في الخیرات»<sup>(۲)</sup> ولی سیمای جامعه کفر و نفاق، سبقت در فساد است. «يسارعون في الإثم والعدوان»
  - ۳- بدتر از فساد اخلاقی «اثم» و فساد اجتماعی «عدوان» و فساد اداری اقتصادی «سُحْت»، عادت به فساد و سرعت در آن است. «يسارعون في الإثم...»
  - («يسارعون»، دلالت بر استمرار دارد)
  - ۴- چه بسا مدعیان ایمان که به گناه، تجاوز و حرام خواری شتاب می کنند. «تری...»
- یسارعون... ﴿

۱. تفسیر نمونه.

۲. مؤمنون، ۶۱.

۵- بدتر از آلودگی به گناه، غرق شدن در گناه است. ﴿فِي الْإِثْمِ﴾  
 ۶- با اینکه تجاوز و عدوان و حرام خواری از نمونه‌های اثم و گناه است، ولی نام این دو به خاطر اهمیّت و خطر و یا به خاطر شیوع در میان اهل کتاب، جداگانه آورده شده است. ﴿يَسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَآكَلِهِمُ السُّحْتُ﴾

﴿۶۳﴾ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ  
 السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

چرا علمای نصارا و یهود آنان را از سخنان گناه آلود و خوردن مال حرام باز نمی‌دارند؟ چه بد است آنچه انجام می‌دهند.

#### نکته‌ها:

- حضرت علی ع در اواخر خطبه «قاصعه»<sup>(۱)</sup> می‌فرماید: خداوند اقوام پیشین را مورد لعن قرار نداد مگر بخاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر. خداوند عوام را به خاطر ارتکاب معاصی و دانشمندان را به خاطر ترک نهی از منکر لعنت کرد.
- منظور از «ربانیون» علمای مسیحی و منظور از «احبار» علمای یهود است.
- امام حسین ع در توضیح این آیه فرمود: دلیل سکوت علما و رها کردن امر به معروف و نهی از منکر، یا طمع به منافع ستمگران است و یا ترس از آنان «رغبة فیما کانوا ینالون منهم أو رهبة مما یحذرون»<sup>(۲)</sup>
- آیه‌ی قبل درباره‌ی گناهکاران، جمله‌ی «ما کانوا یعملون» را آورد، ولی اینجا درباره‌ی سکوت علما جمله‌ی «ما کانوا یصنعون» را بکار می‌برد. مرحوم فیض کاشانی می‌گوید: فرق میان «یعملون» و «یصنعون» این است که صانع، کسی است که با تجربه و زبر دستی کارآموده شده و کار برای او به صورت خصلت و ملکه در آمده باشد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲. ۲. تفسیر راهنما و بحار، ج ۱۰۰، ص ۷۹.



## پیام‌ها:

- ۱- مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر، در درجه اول متوجه علماست.  
﴿لولا ینهاهم الرّبانیون...﴾
- ۲- سکوت و بی تفاوتی علما، زمینه‌ی ترویج فساد است. «تری... یسارعون فی الاثم... لولا ینهاهم...»
- ۳- علما باید قدرت داشته باشند تا بتوانند علاوه بر موعظه و دعوت، جلوی مفسد را بگیرند. ﴿لولا ینهاهم﴾
- ۴- اگر نهی از منکر، جلوی گناه را نگیرد، لااقل جلوی سرعت آن را می‌گیرد.  
﴿یسارعون فی الاثم... لولا ینهاهم﴾
- ۵- علمای اهل کتاب، حتی به حداقل وظیفه هم عمل نکردند. (در آیه‌ی قبل، اثم و عدوان و حرام‌خواری، به عنوان گناه آنان شمرده شد. در اینجا کلمه عدوان نیامده، شاید اشاره باشد به این که اگر علمای اهل کتاب، قدرت جلوگیری از عدوان را ندارند، چرا جلوی اثم و سحت را نگرفتند)!
- ۶- زیبایی علم، در اظهار آن و زشتی‌اش در سکوت و کتمان است. ﴿لبئس ماکانوا یصنعون﴾
- ۷- سکوت عالم، بدتر از گناه خلافکار است. ﴿لبئس ماکانوا یصنعون﴾
- ۸- تظاهر به گناه، کثرت گناهکار، سرعت در گناه، تنوع در گناه و... هیچ یک دلیل بر سکوت علما نیست. «تری کثیراً منهم یسارعون فی الاثم و... لولا ینهاهم»  
(کلمه‌ی «تری» رمز تظاهر به گناه، کلمه‌ی «کثیر» رمز جمعیت زیاد، کلمه‌ی «یسارعون» رمز سرعت در گناه و کلمات «اثم»، «عدوان» و «سحت»، رمز تنوع گناه است)

﴿ ۶۴ ﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دستهایشان بسته باد و به سزای این گفتار، از لطف خدا دور شوند. بلکه دو دست (قدرت) خدا گشوده است، هرگونه بخواهد انفاق می‌کند و البته آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، کفر و طغیان بسیاری از آنان را می‌افزاید و ما تا روز قیامت دشمنی و کینه در میانشان افکنیم. هر بار که برای جنگ، آتش افروزی کردند، خداوند آن را خاموش ساخت. آنان همواره در زمین، به فساد و تبهکاری می‌کوشند، و خداوند مفسدان را دوست نمی‌دارد.

#### نکته‌ها:

□ آیه‌ی قبل، اشاره به سخنان خلاف و نامربوط یهود ﴿و قولهم الاثم﴾ و جلوگیری نکردن علما از آنها بود، ﴿لولا ینهاهم...﴾ در این آیه، نمونه‌ای بیان شده که یهود می‌گفتند: دست خدا بسته است و دیگر نمی‌تواند به ما قدرت و شوکت بدهد، آن‌گونه که در گذشته قدرت داشتیم.

□ در روایات آمده است که این آیه، عقیده‌ی یهود را نسبت به قضا و قدر و سرنوشت بیان می‌کند. چون یهود می‌پنداشتند در آغاز آفرینش دست خدا باز بود؛ اما پس از آنکه همه چیز را آفرید، دست او بسته شد.

□ امام صادق علیه السلام در توضیح این آیه فرمود: عقیده‌ی یهود این بود که خداوند بعد از آفرینش، از تدبیر امور کناره‌گیری کرده است و چیزی را کم یا زیاد نمی‌کند. «قد فرغ من الامر فلا یزید

و لا ینقص»<sup>(۱)</sup>.

□ در زبان عربی کلمه‌ی «ید» و در فارسی کلمه‌ی «دست»، کنایه از قدرت و نفوذ است. مثلاً می‌گوییم: فلانی در منطقه یا اداره دست دارد. دست فلانی قطع شد. دست ما به فلانی نمی‌رسد. در روایات هم آمده است که اولیای خدا دست خدایند. یعنی واسطه لطف او نسبت به مردمند.

□ امام باقر علیه السلام درباره‌ی «کَلِمًا اَوْ قَدُوا نَارًا...» فرمودند: «هرگاه جبّاری بخواهد آل محمد علیهم السلام را نابود کند، خداوند او را درهم می‌شکند»<sup>(۲)</sup>.

□ به گفته علامه طباطبایی: هرگاه فقر، گرسنگی و قحطی پیش می‌آید، یا آیات قرض دادن به خداوند نازل می‌شود، می‌گفتند: این قحطی و این سفارش به قرض الحسنه دادن، نشانه‌ی بسته بودن دست خداست.

### پیام‌ها:

- ۱- رضایت به گناه دیگران، مانند شرکت در آن است. «قالت الیهود» (گرچه بعضی از یهود، نسبت دست بسته بودن به خدا می‌دادند؛ ولی چون دیگران هم راضی بودند، این تفکر انحرافی به همه نسبت داده شده است).
- ۲- بی‌لیاقتی و ناهلی خود را توجیه نکنیم. (شیطان، تکبر خود را به اغوای الهی نسبت داد). «رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي ...»<sup>(۳)</sup>، یهود هم محرومیت‌های خود را با بخیل بودن خدا توجیه می‌کردند. «یَدِ اللّٰهِ مَغْلُوْلَةٌ»
- ۳- پاسخ شبهه را باید قوی‌تر از اصل شبهه داد. «یَدِ اللّٰهِ مَغْلُوْلَةٌ، یداه مبسوطتان» (آنان گفتند: دست خدا بسته است. آیه می‌فرماید: بلکه هر دو دست خدا باز است، یعنی کمال قدرت دارد)
- ۴- توبیخ باید مناسب با عمل باشد. «یَدِ اللّٰهِ مَغْلُوْلَةٌ، غَلَّتْ اَیْدِیْهِمْ»

۱. تفسیر نورالثقلین و توحید صدوق، ص ۱۶۷.

۲. تفسیر عبّاشی.

۳. حجر، ۳۹.

- ۵- همان گونه که قرآن برای افراد متقی، نور و هدایت است، برای افراد لجوج، طغیان و کفر می آورد. ﴿وَلِيُزِيدَنَّ... طَغْيَانًا وَكُفْرًا﴾
- ۶- طغیان و کفر، زمینه ساز دشمنی و کینه است. ﴿وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ...﴾
- ۷- یهودیان، همواره فتنه می کنند؛ ولی شکست می خورند. ﴿كَلِمًا أَوْ قَدْوًا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَاءُ اللَّهِ﴾
- ۸- هم القای کینه و دشمنی به عنوان کیفر از جانب خداست، هم خاموش ساختن آتش جنگ از اوست. ﴿أَلْقَيْنَا، أَطْفَاءُ اللَّهِ﴾
- ۹- دست یابی به محبت یا قهر الهی، در اثر عملکرد ماست. ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾

﴿ ۶۵ ﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ  
لَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

و اگر اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند قطعاً ما گناهانشان را می بخشیدیم و آنان را به باغهای پر نعمت بهشت، وارد می کردیم.

### پیام ها:

- ۱- اهل کتاب در عصر پیامبر اکرم ﷺ مردمی بی ایمان و بی تقوا بودند. ﴿و لو ان اهل الكتاب آمنوا و اتقوا﴾
- ۲- ایمان و تقوا، پوشاننده انحراف هاست و مسائل قبلی را محو می کند. ﴿لكفرنا﴾ (در حدیث آمده است: «الاسلام یجِبُّ ما قبله»)<sup>(۱)</sup>
- ۳- برای دریافت الطاف الهی، باید ابتدا از گناهان پاک شد. ﴿كفرنا، ادخلنا﴾
- ۴- خداوند، علاوه بر عفو، لطف هم دارد. ﴿كفرنا، ادخلنا﴾

۱. بحار، ج ۶، ص ۲۲.

﴿۶۶﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ  
لَأَكْلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ  
مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ

و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنان نازل شده، برپا می‌داشتند، از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پاهایشان (زمین) روزی می‌خوردند. بعضی از آنان میانه‌رو هستند، ولی بسیاری از آنان آنچه انجام می‌دهند بد است.

### نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل، نقش ایمان در سعادت معنوی و اخروی مطرح بود، در این آیه نقش آن در سعادت دنیوی و رفاه اقتصادی بیان شده است.
- اگر پیروان کتب آسمانی دیگر در برابر قرآن تسلیم می‌شدند و تسلیم در مقابل قرآن را تسلیم نژاد بنی‌اسرائیل در برابر نژاد عرب نمی‌پنداشتند و می‌دانستند که اصول تعالیم انبیا یکی است و ایمان به آنچه پس از تورات و انجیل نازل شده، راه یافتن به کلاس بالاتر است نه باطل ساختن دستوره‌های پیشین، در این صورت، علاوه بر بهره‌های اخروی در قیامت، در همین دنیا نیز انواع نعمت‌ها به سویشان سرازیر می‌شد.
- در آیه‌ی قبل، از عقیده‌ی یهود در مورد بسته بودن دست خدا صحبت شد، در این آیه می‌فرماید: شما به کتاب‌های آسمانی روی آورید، سپس قضاوت کنید که دست خدا بسته است یا نه. اگر عظمت شما به ذلت تبدیل شده، به خاطر کفر و پشت کردن شما به دستوره‌های آسمانی است، نه به خاطر عجز و دست بسته بودن خداوند.
- آیه‌ی ۹۶ سوره‌ی اعراف نیز مشابه همین آیه است: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾ و اگر ساکنان آبادی‌ها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، همانا درهای برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم.
- سؤال: آیا به پا داشتن کتب آسمانی، سبب توسعه‌ی رزق است؟

پاسخ: یا خداوند به خاطر پاداش، رزق و روزی را توسعه می‌دهد یا در خود کتاب‌های آسمانی راه‌های طبیعی توسعه‌ی رزق آمده است که اگر آنان کتاب آسمانی را بر پا دارند به آن راه‌ها دست خواهند یافت.

□ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: یهود ۷۱ فرقه و نصارا ۷۲ فرقه می‌شوند که تنها یک فرقه‌ی آنان بهشتی هستند، هرگاه حضرت علی ع این حدیث را از رسول اکرم ص نقل می‌فرمود، این آیه را نیز تلاوت می‌کردند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- کتاب‌های آسمانی (تحریف نشده)، قانون اساسی و محور و راهنمای همه حرکت‌هاست و مانند پرچم باید همواره برپا داشته شود. ﴿أَقَامُوا﴾
- ۲- برای دعوت دیگران به اسلام، به اعتقادات و مقدّسات صحیح آنان لطمه نزنیم. ﴿أَقَامُوا التَّوْرَةَ ...﴾
- ۳- تنها تلاوت کتاب آسمانی کافی نیست، اقامه‌ی آن نیز لازم است. ﴿أَقَامُوا التَّوْرَةَ و الانجیل﴾
- ۴- همه‌ی کتب آسمانی، محترم است. ﴿أَقَامُوا التَّوْرَةَ و الانجیل و ما أنزل الیهم﴾
- ۵- قرآن، برای همه‌ی امت‌هاست، نه فقط مسلمانان. ﴿ما أنزل الیهم من ربهم﴾
- ۶- اسلام، به رفاه مردم نیز توجّه دارد. ﴿لَاكُلُوا﴾
- ۷- توجّه به دستوره‌های دینی، زندگی مادی را هم سروسامان می‌دهد. ﴿لو اثمهم... لاكُلُوا...﴾
- ۸- در نظام هستی، ایمان افراد، در حاصلخیزی زمین و بارش باران و رشد کشاورزی و محصولات، نقش دارد.<sup>(۲)</sup> ﴿أَقَامُوا التَّوْرَةَ... لاكُلُوا﴾
- ۹- جامعه‌ی فاسد، انسان را مجبور به فساد نمی‌کند. در میان انبوه بدکاران،

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر المیزان.

گروهی هم معتدلند. ﴿منهم أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ﴾

۱۰- در اقامه‌ی کتاب‌های آسمانی، اعتدال لازم است، نه افراط و تفریط.

﴿مقتصده﴾

۱۱- هیچ‌گاه همه‌ی افراد یک مجموعه، نژاد، منطقه و مذهب را تخطئه نکنیم.

﴿منهم أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ﴾

۱۲- کثرت جمعیت، نشانه‌ی حقانیت نیست. ﴿کثیر منهم ساء ما یعملون﴾

﴿ ۶۷ ﴾ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا

بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الْكَافِرِينَ

ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت به تو نازل شده است (در مورد ولایت و

جانشینی حضرت علی) اعلام کن و اگر چنین نکنی، رسالت الهی را نرسانده‌ای و

(بدان که) خداوند تو را از (شرّ) مردم (و کسانی که تحمل شنیدن این پیام مهم را

ندارند) حفظ می‌کند. همانا خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

### نکته‌ها:

□ این آیه به دلایلی که خواهد آمد مربوط به جانشینی حضرت علی علیه السلام و نصب او به ولایت

در غدیر خم به هنگام برگشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سفر حج در سال دهم هجری است. جالب

اینکه این آیه در میان دو آیه‌ای قرار گرفته که مربوط به اقامه‌ی کتاب آسمانی است و شاید

اشاره به این باشد که میان رهبر معصوم و اقامه‌ی کتاب آسمانی، پیوند محکمی برقرار

است. آری، امام است که می‌تواند کتاب آسمانی را به پا دارد و این کتاب خداست که می‌تواند

امام واقعی را معرفی کند.

□ همه‌ی مفسران شیعه به اتکای روایات اهل بیت علیهم السلام و نیز بعضی از مفسران اهل سنت به

عنوان یکی از مصادیق، آیه را مربوط به نصب حضرت علی علیه السلام در غدیر خم به ولایت و

امامت دانسته‌اند.<sup>(۱)</sup> جالب آنکه صاحب تفسیر المنار از مُسند احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه، حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ» را با سند صحیح و موثق بیان کرده است و سپس با دو جمله به خیال خود در آن تشکیک نموده است: اوّل این که مراد از ولایت، دوستی است. (غافل از آنکه دوستی نیاز به بیعت گرفتن و تبریک گفتن و آن همه تشریفات در غدیر خم نداشت) دوم آنکه اگر حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام امام و رهبر بعد از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود، چرا فریاد نزد و ماجرای نصب خود را در غدیر نگفت؟! (غافل از آنکه در سراسر نهج البلاغه و کلمات حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام ناله‌ها و فریادها مطرح است؛ ولی صاحب المنار گویا آن ناله‌ها و فریادها را نشنیده است).<sup>(۲)</sup>

□ در تمام قرآن تنها در این آیه است که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به کتمان پیام، تهدید شده که اگر نگوئی، تمام آنچه را که در ۲۳ سال رسالت گفته‌ای هدر می‌رود. پس باید دید چه پیام مهمی است که این گونه بیان می‌شود؟

□ پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «لَوْ لَمْ أْبَلِغْ مَا أَمَرْتُ بِهِ مِنْ وَلَايَتِكَ لَحَبِطَ عَمَلِي» اگر آنچه درباره ولایت تو است به مردم نرسانم تمام اعمال من محو می‌شود.<sup>(۳)</sup>

□ در این آیه، چند نکته است که جهت‌گیری محتوایی آن را روشن می‌کند:

۱. سوره‌ی مائده، در اواخر عمر شریف پیامبر اسلام نازل شده است.
۲. در این آیه، بجای «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ»، تعبیر «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ» آمده است، که نشانه‌ی یک رسالت مهم است.
۳. به جای فرمان «أَبْلِغْ»، فرمان «بَلِّغْ» آمده که نشانه‌ی ابلاغ قطعی و رسمی و مهم است.
۴. پیامبر نسبت به نرساندن یک پیام مهم تهدید شده که اگر نگوید، همه‌ی زحماتش به هدر می‌رود.
۵. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از عواقب کاری هراس دارد که خداوند او را دلداری می‌دهد که ما تو را از شر

۱. تفاسیر کبیر فخررازی و المنار.

۲. این سطرها را در شب شهادت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام، نیمه شب ۲۱ ماه رمضان ۱۳۸۰ نوشتم.

۳. تفسیر نورالثقلین و امالی صدوق، ص ۴۰۰.



مردم نگه می‌داریم.

۶. پیامبر، از جان خود نمی‌ترسد. زیرا در روزگار تنهایی که با بت‌پرستان مبارزه می‌کرد و در جنگ‌هایی که با مشرکان درگیری نظامی داشت، از خطرها نمی‌ترسید. (در حالی که سنگباران می‌شد، و یارانش شکنجه می‌شدند، حالا در اواخر عمر و در میان این همه یار بترسد؟!)

۷. در آیه، پیامی است که به لحاظ اهمیت، با همه پیام‌های دوران نبوت و رسالت، برابر است که اگر این پیام به مردم نرسد، گویا همه‌ی پیام‌ها محو می‌شود.

۸. محتوای پیام، باید مسأله‌ای اساسی باشد، وگرنه در مسائل جزئی و فردی، این همه تهدید و دلداری لازم نیست.

۹. پیام آیه، مربوط به توحید و نبوت و معاد نیست، چون این اصول، در روزهای اول بعثت در مکه بیان شده و نیازی به این همه سفارش در اواخر عمر آن حضرت ندارد.

۱۰. پیام آیه، مربوط به نماز، روزه، حج، زکات، خمس و جهاد هم نیست، چون اینها در طول ۲۳ سال دعوت پیامبر بیان شده و مردم نیز به آن عمل کرده‌اند و هراسی در کار نبوده است.

پس، محتوای این پیام مهم که در اواخر عمر شریف پیامبر ﷺ نازل شده چیست؟

روایات بسیاری از شیعه و سنی، ما را از تحیر نجات داده و راه را نشان می‌دهد. روایات می‌گویند: آیه مربوط به هجدهم ذیحجه سال دهم هجری در سفر حجة‌الوداع پیامبر اسلام است، که آن حضرت در بازگشت به سوی مدینه، در مکانی به نام «غدیر خم» به امر الهی فرمان توقف داد و همه در این منطقه جمع شدند. مکانی که هم آب و درخت داشت و در گرمای حجاز، کارساز بود و هم محلّ جداشدن کاروان‌های زائران مکه بود و اهل یمن، عراق، شام، مدینه و حبشه از هم جدا می‌شدند.

در آنجا، پیامبر خدا در میان انبوه یاران، بر فراز منبری از جهاز شتران قرار گرفت و خطبه‌ای طولانی خواند. ابتدای خطبه، توحید، نبوت و معاد بود که تازگی نداشت. سخن تازه‌ای که بود این بود که پیامبر، خیر از رحلت خود داد و نظر مسلمانان را نسبت به خود جویا شد. همه نسبت به کرامت و عظمت و خدمت و رسالت او در حد اعلا اقرار کردند. وقتی مطمئن شد

که صدایش به همه‌ی مردم، در چهار طرف می‌رسد، پیام مهم خود را نسبت به آینده بیان کرد. و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا فِعْلِي مَوْلَاهُ» هر که من مولای اویم، علی مولای اوست و بدین وسیله جانشینی حضرت علی علیه السلام را برای پس از خود به صراحت اعلام داشت. اما پس از وفاتش، وقتی حضرت زهرا علیها السلام به در خانه‌های مردم می‌رفت و می‌گفت: مگر نبودید و نشنیدید که رسول خدا در غدیر خم چه فرمود؟ می‌گفتند: ما در غدیر خم، در فاصله دوری بودیم و صدای پیامبر را نمی‌شنیدیم!! الله اکبر از کتمان، از ترس، از بی‌وفایی و از دروغ گفتن به دختر پیامبر خدا.

آری، مردم با دو شاهد، حق خود را می‌گیرند، ولی حضرت علی علیه السلام با وجود ده‌ها هزار شاهد، نتوانست حق خود را بگیرد. امان از حب دنیا، حسادت و کینه‌های بدر و خبیر و حنین که نسبت به حضرت علی علیه السلام در دل داشتند.

□ امام باقر علیه السلام فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدَى بِالْوَلَايَةِ فَاخَذَ النَّاسُ بَارِعًا وَ تَرَكَوا هَذِهِ»، اسلام بر پنج چیز استوار است: بر نماز، زکات، روزه، زکات و ولایت اهل بیت و چیزی به اندازه‌ی ولایت مورد توجه نبود، اما مردم چهارتای آن را پذیرفتند و ولایت را ترک کردند!<sup>(۱)</sup>

□ امام رضا علیه السلام فرمود: بعد از نزول این آیه که خداوند ضامن حفظ رسول اکرم صلی الله علیه و آله شد، «وَاللَّهُ يَعْصَمُكَ مِنَ النَّاسِ» پیامبر هر نوع تقیه را از خود دور کرد.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- نوع خطاب، باید با نوع هدف، هماهنگ باشد. چون هدف، رسالت و پیام رسانی است، خطاب هم «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ» است.
- ۲- انتخاب رهبر اسلامی (امام معصوم) باید از سوی خداوند باشد. «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ»
- ۳- گاهی ابلاغ پیام الهی باید در حضور مردم و در مراسم عمومی و با بیعت‌گرفتن

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸. ۲. تفسیر نورالثقلین و عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۳۰.

- همراه باشد، ابلاغ ولایت با سخن گفتن تنها کافی نیست؛ بلکه باید با عمل همراه باشد. ﴿و ان لم تفعل﴾ به جای «ان لم تبلاغ»
- ۴- احکام و پیام‌های الهی، همه در یک سطح نیست. گاهی کتمان یک حقیقت، با کتمان تمام حقایق برابر است. ﴿و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته﴾
- ۵- اگر رهبری صحیح نباشد، مکتب نابود و امت گمراه می‌شود. ﴿فابلّغت رسالته﴾
- ۶- رکن اصلی اسلام، امامت و حکومت است. ﴿و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته﴾
- ۷- انکار ولایت، نوعی کفر است. ﴿ان الله لا يهدي القوم الكافرين﴾
- ۸- عنصر زمان و مکان، دو اصل مهم در تبلیغ است. (با توجه به این که این آیه در هجدهم ذی‌الحجه و در محل جدا شدن کاروان‌های حج نازل شد)

﴿ ۶۸ ﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ  
 الْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ  
 إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكَافِرِينَ

بگو: ای اهل کتاب! هیچ ارزشی ندارید مگر آنکه تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارتان نازل شده برپا دارید و همانا آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، طغیان و کفر بسیاری از آنان را خواهد افزود، پس بر کافران (و مخالفت آنان) تأسف مخور.

#### نکته‌ها:

- گرچه کتاب آسمانی قرآن وسیله‌ی هدایت است، ولی گروهی به خاطر روحیه‌ی لجابت و عناد هرچه قرآن بیشتر بر آنان خوانده می‌شود، پلیدی باطنی آنان بیشتر ظاهر می‌شود.
- امام باقر علیه السلام درباره‌ی «لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ...» فرمود: «آنچه موجب طغیان و کفر بسیاری

می‌گردد، ولایت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است»<sup>(۱)</sup>.

### پیام‌ها:

- ۱- اهل کتاب باید به همه‌ی کتاب‌های آسمانی ایمان داشته باشند. ﴿تَقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ﴾
- ۲- ادّعای ایمان کافی نیست، قیام و اقدام عملی لازم است. ﴿حَقِّ تَقِيمُوا﴾
- ۳- قوانین آسمانی باید محور عمل باشد و بر کرسی قدرت بنشینند. ﴿تَقِيمُوا﴾
- ۴- شخصیت و ارزش افراد، به میزان تعهدات مذهبی آنان بستگی دارد. ﴿لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَقِّ تَقِيمُوا﴾
- ۵- در تبلیغ، ابتدا به معتقدات درست دیگران احترام بگذاریم، سپس راه خود را نشان دهیم. ﴿تَقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ...﴾
- ۶- طغیان، زمینه و مقدمه‌ی کفر است. ﴿طَغْيَانًا وَ كُفْرًا﴾
- ۷- طغیان و کفر، قابل کم و زیاد شدن است. ﴿لِيَزِيدَنَّ...﴾
- ۸- گروه کمی از اهل کتاب، در خط صحیح هستند. ﴿لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ﴾
- ۹- غصّه خوردن به خاطر گمراهی افراد لجوج و کافر روا نیست. ﴿لِيَزِيدَنَّ... فَلَ تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

۱. تفسیر عیاشی.

﴿۶۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ  
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

همانا کسانی که ایمان آوردند و مؤمنان و یهودیان و صابئان و مسیحیان، هر کدام به خدا و روز قیامت ایمان آورده و کار شایسته انجام دهند، بیم و اندوهی بر آنان نیست.

### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «صابئین» که سه بار در قرآن و در کنار یهود و نصارا آمده است، به کسانی گفته می‌شود که پیرو یکی از ادیان آسمانی بودند؛ ولی به مرور زمان انحرافی در آنان پیدا شده است، از جمله اعتقاد به تأثیر ستارگان و کناره‌گیری از معاشرت با مردم و داشتن آداب مخصوصی در زندگی.

□ پیروان ادیان مختلف، پس از آمدن دین جدید، باید به آن ایمان آورند، وگرنه بعثت انبیای بعدی بیهوده خواهد بود. یهود و نصارا و صابئان، هر کدام مثل مسلمانان به پیامبر اسلام ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، بیم و اندوهی نخواهند داشت.

□ از میان همه‌ی ادیان گذشته، نام یهود و نصارا و صابئین برده شده، چون از ادیان الهی هستند که از سایرین برای قبول دعوت حق سزاوارترند.

### پیام‌ها:

۱- از اصول مشترک همه ادیان آسمانی، ایمان به خدا و قیامت و رسالت انبیا است. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ...﴾

۲- ملاک سعادت در همه‌ی ادیان آسمانی، ایمان و عمل صالح است، نه ادعا و نام. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾

۳- ایمان از عمل جدا نیست. ﴿آمَنَ ... وَعَمِلَ﴾

۴- آرامش واقعی، در سایه‌ی ایمان و عمل صالح است. ﴿مَنْ آمَنَ... و عمل صالحا

فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ﴿﴾

﴿۷۰﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلْنَا  
جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

همانا ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سوی آنان فرستادیم.  
(اما) هرگاه پیامبری برایشان سخن و پیامی آورد که دلخواهشان نبود،  
گروهی را تکذیب کرده و گروهی را کشتند.

### نکته‌ها:

- شاید مراد از میثاق بنی اسرائیل، همان محتوای آیهی قبل یعنی ایمان به خدا و معاد و عمل صالح باشد و شاید مراد پیروی از انبیایی باشد که در خود این آیه با کلمه «رَسُولًا» مطرح شده و شاید همان پیمانی باشد که در آیات ۹۳ سورهی بقره و آیهی ۸۱ سورهی آل عمران گذشت. یعنی عمل به آنچه خدا بر آنها نازل کرده بود.
- در آیهی قبل گفتیم که صرف وابستگی به ادیان آسمانی برای نجات از قهر خدا کافی نیست، بلکه ایمان و عمل صالح لازم است. این آیه، نمونه‌ای برای آیهی قبل است که بنی اسرائیل با این که وابسته به دین آسمانی بودند، چه کارها که نکردند؟! □ این که این سوره با جملهی «او فوا بالعقود» آغاز شده و ماجرای غدیر در آیهی ۶۷ مطرح شده و در این آیه پیمان شکنی و کشتن اولیای خدا و تکذیب آنان مطرح شده، می‌تواند ضمن افشاگری از حالات بنی اسرائیل، مایهی عبرت و زنگ خطری برای مسلمانان باشد تا پیام و پیمان غدیر خم را نادیده نگیرند.

### پیام‌ها:

- ۱- بنی اسرائیل، علاوه بر حضرت موسی، پیامبران دیگری نیز داشتند. ﴿أرسلنا إليهم رسلاً﴾
- ۲- راه انبیا مطابق با تمایلات نفسانی نیست. ﴿جاءهم رسول بما لا تهوى أنفسهم﴾

۳- ریشه‌ی تکذیب و کشتن انبیا، هوای نفس بنی اسرائیل است. ﴿بِمَا لَاتَهْوَىٰ اَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا﴾

۴- پیمان شکنی، پیامبرکشی، تکذیب و لجاجت، از صفات بنی اسرائیل است. ﴿فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ﴾

۵- در جامعه‌ی فاسد، یا شخصیت مردان خدا ترور می‌شود (تکذیب)، یا شخص آنان (قتل). ﴿فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ﴾

۶- انبیا در راه خدا تا پای جان پیش می‌رفتند. ﴿فَرِيقًا يَقْتُلُونَ﴾

﴿۷۱﴾ وَ حَسِبُوا اَلَّا تَكُوْنَ فِتْنَةً فَعَمَّوْا وَ صَمَّوْا ثُمَّ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ

عَمَّوْا وَ صَمَّوْا كَثِيْرٌ مِنْهُمْ وَ اللّٰهُ بَصِيْرٌ بِمَا يَعْمَلُوْنَ

(یهودیان چون خود را برتر از مردم و اولیای خدا می‌پنداشتند) گمان کردند کیفر و آزمایشی (برایشان) نخواهد بود، پس (از دیدن حقایق) کور و (از شنیدن حقایق) کر شدند. سپس خداوند (لطف خویش را بر آنان باز گرداند و) توبه‌شان را پذیرفت. دگر بار بسیاری از آنان (از دیدن و شنیدن آیات الهی) کور و کر شدند و خداوند به آنچه می‌کنند، بیناست.

### نکته‌ها:

- «فتنة» در آیه، یا به معنای آزمون و یا به معنای عذاب است.
- بنی اسرائیل می‌پنداشتند آزمایش‌ها یا قهر و عذاب الهی، مربوط به دوران حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام بوده و شامل آنان نمی‌شود. از این رو سرگرم زندگی مادی، رفاه‌طلبی و بی‌تفاوتی نسبت به آیات الهی شدند.
- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در توضیح آیه فرمود: «وحسبوا ان لا تكون فتنة» مقصود زمانی است که پیامبر صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در بین آنان بوده، «فعموا و صموا» زمانی است که پیامبر از دنیا رفت، «ثم تاب الله» مراد زمانی است که امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به خلافت رسید و «ثم عموا و صموا» مراد تا روز

قیامت است.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- آزمایش الهی عمومی است، هرگز از فتنه‌ها غافل نشویم. ﴿حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً﴾
- ۲- عقائد نباید بر اساس حدس و گمان باشد. ﴿حَسِبُوا...﴾
- ۳- برای مدّتی در خط مستقیم بودن مهم نیست، مهم حسن عاقبت است. ﴿ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا﴾ «ثُمَّ عَمُوا» نشانه آن است که بنی اسرائیل بعد از بازگشت لطف خداوند، تا مدّتی در خط صحیح بودند؛ ولی دوباره منحرف شدند.
- ۴- غرور و خودبرتربینی و گمان و وهم، انسان را کور و کر و از شناخت صحیح، محروم می‌سازد. ﴿وَحَسِبُوا... فَعَمُوا وَصَمُّوا﴾
- ۵- کسی توقع نداشته باشد که بی‌امتحان، به جایی برسد. ﴿حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً﴾
- ۶- لطف الهی تا حدّی است که حتّی بدون عذرخواهی انسان، به سوی او سرازیر می‌شود. ﴿فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ﴾
- ۷- خداوند مهربان است، ولی انسان‌ها لجوج‌اند. ﴿تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا﴾
- ۸- کثرت رهرو نشانه‌ی حقّانیت راه نیست. ﴿ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ﴾
- ۹- ایمان به نظارت خداوند در زندگی انسان نقش مهمی دارد. ﴿وَاللَّهُ بَصِيرٌ﴾

﴿۷۲﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ

حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

همانا کسانی که گفتند: خداوند، همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شدند.

(چگونه چنین می‌گویند) در حالی که مسیح خود می‌گفت: ای بنی اسرائیل! خدا را

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۰۰.



بپرستید که پروردگار من و شماست، یقیناً هرکس به خدا شرک ورزد، خدا بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش دوزخ است و ستمگران را هیچ یآوری نیست.

### نکته‌ها:

- در تفسیر مجمع‌البیان آمده است: فرقه‌ی یعقوبیه از مسیحیان می‌گویند: خداوند با مسیح در ذات متحد شد و یک چیز گشتند.
- این آیه عقیده‌ی بعضی از مسیحیان را بیان می‌کند که خداوند را همان مسیح می‌دانند و آیه‌ی بعد، عقیده‌ی گروه دیگری را نقل می‌کند که تثلیث را پذیرفته‌اند. لازم به ذکر است که در انجیل مرقس، (باب ۱۲ آیه ۲۹) عیسی علیه السلام مردم را به توحید دعوت کرده و می‌فرماید: خدای ما خداوند واحد است. در انجیل متی نیز (باب ۶ آیه ۲۴) چنین آمده است: محال است که انسان دو آقا و دو محبوب داشته باشد. هم خدا را خدمت کند، هم دیگری را.
- امام صادق علیه السلام در بیان گناهان کبیره فرمودند: «بزرگ‌ترین گناهان کبیره، شرک به خداست و سپس این آیه را تلاوت فرمودند».<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- عقیده‌ی به حلول خداوند در افراد، حتی در بهترین انسان‌ها، کفر است. ﴿لقد کفر الذین قالوا...﴾
- ۲- کسی که از مادر متولد شده است، چگونه می‌تواند خدا باشد؟ ﴿مسیح ابن مریم﴾
- ۳- درباره‌ی اولیای خدا و پاکان و نیکان، غلو نکنیم. خود عیسی به خداپرستی دعوت می‌کرد. ﴿وقال المسیح...﴾
- ۴- مشرک، هرگز به بهشت نمی‌رود. ﴿فقد حرّم الله...﴾
- ۵- آنان که حضرت عیسی را خدا می‌دانند، کافر، مشرک، ظالم و از بهشت محرومند. ﴿لقد کفروا... و من یشرک... مأواه النار... ما للظالمین من أنصار﴾

۱. بحار، ج ۷۹، ص ۶؛ عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۲۸۵.

۶- شرک به خدا، ظلم است. ﴿لِلظَّالِمِينَ﴾

۷- در قیامت شفاعت هست، ولی برای مشرکین نیست. ﴿مَالِلِظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

﴿۷۳﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ

إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

همانا آنان که گفتند: خداوند، یکی از سه تاست، کافر شدند. جز خدای یکتا

خدایی نیست و اگر از آنچه می‌گویند دست برندارند، به کافران از آنها

(اهل کتاب) قطعاً عذابی دردناک خواهد رسید.

### نکته‌ها:

□ آیه‌ی قبل، اعتقاد انحرافی حلول خداوند در مسیح را رد کرد، این آیه انحراف عقیده‌ی به

تثلیث را بیان می‌کند، چون هر دو شرک است و باید با آن مبارزه شود.

□ در عقیده‌ی به تثلیث، خدا، مسیح و روح القدس (أب و ابن و روح القدس)، هر سه، خدا

محسوب می‌شوند؛ البته اخیراً گروهی از دانشمندان مسیحی می‌گویند: «عقیده به تثلیث،

اعتبار علمی ندارد».<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

۱- اسلام در برابر انحراف پیروان دیگر ادیان آسمانی، بی تفاوت نیست. ﴿لَقَدْ كَفَرَ

الَّذِينَ قَالُوا...﴾

۲- شرک و چند خدایی (تثلیث)، کفر است. ﴿لَقَدْ كَفَرَ﴾

۳- همه‌ی کسانی که قائل به تثلیث بوده‌اند، گرفتار عذاب الهی نخواهند شد.

﴿كُفِرُوا مِنْهُمْ﴾ (می‌توان گفت: آنها که بر عقیده به تثلیث باقی ماندند و بعد از

دعوت قرآن، به توحید بازنگشتند، در عذاب خواهند بود)

۱. تفسیر المیزان.

۴- قبل از عذاب، هشدار لازم است. ﴿وان لم ينتهوا﴾

۵- پیامد کفر و شرک، عذاب است. ﴿عذاب الیم﴾

﴿۷۴﴾ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونََهُ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ

آیا توبه نمی‌کنند و از او آمرزش نمی‌طلبند؟ در حالی که خداوند،  
آمرزنده‌ی مهربان است.

### پیام‌ها:

- ۱- از عقاید انحرافی باید توبه کرد. ﴿أفلا يتوبون﴾
- ۲- منحرفان را با بیان عفو و رحمت الهی، به راه صحیح دعوت کنیم. ﴿والله غفور رحیم﴾
- ۳- حتی کفر و شرک، با توبه و اعتقاد به توحید، بخشیده می‌شود. ﴿لقد كفر... والله غفور رحیم﴾
- ۴- خداوند هم گذشته را می‌بخشد و هم مورد رحمت قرار می‌دهد. ﴿غفور رحیم﴾
- ۵- در کنار عذاب در آیه‌ی قبل، رحمت برای توبه‌کنندگان مطرح است. ﴿ان لم ينتهوا... عذاب الیم... والله غفور رحیم﴾

﴿۷۵﴾ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ نَمْ أَنْظِرْ أَنِّي يُؤْفَكُونَ

مسیح پسر مریم، فرستاده‌ای بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادرش بسیار راستگو و درست کردار بود، آن دو (همچون سایر انسان‌ها) غذا می‌خوردند. (پس هیچ کدام خدا نیستند،) بنگر که چگونه آیات را برای مردم بیان می‌کنیم، پس بنگر که این مردم چگونه (از حق) روی‌گردان می‌شوند.

**نکته‌ها:**

□ در این آیه، خداوند سه دلیل می‌آورد که عیسی عَلَيْهِ السَّلَام خدا نیست:

۱. او از مادر متولد شد و پسر مریم است.
  ۲. پیامبرانی مثل او نیز بوده‌اند و او بی همتا نیست.
  ۳. او هم مانند دیگران نیاز به غذا داشت و قدرتش را از لقمه نانی به دست می‌آورد، پس از خود قدرت ندارد تا خدا باشد. آری، آنکه نیاز به غذا دارد، نمی‌تواند خالق باشد. اینها بیان روشن و عمومی و همه فهم قرآن است.
- «صدیق» کسی است که بسیار راستگو باشد و راستگویی خود را با کردار درستش ثابت کند.
- در آیه‌ی دیگر، صدیقه بودن حضرت مریم چنین بیان شده است که او کلمات الهی را تصدیق می‌کرد و از عابدان بود. ﴿صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكَتَبَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

**پیام‌ها:**

- ۱- داشتن برخی امتیازات و امور استثنایی، دلیل بر الوهیت نیست. حضرت آدم هم بدون پدر و مادر بود و کسی او را خدا نپنداشت. ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرَّسُلُ﴾
- ۲- مریم، از اولیای خداست. قرآن از او تجلیل می‌کند و او را «صدیقه» می‌شمارد. ﴿أُمُّهُ صَدِّيقَةٌ﴾
- ۳- مرگ، برای همه‌ی انبیا قطعی است. ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرَّسُلُ﴾ بنابراین عیسی فناپذیر است و خدا نیست.
- ۴- اگر عناد به میان آید، روشن‌ترین برهان‌ها و دلایل هم کارساز نخواهد بود. ﴿كَيْفَ نَبِّئُ... أَنِّي يُؤْفَكُونَ﴾
- ۵- زن می‌تواند به بالاترین درجات معنوی برسد تا آنجا که خداوند ثناگویش شود. ﴿وَأُمُّهُ صَدِّيقَةٌ﴾

۶- آشنایی با تاریخ گذشته و ریشه‌یابی آن، برای آیندگان مفید است. ﴿ثم انظر...﴾

﴿۷۶﴾ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

(ای پیامبر! به مردم) بگو: آیا غیر از خدا، چیزی را که برای شما هیچ سود و زیانی ندارد می‌پرستید؟ در حالی که خداوند همان شنوای داناست.

#### نکته‌ها:

□ در این آیه، گروهی از مسیحیان به خاطر شرک و غلوّ درباره‌ی عیسی عليه السلام مورد توبیخ خدا قرار گرفته‌اند. ﴿قل اتعبدون من دون الله...﴾

#### پیام‌ها:

- ۱- در بطلان راه شرک، به عقل و وجدان خود مراجعه کنید. ﴿اتعبدون﴾
- ۲- محور و ریشه پرستش، جلب منفعت و یا دفع ضرر است و غیر خداوند نمی‌تواند ضرری را دفع و منفعتی را جلب کند. ﴿لا يملك لكم ضراً ولا نفعاً...﴾
- ۳- تنها خداوند، شنوای درخواست‌ها و آگاه به سود و زیان انسان‌هاست، نه معبودهای دیگر. ﴿و الله هو السميع العليم﴾

﴿۷۷﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

(ای پیامبر! بگو: ای اهل کتاب! در دین خود به ناحق غلو نکنید و از هوسهای گروهی که پیش از این گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و (اکنون نیز) از راه حق منحرفند، پیروی نکنید.

**نکته‌ها:**

□ شاید بتوان از این آیه استفاده کرد که خدا دانستن مسیح، نوعی غلو برگرفته از افکار شرک آلود جمعیت‌های قبلی است. چنانکه در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی توبه می‌خوانیم: ﴿و قالت اليهود عَزِيزُ ابنِ الله و قالت النصارى المسيح ابنِ الله ذلك قولهم بافواههم يضاهون قول الذين كفروا من قبل﴾ یهود گفتند: عزیز فرزند خداست و نصارا گفتند: مسیح فرزند خداست، این غلو و سخنان بی‌اساس، شبیه سخنان کفار پیشین است.

**پیام‌ها:**

- ۱- در همه‌ی ادیان، باید مرزهای فکری و عقیدتی حفظ شود و درباره‌ی شخصیت‌ها غلو ممنوع است. ﴿يا أهل الكتاب لا تغلوا﴾
- ۲- غلو درباره‌ی رهبران الهی، غلو در دین است. (با توجه به آیات قبل که مسیح را خدا می‌دانستند) ﴿لا تغلوا فی دینکم﴾
- ۳- اگر در دین خدا و نسبت به اولیای الهی غلو ممنوع است، درباره‌ی دیگران هم مبالغه روا نیست. ﴿لا تغلوا... غیر الحق﴾
- ۴- تقلید کورکورانه ممنوع است. ﴿ولا تتبعوا أهواء قوم﴾
- ۵- غلو، تنها درباره‌ی عیسی عليه السلام نبود؛ بعضی از یهود هم درباره‌ی «عزیر» غلو کرده، او را پسر خدا می‌دانستند. ﴿ضلوا من قبل﴾
- ۶- علوم و هنرهای باستانی ارزش دارد، ولی افکار و عقاید کهن نیاکان که بر اساس هوس‌هاست و پایه‌ای ندارد، بی ارزش است و نباید پیروی نمود. ﴿ولا تتبعوا... ضلوا من قبل﴾
- ۷- گمراهی مراحلی دارد: ابتدا انسان خود گمراه می‌شود، ﴿ضلوا﴾ سپس دیگران را گمراه می‌کند، ﴿اضلوا﴾ و در نهایت برای همیشه از حق باز می‌مانند.

﴿۷۸﴾ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى  
ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند، به زبان داود و عیسی پسر مریم  
لعنت شدند. این (لعن و نفرین)، بدان سبب بود که آنان عصیان کرده و از  
فرمان خدا تجاوز می‌کردند.

#### نکته‌ها:

□ حضرت داود علیه السلام، بنی اسرائیل را به خاطر تخلف از حکم تعطیلی روزهای شنبه لعنت کرد.  
و حضرت عیسی علیه السلام بدان جهت که بنی اسرائیل پس از خوردن مائده‌ی آسمانی که با دعای  
آن حضرت و برای اطمینان قلبی آنها نازل شده بود، باز کفر ورزیدند، آنان را لعنت کرد.<sup>(۱)</sup>  
□ امام باقر علیه السلام فرمود: «نفرین حضرت داود، آنان را خوک و نفرین حضرت عیسی، آنان را  
میمون کرد».<sup>(۲)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- گروهی از بنی اسرائیل، مورد لعن پیامبران خود قرار گرفتند. ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾
- ۲- عصیان و تجاوز، انسان را به کفر می‌کشاند. ﴿كَفَرُوا... بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾
- ۳- انبیا، همیشه دعا نمی‌کنند، گاهی هم نفرین می‌کنند. ﴿لُعِنَ... عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ...﴾
- ۴- گناه و تجاوز، لعنت پیامبران را به دنبال دارد. ﴿لُعِنَ... بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾
- ۵- تجاوز و قانون‌شکنی، شیوه‌ی بنی اسرائیل است. ﴿كَانُوا يَعْتَدُونَ﴾

﴿۷۹﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

آنان یکدیگر را از کارهای زشتی که انجام می‌دادند باز نمی‌داشتند (و نهی  
از منکر نمی‌کردند). به راستی چه بد است آنچه انجام می‌دادند.

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر نورالثقلین و کافی، ج ۸، ص ۲۰۰.

**نکته‌ها:**

□ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «این دسته از بنی‌اسرائیل که خداوند از آنها در این آیه مذمت کرده است، کسانی بودند که در جلسات گناه وارد نمی‌شدند، لیکن در برخورد با گنهکاران با لبخند و انس برخورد می‌کردند».<sup>(۱)</sup>

□ در روایت دیگری از حضرت علی علیه السلام چنین آمده است: «چون بنی‌اسرائیل از ظالمان، منکر را می‌دیدند ولی به جهت منافی که از آنان می‌بردند، نهی از منکر نمی‌کردند، (تا منافعشان به خطر نیافتد و یا خطری متوجه آنان نشود) خداوند از آنان به بدی یاد کرده است».<sup>(۲)</sup>

**پیام‌ها:**

- ۱- کسی که نسبت به فساد، بی تفاوت باشد، ملعون انبیاست. ﴿لعن... لایتناهون﴾
- ۲- نهی از منکر، مخصوص دین اسلام نیست. ﴿کانوا لایتناهون﴾
- ۳- نهی از منکر، یک وظیفه‌ی همگانی و عمومی است. ﴿لایتناهون﴾
- ۴- در جامعه‌ی بنی‌اسرائیل و یهود، فساد رواج داشته است. ﴿منکر فعلوه﴾
- ۵- ترک امر به معروف، زمینه‌ساز کفر است. ﴿لعن الذین کفروا... کانوا لایتناهون...﴾

﴿ ۸۰ ﴾ تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

بسیاری از آنان (بنی‌اسرائیل) را می‌بینی که با کافران دوستی می‌ورزند، (و آنان را سرپرست خود می‌گیرند) چه اعمال بدی از پیش فرستادند (که در نتیجه)، خداوند بر آنان خشم نموده و همانان پیوسته و همیشه در عذاب خواهند بود.

**نکته‌ها:**

□ در این آیه، یکی دیگر از دلایل نفرین شدن بنی‌اسرائیل بیان شده است که آنان با کافران،

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. وسائل، ج ۱۶، ص ۱۳۰.



طرح دوستی دائمی و آشکارا داشتند. (کلمه‌ی «تری» نشانگر آشکار بودن و کلمه‌ی «یتوئون» نشانگر دائمی بودن آن است)

□ امام باقر علیه السلام در توضیح این آیه فرمود: «این دسته کسانی بودند که: «یتوئون الملوك الجبارین و یزیتون لهم اهوائهم لیصیبوا من دنیاهم» جبّاران را دوست داشتند و اعمال هوس‌آلود آنان را در نظرشان زیبا جلوه می‌دادند تا از دنیایشان بهره گیرند».<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- دوستی با کفّار، عامل خشم و غضب الهی است. ﴿یتوئون الذین کفروا... سخط الله علیهم﴾
- ۲- اهل کتاب، سلطه و دوستی کافران را می‌پذیرفتند؛ ولی با مسلمانان کنار نمی‌آمدند. ﴿یتوئون الذین کفروا﴾
- ۳- خداوند، حتی برای اهل کتاب استقلال می‌خواهد و وابستگی و ولایت‌پذیری از مشرکان را مورد مذمت قرار می‌دهد. ﴿تری کثیراً منهم یتوئون﴾
- ۴- یکی از منکرات مهمی که در بنی اسرائیل از آن نهی نمی‌شد، رابطه‌ی ولّائی با کفّار (ومشرکان مکّه) بود. ﴿لا یتناهون عن منکر فعلوه... تری﴾
- ۵- هر گناه، مقدمه‌ی انجام گناهان بزرگتر می‌شود. (در آیات قبل سه گناه ﴿عصوا... یعتدون... لا یتناهون﴾ مطرح شد و اینها مقدمه‌ی قبول سلطه‌ی کفّار می‌شود. ﴿تری... یتوئون﴾

---

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿ ۸۱ ﴾ وَ لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَ النَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا  
اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

و اگر به خداوند و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان می‌آوردند، هرگز آنان  
(کافران) را (سرپرست و) دوست خود نمی‌گرفتند، ولی بسیاری از آنان فاسقند.

### نکته‌ها:

□ در معنای این آیه، چند احتمال داده‌اند، از جمله:

- الف: اگر یهودیان مسلمان می‌شدند، کفار را ولی خود قرار نمی‌دادند.<sup>(۱)</sup>  
ب: اگر یهود، به موسی عليه السلام و تورات ایمان داشتند، هرگز مشرکان را ولی خود نمی‌گرفتند.<sup>(۲)</sup>  
ج: اگر کفار و مشرکان مسلمان می‌شدند، یهود آنان را دوست خود انتخاب نمی‌کرد.<sup>(۳)</sup>  
ظاهر آیه با توجه به آیات قبل، احتمال اول را تقویت می‌کند.

### پیام‌ها:

- ۱- ایمان آوردن اهل کتاب، چنان بعید است که به یک آرزو می‌ماند. ﴿لو كانوا يؤمنون...﴾ (کلمه ی «لو» در موردی به کاری می‌رود که کار نشدنی باشد، مانند پیرمردی که بگوید: اگر جوان می‌شدم!)
- ۲- کسی که به خدا و پیامبر ایمان قلبی داشته باشد، حاضر نیست ولایت غیر الهی را بپذیرد. ﴿لو كانوا يؤمنون... ما اتخذوهم أولياء﴾ (راه رسیدن به استقلال واقعی و رهائی از سلطه‌ی کفار، ایمان است)
- ۳- فسق و بی‌ایمانی، سبب پذیرش سلطه کفار است. ﴿لو كانوا... ما اتخذوهم أولياء﴾
- ۴- ایمان، با ولایت کفار سازگار نیست. سلطه‌پذیر سازشکار، بی‌دین و فاسق است. ﴿لو كانوا يؤمنون... ولكن كثيرا منهم فاسقون﴾
- ۵- فسق، با ایمان در تعارض است. ﴿لو كانوا يؤمنون... ولكن... فاسقون﴾

۱. تفسیر نمونه.

۲. تفسیر روح المعانی.

۳. تفسیر نمونه.

## جزء ﴿۷﴾

﴿۸۲﴾ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا  
وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى  
ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

قطعاً سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی نسبت به اهل ایمان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت، و نزدیک‌ترینشان را از نظر دوستی با مؤمنان، کسانی خواهی یافت که می‌گویند: ما نصرانی هستیم. این (دوستی) به آن جهت است که برخی از آنان کشیشان و راهبانند و آنان تکبر نمی‌ورزند.

## نکته‌ها:

- «قِيسِيَس» به معنای کشیش است و به عالمان دینی که عهده‌دار ریاست مذهبی مسیحیان هستند، گفته می‌شود. و «رُهْبَان» به معنی ترسا به عابدان مسیحی گفته می‌شود.
- شأن نزول این آیه تا آیه ی ۸۵، خوشرفتاری نجاشی، پادشاه حبشه و مسیحیان آن کشور را با مسلمانان مهاجری گفته‌اند که به ریاست جعفر بن ابی‌طالب علیه السلام در سال پنجم بعثت از مکه به آن دیار هجرت کردند و در حمایت نجاشی، از تعرض مشرکان و فرستادگانشان به حبشه مصون ماندند. در همان حال که یهودیان مدینه با دیدن معجزات و اخلاق والای پیامبر، ایمان نمی‌آوردند و در توطئه‌ها علیه مسلمانان شرکت می‌کردند، پیمان می‌شکستند و فتنه بر می‌انگیختند، روحانیون مسیحی در حبشه، با شنیدن آیات سوره‌ی مریم، گریستند و از مسلمانان جانبداری کردند.<sup>(۱)</sup>
- امام صادق علیه السلام پس از تلاوت این آیه فرمود: «أولئك كانوا قوما بين عيسى و محمد و ينتظرون محمد صلوات الله عليه» این علمای مسیحی و راهبان گروهی بودند که در زمانی میان حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلوات الله عليه زندگی می‌کردند و منتظر آمدن پیامبر اسلام بودند.<sup>(۲)</sup>

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. تفاسیر نورالثقلین و عیاشی.

## پیام‌ها:

- ۱- دشمنی یهود با مسلمانان، تاریخی و ریشه‌دار است. ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عداوةً...﴾  
اليهود ﴿﴾
- ۲- با دشمنان اسلام و غیر مسلمانان، باید با هر یک برخوردی مناسب با رفتار خودشان شود. ﴿أَشَدَّ النَّاسِ عداوةً... أَقْرَبَهُمْ مودةً﴾ ﴿﴾
- ۳- دوستان و دشمنان خود را همراه با تحلیل صحیح و عوامل روحی و اجتماعی آنان بشناسیم. ﴿أَشَدَّ النَّاسِ عداوةً... أَقْرَبَهُمْ مودةً...﴾ ﴿﴾
- ۴- زمینه‌های رشد در جامعه، سه چیز است: دانشمند بودن، خداترسی و نداشتن روحیه‌ی استکباری. ﴿قَسَّيْسِينَ وَ رَهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ ﴿﴾
- ۵- عالمان دینی و عابدان خداترس در اصلاح عقائد و اخلاق جامعه، نقش مؤثر دارند. ﴿ذَلِكَ بَانَ مِنْهُمْ قَسَّيْسِينَ وَ رَهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ ﴿﴾
- ۶- اگر علم و عبادت و اخلاق به هم پیوند خورد، انسان حق‌گرا می‌شود و تعصب را کنار می‌گذارد. ﴿ذَلِكَ بَانَ مِنْهُمْ قَسَّيْسِينَ وَ رَهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ ﴿﴾
- ۷- اسلام تعصب نابجا ندارد و از علمای سایر ادیان که خدا ترس و با انصاف باشند، منصفانه تمجید می‌کند. ﴿ذَلِكَ بَانَ مِنْهُمْ قَسَّيْسِينَ وَ رَهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ ﴿﴾
- ۸- تبلیغ اسلام در بین مسیحیان مؤثرتر است. ﴿أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ ﴿﴾  
(با آنکه مسیحیان، عقیده‌ی انحرافی «تثلیث» دارند، ولی به خاطر روحیه‌ی سالم‌تر، آمادگی بیشتری برای حق‌پذیری دارند.)

﴿۸۳﴾ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

و (آن مسیحیان) هرگاه آیاتی را که بر پیامبر نازل شده می‌شنوند، می‌بینی که چشمانشان از این که حق را شناخته‌اند از اشک لبریز می‌شود و می‌گویند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس نام ما را در زمره‌ی گواهی‌دهندگان (به حق) بنویس.

### نکته‌ها:

□ نمونه‌ی اشک شوق مسیحیان، یکی هنگامی بود که جعفر بن ابی طالب علیه السلام آیات سوره‌ی «مریم» را در حبشه برای نجاشی خواند، یکی هم آنگاه که جمعی از مسیحیان همراه جعفر، به مدینه آمدند و آیات سوره‌ی «یس» را شنیدند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- نشان افراد دل‌آماده و متواضع آن است که به مجرد شنیدن حق، منقلب می‌شوند. (ولی ناهلان، با دیدن حق هم تکان نمی‌خورند.) «لا یستکبرون و اذا سمعوا... تفيض من الدمع... یقولون ربنا آمنا»
- ۲- اشک، اگر همراه معرفت باشد، نشانه‌ی کمال است. «تفيض من الدمع مما عرفوا»
- ۳- روح و فطرت انسان، شیفته‌ی حقیقت است و چون به معشوق رسید، اشک شوق می‌ریزد. «تفيض من الدمع»
- ۴- ایمان و اقرار باید بر اساس شناخت باشد. «مما عرفوا من الحق یقولون ربنا آمنا...»
- ۵- در دعا، از کلمه‌ی مقدس «ربنا» استمداد کنیم. «ربنا آمنا...»
- ۶- شناخت و معرفت، اشک و اعتراف به نواقص خود، نشانه‌ی رشد و تربیت

۱. تفسیر نمونه.

معنوی است. ﴿عرفوا... یقولون ربنا آمنا﴾

۷- دعا، در کنار اقرار و ایمان اثر دارد. ﴿آمنا فاکتینا﴾

۸- ایمان موقت کارساز نیست، باید دائمی، تثبیت شده و با حسن عاقبت همراه گردد. ﴿آمنا فاکتینا﴾

۹- ره صد ساله را یک شبه رفتن، ارزش است. شنیدن ﴿سمعوا﴾، شناختن ﴿عرفوا﴾، اقرار کردن ﴿آمنا﴾، ملحق شدن. ﴿مع الشاهدين﴾

﴿ ۸۴ ﴾ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا

رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

و (می‌گویند): چرا به خداوند و حقی که (از سوی او) برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ در حالی که امید داریم پروردگاران ما را همراه صالحان وارد (بهشت) سازد.

﴿ ۸۵ ﴾ فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

پس خداوند به پاس این سخن (و گواهی‌شان) به ایشان باغهایی که از پای (درختانش) نهرها جاری است پاداش داد، همواره در آن ماندگارند و این است پاداش نیکوکاران.

﴿ ۸۶ ﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل دوزخند.

**نکته‌ها:**

□ کسانی که پس از فهمیدن حق، شجاعانه و صریح وبا صداقت به آن اقرار کنند و از جوّ وهم کیشان نهراسند، از بهترین نیکوکارانند. چون هم به خود نیکی کرده و خویشان را از عذاب

دوزخ رهانده‌اند، هم با اقرارشان، راه را برای دیگران گشوده‌اند.

### پیام‌ها:

- ۱- بعد از شناخت حق، «مما عرفوا» هیچ عذری برای رد آن نیست. «و ما لنا...»
- ۲- هم نشینی با صالحان، آرمانی مقدس است. «مع القوم الصالحین»
- ۳- نشانه‌ی آرزوی صحیح، ایمان و اقدام عملی است. «و ما لنا لا نؤمن... و نطمع»
- ۴- ایمان به خداوند، از ایمان به وحی جدا نیست. «نؤمن بالله و ما جاءنا من الحق»
- ۵- پاداش ایمان، بهشت است. «ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین» (بنابر اینکه مفعول محذوف در «یدخلنا» کلمه «الجنة» باشد)
- ۶- یکی از راه‌های کمال، بازگشت به وجدان خویش و سؤال از خود است. «و ما لنا... فاثابهم الله بما قالوا» در آیه دیگر می‌خوانیم: «و ما لی لأعبد الذی فطرنی...»<sup>(۱)</sup>
- ۷- اقرار زبانی به توحید، رسالت پیامبر و حقایق قرآن، امری ضروری است. «فاثابهم الله بما قالوا...»

﴿۸۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید و از حد نگذرید که خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.

### نکته‌ها:

□ روزی رسول خدا ﷺ از قیامت و صحنه‌های محشر سخن می‌گفت. مردم چنان منقلب شده، گریستند که بعضی تصمیم گرفتند دیگر غذای خوب نخورند و آسایش را بر خود حرام سازند، روزه بگیرند، همسران خود را ترک کنند، شبها کمتر بخوابند و بر این تصمیم، سوگند

خوردند. پیامبر ﷺ که مطلع شد، مردم را در مسجد جمع کرد و فرمود: من غذا می‌خورم، شبها می‌خوابم و همسرانم را رها نمی‌کنم. دین ما آیین انزوا و رهبانیت نیست، رهبانیت امت من جهاد است، هر کس بر خلاف روش من برود مسلمان نیست.<sup>(۱)</sup>

برخی گفتند: نسبت به سوگندهایی که خوردیم چه کنیم؟ آیات بعدی نازل شد.

□ حرام دانستن حلال‌ها یا همراه با اعتقاد به حرمت است که بدعت و حرام می‌باشد و یا بدون عقیده به حرمت است که تنها خود بهره نمی‌گیرد که باز هم مورد نهی است.

□ مسلمان، تسلیم فرمان الهی است، نه حلال‌ها را از پیش خود حرام می‌سازد، نه نسبت به حرام‌ها چنین است.

### پیام‌ها:

- ۱- اهل ایمان باید از چیزهای پاکیزه و طیبات استفاده کنند. ﴿یا ایها الذین آمنوا﴾ به جای «یا ایها الناس»
- ۲- ایمان، با تغییر و دست بردن در احکام الهی سازگار نیست. ﴿یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا...﴾
- ۳- اسلام، آیین فطرت است و فطرت کشی ممنوع است. ﴿لا تحرموا طیبات﴾ (کلمه‌ی «طیب» در جایی بکار می‌رود که مطابق طبع و فطرت انسان باشد)
- ۴- خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها و لذایذ حلال، برای انسان آفریده شده است. ﴿لکم﴾
- ۵- ایمان، با افراط و تفریط سازگار نیست. ﴿یا ایها الذین آمنوا... لا تعتدوا...﴾
- ۶- در مکتب اسلام، انزوا، رهبانیت، افراط و تفریط ممنوع است. ﴿لا تحرموا طیبات... و لا تعتدوا﴾
- ۷- محروم کردن خود از طیبات، یک تعدی و تجاوز است. ﴿لا تعتدوا﴾
- ۸- در بهره‌گیری از حلال‌ها، اسراف و زیاده روی نکنیم. ﴿لا تعتدوا﴾

۱. وسائل، ج ۲۰، ص ۲۱.



۹- افراط و تفریط، سبب محروم شدن از محبت خداست. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾

﴿۸۸﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

و از آنچه خداوند، روزی حلال و پاکیزه به شما بخشیده بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید.

### نکته‌ها:

□ معمولاً فرمان «کلوا» در قرآن، همراه با دستور دیگری آمده است، مانند:

﴿كلوا... واشكروا﴾<sup>(۱)</sup> بخورید و شکر کنید.

﴿كلوا... ولا تطغوا﴾<sup>(۲)</sup> بخورید و طغیان نکنید.

﴿كلوا... واعملوا﴾<sup>(۳)</sup> بخورید و کار شایسته انجام دهید.

﴿كلوا... وأطعموا﴾<sup>(۴)</sup> بخورید و بخورانید.

﴿كلوا... ولا تسرفوا﴾<sup>(۵)</sup> بخورید و اسراف نکنید.

﴿كلوا... ولا تتبعوا خطوات الشيطان﴾<sup>(۶)</sup> بخورید و دنباله‌رو شیطان مباشید.

□ در حدیث آمده است: «خداوند، رزق مردم را از حلال معین کرده است. هر کس که به حرام روی آورد، از سهم حلال او کم خواهد شد».<sup>(۷)</sup>

### پیام‌ها:

۱- بهره‌گیری از امکانات مادی حلال با ایمان منافات ندارد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... و

﴿كلوا﴾

۲- در مسائل تغذیه دقت کنیم. ﴿حَلَالًا، طَيِّبًا، وَاتَّقُوا﴾ (هم شیوه‌ی کسب، حلال

۱. بقره، ۱۷۲. ۲. طه، ۸۱. ۳. مؤمنون، ۵۱.

۴. حج، ۲۸. ۵. اعراف، ۳۱. ۶. انعام، ۱۴۲.

۷. تفسیر اطیب البیان.

باشد و هم شیوهی مصرف آن)

۳- رزق همه به دست اوست، پس عجله و حرص و حرام خواری نداشته باشیم.

﴿رزقکم الله حلالا طیباً﴾

۴- تقوا، لازمه‌ی ایمان است. ﴿واتقوا الله الذی أنتم به مؤمنون﴾

﴿۸۹﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمْ  
الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ  
أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ  
أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ  
اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

خداوند، شما را به خاطر سوگندهای لغو و بیهوده بازخواست نمی‌کند، لیکن برای شکستن سوگندهایی که (از روی اراده) بسته‌اید، مؤاخذه می‌کند، پس کفاره آن (شکستن سوگند) طعام دادن به ده بینواست، از نوع متوسط آنچه به خانواده‌ی خود می‌خورانید، یا پوشاندن ده فقیر است، یا آزاد کردن برده‌ای. پس کسی که (غذا و لباس برای ده فقیر نداشت و برده‌ای) نیافت، سه روز روزه بگیرد. این کفاره‌ی سوگندهای شماسست، هرگاه که سوگند خوردید، (و آن را شکستید) و سوگندهایتان را مراقبت کنید، این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، تا او را شکر کنید.

### نکته‌ها:

□ سوگندهایی که بدون قصد و توجه یا بی‌هدف و از روی عادت یا در حال هیجان و غضب، یا بر پایه‌ی مطالب نادرست، یا برای انجام کارهای خلاف باشد، سوگندهای لغو است. اینها کفاره ندارد؛ ولی سوگندی که از روی قصد و برای کار مفید باشد، الزام‌آور است و باید طبق آن عمل کرد، وگرنه کفاره دارد.

- امام صادق علیه السلام در تفسیر واژه‌ی «لغو» در سوگند فرمود: گفتن «لا والله» و «بلی والله» بدون آنکه قصد جدی داشته باشد، سوگند لغو است.<sup>(۱)</sup>
- کلمه‌ی «اوسط» را برخی به بهترین نوع غذا تفسیر کرده‌اند. نظیر آیه‌ی سوره‌ی قلم که ﴿قال أوسطهم﴾ یعنی بهترین و برترینشان چنین گفت.
- لباس پوشاندن به محرومان که در کفاره‌ی قسم است، شامل هر نوع پوشش زمستانی، تابستانی، زنانه و مردانه می‌شود.
- یک آئین جهانی و همیشگی باید مقررات و مجازاتش قابل توسعه باشد، مثل آزادکردن برده، یا اطعام دادن فقیر، یا پوشاندن بینوا که در هر زمان برای هر فردی و در هر جا قابل عمل است.
- امام صادق علیه السلام فرمود: «بعضی بیش از ده سیر غذا می‌خورند و بعضی کمتر از ده سیر بنابراین حد وسط برای مقدار یک غذا را ده سیر (یک مُد) حساب کنید».<sup>(۲)</sup>
- امام کاظم علیه السلام در توضیح آیه‌ی فوق فرمود: «کسی که بیش از قوت عیال خود ندارد مصداق جمله ﴿لم یجد﴾ است».<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- برداشتن جریمه از سوگندهای بی‌هدف، یک تفضّل و لطف الهی است. ﴿لایؤاخذکم الله باللغو...﴾ (ما نیز برای جسارت‌هایی که مردم در حال عصبانیت به ما می‌کنند، حساب باز نکنیم)
- ۲- اسلام، دین آسان است و برای سوگندهای غیر جدی، کفاره قرار نداده است. ﴿لایؤاخذکم...﴾ (ملاک در گفته‌ها و کردارها قصد و نیت است)
- ۳- در اسلام، جریمه‌ی مالی هم وجود دارد. ﴿طعام...أو کسوتهم...﴾

۱. کافی، ج ۷، ص ۴۴۳ و تفسیر نورالثقلین.

۲. کافی، ج ۷، ص ۴۵۳ و تفسیر نورالثقلین.

۳. کافی، ج ۷، ص ۴۵۲ و تفسیر نورالثقلین.

- ۴- قوانین اسلام در مسیر فقرزدایی است و احکام فردی اسلام با مصالح جامعه هماهنگ است. (اطعام یا پوشاندن یا برده آزاد کردن) «فکفّارته اطعام عشرة مسکین...» ﴿
- ۵- میانه روی و عدالت، در همه جا حتّی در نوع جریمه، یک ارزش است. «من أوسط...» ﴿ (بنابر اینکه مراد از «اوسط» متوسط باشد نه بهترین)
- ۶- جریمه باید با وضع مالی افراد متناسب باشد. «ما تطعمون أهلیکم» ﴿
- ۷- انجام تکلیف منوط به توان و قدرت است. «فن لم یجد...» ﴿
- ۸- در جریمه و کفّاره، باید حد وسط زندگی روزمره و معمولی افراد را به حساب آورد، نه روزهای استثنایی. «من أوسط» ﴿ (بنابر اینکه مراد از «اوسط» متوسط باشد)
- ۹- در پرداخت کفّاره، روحیه و شخصیت فقرا را نشکنیم و آنان را مانند خانواده‌ی خود حساب کنیم. «تطعمون أهلیکم» ﴿
- ۱۰- جرأت سوگند شکنی خود را با سختی روزه یا پرداخت جریمه، جبران کنید. (پرداخت جریمه و کفّاره در اسلام، یک برنامه خودسازی است.) «فکفّارته...» ﴿
- ۱۱- اسلام از هر فرصتی برای آزادی بردگان استفاده کرده است. «تحریر رقبة» ﴿ (حتّی برای جبران و کفّاره‌ی برخی اعمال، دستور به آزادی برده داده است.)
- ۱۲- برای نام مقدّس خداوند، حریم قائل شویم. یا سوگند نخوریم، یا حتماً عمل کنیم یا با پرداخت کفّاره جبران کنیم. «واحفظوا ایمانکم» ﴿
- ۱۳- بعضی خیال نکنند که حقّ دارند هر لحظه قسم بخورند و جریمه بپردازند. «واحفظوا ایمانکم» ﴿ (ما در برابر سوگندهایمان مسئولیم)
- ۱۴- کسی که توان مالی ندارد، باید از توانایی جسمی خود مایه بگذارد. «فصیام ثلاثة أيام» ﴿
- ۱۵- باز بودن راه جبران کوتاهی‌ها، نعمتی الهی و شایسته سپاسگزاری است.

﴿ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِّإِيمَانِكُمْ... بَيِّنَاتٌ لِّاللهِ... لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

۱۶- عمل کردن به احکام، بهترین شکر است. ﴿لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (از این که به جای «بیّنات الله لکم آیاتہ لعلکم تعملون» فرمود: ﴿لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾، استفاده می شود که عمل کردن بهترین شکر است.)

﴿۹۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ

رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و ازکارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید، تا رستگار شوید.

#### نکته‌ها:

□ عرب، به شعر و شراب، علاقه‌ی شدید داشت، به همین جهت تحریم شراب به صورت تدریجی انجام گرفت. در ابتدا آیه آمد که از خرما و انگور می توان هم رزق خوب تهیه کرد، هم شرابی مست کننده،<sup>(۱)</sup> در آیه‌ای دیگر به منافع قمار و شراب و بیشتر بودن گناهِش از منافعش اشاره کرده است.<sup>(۲)</sup> بعد از مدتی آیه آمد که در حال مستی نماز نخوانید.<sup>(۳)</sup> سپس آیه‌ی فوق نازل شد و آن را پلید و عمل شیطانی دانست و دستور اجتناب از آن را صادر کرد.

□ «خمر»، به معنای پوشاندن با کلمه‌ی «خِمار» از یک ریشه است. به مقنعه‌ی زنان خِمار می‌گویند، چون موی سر را می‌پوشاند. شراب را هم خمر می‌گویند، چون عقل را می‌پوشاند.

□ «میسر» از «یُسِر»، به معنای آسانی است. چون در قمار، افراد بدون زحمت، پول به دست می‌آورند، به آن میسر گویند.

□ کلمه «انصاب» جمع «نُصِب»، به معنای سنگ‌هایی است که اطراف کعبه نصب و روی آن قربانی می‌کردند و به آنها تبرک می‌جستند.<sup>(۴)</sup> و یا مراد خود قربانی است که روی سنگ‌ها

۳. نساء، ۴۳.

۲. بقره، ۲۱۹.

۱. نحل، ۶۷.

۴. تفسیر المیزان.

ذبح می‌کردند. در حدیث می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ در معنای انصاب فرمود: چیزی است که مشرکان برای بت‌ها قربانی می‌کردند. «ما ذبحوه لآلهتهم»<sup>(۱)</sup>

□ «از لام»، نوعی قرعه‌کشی و قمار با چوب است که در جاهلیت رواج داشته.

□ امام باقر علیه السلام درباره‌ی خمر فرمود: «کل مسکر... اذا أضر فهو حرام»<sup>(۲)</sup> هر چیزی که انسان را مست کند، حرام است.

□ رسول خدا ﷺ فرمود: «قمار با هر وسیله‌ای که باشد، حتی گردو، حرام است»<sup>(۳)</sup>.

□ در حدیث آمده است: «شارب الخمر كعابد الوثن»<sup>(۴)</sup> شرابخور، مثل بت پرست است.

□ در شراب، هر نوع همکاری در تولید، توزیع و مصرف آن حرام است. امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت ده گروه را که به نحوی در شرابخواری مؤثرند، لعنت کرد: «غارسها و حارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و حاملها و المحمول الیه و بايعها و مشتریها و آكل ثمنها»<sup>(۵)</sup> آنکه نهال انگور را می‌کارد، آنکه به ثمر می‌رساند، سازنده، نوشنده، ساقی، حمل‌کننده، دریافت‌کننده، فروشنده و خریدار و هر کس که به نحوی از درآمد آن بهره‌مند می‌شود، ملعون است.

### پیام‌ها:

- ۱- ایمان، با شراب‌خواری و قماربازی سازگاری ندارد. «یا أيها الذین آمنوا إنما الخمر و المیسر... فاجتنبوه...»
- ۲- شراب و قمار، در ردیف بت‌پرستی است. «الخمر و المیسر و الانصاب» (بنابر این‌که مراد از انصاب، بت‌ها باشد)
- ۳- اسلام از پلیدی‌ها نهی می‌کند. «رجس... فاجتنبوه»
- ۴- خوردن لقمه‌ی حلال و پرهیز از حرام‌خواری، در سعادت و رستگاری انسان مؤثر است. «فاجتنبوه لعلکم تفلحون»

۳. کافی، ج ۵، ص ۱۲۳.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۲۳.

۵. تفسیر نورالثقلین.

۴. بحار، ج ۲۷، ص ۲۳۴.

﴿۹۱﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ  
وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟

### نکته‌ها:

□ با آن که طبق آمار می‌شود، بسیاری از قتل‌ها، جرائم، تصادفات، طلاق‌ها، امراض روانی، کلیوی و... ناشی از شراب است، اما قرآن در این آیه در بیان فلسفه‌ی تحریم، روی دو نکته تأکید دارد: یکی ضرر اجتماعی یعنی کینه و عداوت و دیگری ضرر معنوی یعنی غفلت از نماز و یاد خدا.

□ این آیه برجسته‌ترین اثر شراب و قمار را بازداشتن از یاد خدا و نماز دانسته است، اکنون جای این سؤال است که اگر کارهای عادی مثل: تجارت، ورزش، تحصیل و مطالعه و امثال آن نیز ما را سرگرم کرده و از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا مانند شراب و قمار است؟ آری، هرچه ما را از خدا غافل کند، مانند شراب و قمار، ناپسند است، گرچه اسلام به خاطر لطف و آسان گرفتن، آن را حرام نکرده باشد.

### پیام‌ها:

- ۱- هر کس که عامل کینه و عداوت در میان مردم شود، مانند شیطان است. ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ...﴾
- ۲- تحریکات شیطان دائمی است. ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ﴾
- ۳- جامعه‌ای که در آن عداوت باشد، شیطانی است. ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ...﴾
- ۴- از الفت و وحدت پاسداری کنیم و با هر آن چه آنها را از بین می‌برد، مبارزه کنیم. ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ﴾

- ۵- الفت و مهربانی بین اهل ایمان، مورد عنایت خاص خداوند است. ﴿أَمَّا يَرِيدَ الشَّيْطَانَ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ﴾
- ۶- قمار و شراب، ابزار کار شیطان برای ایجاد کینه و دشمنی است. ﴿أَمَّا يَرِيدَ الشَّيْطَانَ... فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ﴾
- ۷- نماز برترین سمبل یاد خداست. (با این که نماز ذکر خداست، نام آن جداگانه آمده است) ﴿عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ﴾
- ۸- بیان فلسفه احکام، یکی از عوامل تأثیر کلام در دیگران است. ﴿الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ... فَهَلْ أَنْتُمْ مَنْتَهُونَ﴾
- ۹- با تمام عواملی که باعث ایجاد کینه و دشمنی می شود، باید مبارزه کرد. ﴿يَرِيدَ الشَّيْطَانَ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ... فَهَلْ أَنْتُمْ مَنْتَهُونَ﴾
- ۱۰- در صدر اسلام برخی از مسلمانان، علی رغم تحریم شراب و قمار، باز بدان مشغول بودند، مورد توبیخ خداوند قرار گرفتند. ﴿فَهَلْ أَنْتُمْ مَنْتَهُونَ﴾

﴿۹۲﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا  
أَنَّمَا عَلَيَّ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و خدا را اطاعت کنید و پیامبر را فرمانبردار باشید و (از نافرمانی) بپرهیزید. پس اگر روی گردان شدید (و اطاعت نکردید) بدانید که وظیفه‌ی رسول ما تنها ابلاغ آشکار است.

### پیام‌ها:

- فرمان‌های حکومتی رسول خدا ﷺ همانند فرمان‌های الهی، اطاعتش واجب است. ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (تکرار کلمه‌ی «أَطِيعُوا»، نشانه‌ی دو نوع دستور می باشد؛ دستورات ثابت الهی و دستورات حکومتی پیامبر ﷺ)
- از خطر سرپیچی فرمان خدا و رسول بترسیم. ﴿واحذروا﴾



- ۳- انسان در انتخاب راه، آزاد است. ﴿فان تولىتم﴾
- ۴- با تخلف و روی گردانی، به کسی جز خود لطمه نمی زنیم. ﴿فان تولىتم... انما على رسولنا البلاغ المبين﴾
- ۵- شرط ابلاغ احکام الهی پذیرش مردم نیست، ما باید اتمام حجت کنیم. ﴿فان تولىتم... على رسولنا البلاغ المبين﴾
- ۶- وظیفه‌ی پیامبر، تنها ابلاغ رسالت است، نه اجبار و تحمیل. ﴿انما على رسولنا البلاغ المبين﴾

﴿۹۳﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا  
 إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ  
 اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در آنچه (قبل از  
 تحریم شراب) خورده‌اند باکی نیست، هر گاه که اهل پروا و ایمان و کارهای  
 شایسته باشند. سپس (از محرّمات) پرهیز نمایند (و به تحریم آن) ایمان آورند و  
 آنگاه (نیز از حرام) بپرهیزند و کار نیک کنند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

#### نکته‌ها:

- پس از نزول آیه‌ی تحریم شراب، بعضی از مسلمانان نسبت به کیفر شرابخواری کسانی که پیش از آن از دنیا رفته بودند پرسیدند، آیه‌ی فوق نازل شد.
- در این آیه، دوبار ایمان و عمل صالح، دو بار تقوا و ایمان و یک بار تقوا و احسان مطرح شده است. به گفته‌ی بعضی مفسران، چون موارد و مراحل و درجات ایمان و تقوا و عمل صالح متفاوت است، تکرار شده است.<sup>(۱)</sup> بعضی می‌گویند: تکرار، برای استمرار ایمان و تقوا

۱. تفسیر نمونه.

می‌باشد.<sup>(۱)</sup> و بعضی تکرار را برای تأکید دانسته‌اند، نظیر «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ. ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ»<sup>(۲)</sup>

□ تقوا، در امور مختلف زندگی انسان نقش دارد:

- در مصرف و رفتار. «طعموا اذا ما اتقوا»
- در مکتب و اعتقاد. «ثم اتقوا و آمنوا»
- در خدمت و اخلاق. «ثم اتقوا و أحسنوا»

### پیام‌ها:

- ۱- خلاف‌های پیشین مؤمنان به شرط عدم تکرار و رعایت تقوا در آینده، قابل عفو و بخشش است. «لیس... جناح... اذا ما اتقوا»
- ۲- اگر بعد از شنیدن حکم الهی باز هم گناه کنند خداوند بر گناهان قبلی هم مؤاخذه می‌کند. «لیس... جناح فیما طعموا اذا ما اتقوا»
- ۳- احسان و نیکوکاری، بالاترین مرحله‌ی کمال و سبب محبوبیت نزد خداوند است. کلمه‌ی «احسنوا» بعد از «آمنوا و عملوا... ثم اتقوا...» و به دنبال آن محبوبیت نزد خداوند مطرح شده است. «و الله یحبّ المحسنین»

﴿ ۹۴ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ  
 أَيْدِيكُمْ وَرِمَاكُمْ لِیَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَن أَعْتَدَىٰ بَعْدَ  
 ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خداوند شما را با چیزی از شکار که دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد می‌آزماید تا خداوند معلوم گرداند چه کسی در باطن از او بیم دارد (و تسلیم فرمان اوست و از شکار می‌گذرد) پس بعد از این هر که تجاوز کند، او را عذابی دردناک است.

۱. تفسیر قرطبی.

۲. نبأ، ۴ - ۵.

## نکته‌ها:

□ در ایام حج و حالت احرام، حاجی حق شکار ندارد. همان ایام گاهی شکار تا نزدیکی انسان می‌آید و می‌توان به راحتی به آن دست یافت، ولی آزمایش الهی به این است که دست به شکار نزنیم. در حدیث می‌خوانیم: در عمره‌ی خُدیبه حیوانات شکاری فراوانی برای مسلمانان ظاهر شدند که مسلمانان می‌توانستند به راحتی آنان را صید کنند.<sup>(۱)</sup>

□ در قرآن، مسأله‌ی شکم و غذا، به عنوان یکی از اسباب آزمایش الهی مطرح شده است، به نمونه‌های زیر توجه کنید:

الف: آدم و حوا در مسأله‌ی غذا شکست خوردند. ﴿لَاتَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾<sup>(۲)</sup>

ب: بنی‌اسرائیل در تحریم صید ماهی در روزهای شنبه‌ها، شکست خوردند. ﴿وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ﴾<sup>(۳)</sup>

ج: یکی از فرماندهان بنی‌اسرائیل هنگام عبور سربازانش از یک منطقه و رسیدن به نهر، فرمان داد که از آب آن ننوشند، ولی یارانش جز اندکی، خوردند. ﴿فَشْرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا﴾<sup>(۴)</sup>

د: روزه گرفتن، یک آزمایش بزرگ است.

ه: نزدیک شدن شکار به حجاج در حالت احرام که حق صید ندارند، خود یک آزمایش است. ﴿تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ﴾

□ سؤال: انسان که چیزی را آزمایش می‌کند، برای اطلاع و علم است، اما خداوند که همه چیز را می‌داند چرا آزمایش می‌کند؟

پاسخ: حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: آزمایشات الهی برای آن است تا انسان در برابر حوادث تلخ و شیرین عکس‌العمل نشان دهد و در برابر آن، استحقاق کیفر یا پاداش داشته باشد.<sup>(۵)</sup> آری، خداوند بر اساس عمل، کیفر و پاداش می‌دهد نه بر اساس علم خود، همان گونه که ما نیز به خاطر علم به هنر و کارایی فردی به او پاداش نمی‌دهیم، بلکه باید برای ما کاری از خود نشان دهد تا مزد بگیرد.

۱. تفسیر نورالثقلین و کافی، ج ۴، ص ۳۹۶.

۲. بقره، ۳۵.

۴. بقره، ۲۴۹.

۵. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳. بقره، ۶۵.

□ سؤال: آیا مهمان و زائر خانه خدا، به خاطر شکار حیوانی باید به عذاب دردناک گرفتار شود؟ پاسخ: خود شکار کردن، عذاب دردناک ندارد، بلکه عذاب به خاطر شکستن قداست حرم و احرام و قانون شکنی اوست. ﴿مَنْ اَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

## پیام‌ها:

- ۱- آزمایش مؤمنان، یک سنت قطعی پروردگار است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَلُوْنَكُمْ﴾ (حرف «لام» و فعل مضارع و نون تأکید، نشانه‌ی قطعی بودن است)
- ۲- خدا ترسی آنجا آشکار می‌شود که زمینه‌ی گناه فراهم باشد و انسان خطا نکند. ﴿تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ﴾
- ۳- نعمت‌های در دسترس، وسیله‌ی آزمایشند. ﴿لِيَلُوْنَكُمْ اللَّهُ بَشِيءًا... تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ﴾
- ۴- هر چیزی که دست ما به آن می‌رسد، رزق و حلال نیست. ﴿تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ﴾
- ۵- ملاک تقوا، خوف باطنی است، نه تنها حیای ظاهری. ﴿يَخَافَهُ بِالْغَيْبِ﴾
- ۶- تکلیف و مسئولیت، بعد از ابلاغ است. ﴿بَعْدَ ذَلِكَ﴾
- ۷- حاجی که فرسنگ‌ها در بیابان‌ها به عشق حق می‌رود، گاهی یک شکار کوچک او را از پا در می‌آورد و به نافرمانی می‌کشد که نتیجه‌ی آن عذاب الهی است. ﴿مَنْ اَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

﴿۹۵﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدِيًّا بِأَلْفِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال احرام، شکار را نکشید، و هر کس از شما به عمد، شکاری را بکشد، کیفر و کفاره‌اش کشتن نظیر آن حیوان از چهارپایان است که (به این نظیر بودن) دو شاهد عادل از میان خودتان حکم کنند. (این حیوان قربانی) هدیه‌ای است که به کعبه برسد (و آنجا ذبح شود) یا (به جای قربانی) برای جبران آن (به شصت) فقیر طعام بدهد یا برابر آن روزه بگیرد. (این کفاره‌های سه‌گانه) برای آن است که جزای کار خود را بچشد. خداوند از گذشته‌ی شما (که قانون کفاره نیامده بود) گذشت و هر کس این کار را تکرار کند، خداوند از او انتقام می‌گیرد، و خداوند، شکست‌ناپذیر و انتقام‌گیرنده است.

### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «حُرْم» به معنای کسی است که برای حج یا عمره، مُحْرَم شده است.
- کلمه‌ی «نَعْم» که جمع آن «أَنْعَام» است، به شتر، گاو و گوسفند گفته می‌شود.
- کلمه‌ی «مَسْکِن» از «سکن»، به کسی گفته می‌شود که به خاطر تهی‌دستی و فقر، از مسکن خود خارج نمی‌شود و به اصطلاح فقر او را از پا در آورده و خانه‌نشین کرده است.
- امام صادق علیه السلام فرمود: «کفاره‌ی شترمرغ، شتر و کفاره‌ی الاغ وحشی، گاو و کفاره‌ی آهو، گوسفند و کفاره‌ی گاو وحشی، گاو اهلی است».<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- امنیت در حال احرام، حتی برای حیوانات نیز باید حفظ شود. ﴿لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ﴾
- ۲- فلسفه‌ی حلال و حرام بودن، همیشه ذاتی و مربوط به خود موارد نیست، بلکه

۱. تهذیب ج ۵، ص ۳۴۱. نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳. برای توضیح بیشتر در مورد کفاره‌ی شکار و احکام و خصوصیات آن، به کتب فقهی و توضیح المسائل مراجعه شود.

- گاهی به اقتضای شرایط زمانی و مکانی است، پس زمان و مکان، تاریخ و جغرافیا، در حکم الهی تأثیر دارد. ﴿وَأَنْتُمْ حُرْمٌ﴾
- ۳- اسلام برای حالات خاص، دستورات ویژه‌ای دارد. ﴿وَأَنْتُمْ حُرْمٌ﴾
- ۴- قوانین اسلام برای همه است. ﴿وَمَنْ قَتَلَ مِنْكُمْ﴾
- ۵- خطرناکتر از خود تخلف (عمل خلاف)، انگیزه و هدف و سوء قصد آگاهانه است. ﴿مَنْ قَتَلَ مِنْكُمْ مَتَعَمَّداً﴾
- ۶- کیفر، باید عادلانه باشد. ﴿مِثْلَ مَا قَتَلَ﴾
- ۷- اسلام به هر مناسبتی به مسئله‌ی گرسنگان و فقرزدایی توجه دارد. ﴿طَعَامٌ مَسْكِينٍ﴾
- ۸- حیواناتی که در مکه ذبح می‌شوند، هدیه هستند. ﴿هَدِيًّا بَالِغَ الْكَعْبَةِ﴾
- ۹- دست مجرم را در انتخاب نوع جریمه (قربانی، اطعام، روزه) باز بگذاریم و شرایط مالی و توان جسمی او را نادیده نگیریم. ﴿فَجَزَاءٌ مِثْلَ مَا قَتَلَ... او عدل ذلك صياماً﴾
- ۱۰- کیفر قانون‌شکنی به قدری سنگین است که اطعام شصت فقیر یا گرفتن شصت روزه تنها گوشه‌ای از آن است، نه تمام آن. ﴿لِيَذُوقَ﴾
- ۱۱- اجرای قوانین، پس از ابلاغ رسمی آنهاست. ﴿عَفَى اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ﴾ قانون موارد قبلی را شامل نمی‌شود.
- ۱۲- در تکرار شکار، علاوه بر جریمه، انتقام و قهر الهی نیز وجود دارد. ﴿وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ﴾
- ۱۳- اصرار بر گناه و تکرار آن، بسیار خطرناک و عقوبت سختی در پی دارد. ﴿وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾
- ۱۴- تهدیدات الهی را جدی بگیریم. ﴿فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ... عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾

﴿۹۶﴾ أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعاً لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرماً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

(البته) شکار دریا و خوراک آن برای شما حلال شد و توشه‌ای برای شما و کاروانیان است، ولی تا وقتی مُحرَم هستید، صید صحرایی بر شما حرام است. و از خداوندی که به سوی او محشور می‌شوید، پروا کنید.

### نکته‌ها:

□ تفسیر مجمع‌البیان و برخی تفاسیر دیگر و کتب فقهی، از این آیه استفاده کرده‌اند که در حال احرام، صید حیوانات دریایی و مصرف آن حلال است، اما حیوانات صحرایی، شکار و مصرفشان حرام است.

البته مراد از حیوان دریایی، آبزیان و حیواناتی است که در آب زندگی می‌کنند، گرچه در رودخانه باشد.

□ امام صادق علیه السلام درباره‌ی «وطعامه متاعاً لكم و للسَّيَّارَةِ» فرمودند: «مقصود ماهی نمک‌زده‌ای است که می‌خورند».<sup>(۱)</sup> (که برای مدت طولانی و در سفرها به وسیله‌ی نمک زدن مانع فاسد شدن آن می‌شدند).

### پیام‌ها:

- ۱- برای افراد محرم، همه‌ی راه‌ها بسته نیست. (خداوند در کنار منع شکار صحرایی، شکار دریایی را جایز دانسته است.) ﴿احل... حرم﴾
- ۲- شکار آنگاه حلال است که برای تغذیه باشد، نه تفریح و لغو. ﴿متاعاً لكم﴾
- ۳- فرآورده‌های دریایی و منافع آن، تنها مخصوص ساحل‌نشینان نیست. ﴿متاعاً لكم و للسَّيَّارَةِ﴾
- ۴- ساحل‌نشینان، در بهره‌گیری از دریا اولویت دارند. ﴿لكم و للسَّيَّارَةِ﴾ (کلمه‌ی

۱. کافی، ج ۴، ص ۳۹۲.

«لکم» قبل از کلمه‌ی «اللسیارة» آمده است)

۵- صید حیوانات صحرائی یا خوردن آن در حال احرام، بی تقوایی است. ﴿حَرَّمَ

عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دَمْتُمْ حَرَمًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾

۶- به متخلفان باید هشدار داد. ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾

۷- ایمان به قیامت و محاسبه‌ی اعمال، عامل بازدارنده‌ی از گناه است. ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ

الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾

﴿ ۹۷﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ

الْهُدَىٰ وَالْقَلَادِئَ ذَلِكُمْ لِيَتَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا

فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خداوند، کعبه‌ی بیت‌الحرام را وسیله‌ی سامان‌بخشی و قوام مردم قرار

داده و نیز ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و نشان‌دار را (وسیله‌ی برپایی

مردم قرار داده است) این برای آن است که بدانید خداوند آنچه (از اسرار)

در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و خداوند به هر چیز آگاه است.

#### نکته‌ها:

- «قیام»، وسیله‌ی پایدار بودن است، مانند ستون ساختمان و عمود خیمه.<sup>(۱)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمود: خانه‌ی خدا را بیت‌الحرام می‌نامند، به خاطر آن که ورود کفار به آنجا حرام است.<sup>(۲)</sup>
- «هدی»، قربانی بی‌نشان است و «قلائد»، قربانی‌های نشاندار.
- مرکزیت، امنیت، قداست، عبادت، قدمت، وحدت، سیاست و برائت، معرفت، سادگی، صفا، خلوص، دوری از جدال، شهوت و فسوق در حج است.
- ماههای حرام عبارتند از: رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم که جنگ در آنها ممنوع است.

۱. مفردات راغب.

۲. تفسیر نورالثقلین.



□ اجتماع میلیونی مسلمانان در مکه، بدون تشریفات و امتیازات و بدون جدال لفظی و نزاع عملی در مکانی مقدّس، از امتیازات اسلام است و اگر منافع گوناگونی که در پرتو مراسم حج حاصل می‌شود از قبیل: حلالیت طلبیدن هنگام رفتن، دید و بازدید، رونق تجاری، پرداخت خمس و زکات، آشنایی با معارف و امت‌ها، قرار گرفتن در قدیمی‌ترین مرکز توحید، هم‌ناله شدن با انبیا و پا جای پای آنها قرار دادن، توبه کردن در صحرای عرفات و مشعر، به یاد قیامت افتادن، مانور سیاسی و برائت از کفار و سایر برکات را در نظر بگیریم، می‌فهمیم که این برنامه‌های حج برخاسته از علم بی‌نهایت خدایی است که بر همه چیز هستی آگاه است و هرگز علم محدود نمی‌تواند دستوری به این جامعیت و جذّابیت صادر کند.

## پیام‌ها:

- ۱- حج، مایه‌ی ثبات و قوام است. ﴿قیاماً للنّاس﴾
- ۲- سامان‌بخشی امور، نیاز به تجمّع، وحدت، عبادت، احترام و حرمت، ﴿بیت‌الحرام﴾ و آرامش و امنیّت ﴿الشّهر الحرام﴾، و کارهای پنهان و بی‌نشان و با نشان ﴿الهدی و القلائد﴾ و تأمین غذای مورد نیاز دارد. ﴿قیاماً للنّاس﴾
- ۳- کسی حقّ قانونگذاری دارد که از تمام هستی آگاه باشد. ﴿یعلم ما فی السّموات و ما فی الارض﴾
- ۴- مسجد و مسلخ، وسیله‌ی قوام دین و دنیای مردم است. ﴿الکعبه... الهدی و القلائد﴾ امام صادق علیه السلام فرمود: «جَعَلَهَا اللهُ لِدِينِهِمْ وَمَعِيشَتِهِمْ»<sup>(۱)</sup>
- ۵- حجّی که سبب قوام جامعه نباشد حج واقعی نیست. ﴿الکعبه... قیاماً للنّاس﴾
- ۶- اگر جامعه‌ی ثبات داشته باشد، زمینه‌ی خداشناسی در آن رشد می‌کند. ﴿قیاماً... لتعلموا ان الله...﴾

---

۱. تفسیر برهان.

﴿ ۹۸ ﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بدانید که خداوند، سخت کیفر است، و همانا خداوند آمرزنده مهربان است.

﴿ ۹۹ ﴾ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

بر پیامبر، جز ابلاغ (احکام الهی) نیست و خداوند، آنچه را آشکار یا کتمان

می‌کنید می‌داند.

### نکته‌ها:

□ اگر این آیه را در ادامه‌ی آیه‌ی قبل بدانیم، می‌توان گفت که شکستن احترام کعبه و ماه‌های حرام و مخالفت با قربانی واحکام حج و بی‌هدف پنداشتن مناسک حج، عقابی شدید به دنبال دارد، چنانکه احترام به کعبه و ماه‌های حرام و قربانی کردن و مناسک حج، مغفرت و رحمت الهی را به دنبال دارد. (البته می‌توان آیه را به طور مستقل و بدون نظر به آیه‌ی قبل معنا کرد که همان ترجمه می‌شود).

### پیام‌ها:

- ۱- تشویق و تهدید باید در کنار هم باشد. ﴿شدیدالعقاب، غفور رحیم﴾ (انسان باید میان بیم و امید باشد و به خاطر خلاف یا شکستن حرمت کعبه به کلی مأیوس نشود و به خاطر رفتار و کردار خوب نیز مغرور نشود)
- ۲- وظیفه‌ی پیامبر، تنها ابلاغ دین است، نه اجبار و تحمیل کردن آن. ﴿ما علی الرسول الا البلاغ﴾
- ۳- استقبال مردم به دین یا اعراض از آن، ضرری به پیامبر نمی‌زند. ﴿ما علی الرسول الا البلاغ﴾ چنانکه در آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی آل عمران می‌خوانیم: ﴿و ان تولوا فاما عليك البلاغ﴾
- ۴- چون علم الهی فراگیر است، پس کتمان یا آشکار سازی، نزد او یکسان است. ﴿يعلم ما تبذون و ما تكتمون...﴾

﴿ ۱۰۰ ﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

(به مردم) بگو: پلید و پاک، یکسان نیست، گرچه عدد ناپاکان تو را به تعجب وادارد. پس ای صاحبان خرد! از خدا پروا کنید، باشد که شما رستگار شوید.

### نکته‌ها:

□ طیب و خبیث، شامل هر نوع پاکی و پلیدی در انسان‌ها، اموال، درآمدها، غذاها و اشیای گوناگون می‌شود.

### پیام‌ها:

- ۱- ملاک در ارزش‌ها، حق و باطل است، نه کثرت و قلت. ﴿لواعجبك كثرة الخبيث﴾
- ۲- «اکثریت» و فراوانی، فریب دهنده است، مواظب باشیم. ﴿اعجبك﴾ (اکثریت، نه نشانه‌ی حقایق است و نه نشانه‌ی برتری)
- ۳- منطلق «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو» قرآنی نیست. ﴿و لواعجبك كثرة الخبيث﴾
- ۴- بی‌تقوایی، نشانه‌ی بی‌خردی است. ﴿فاتقوا الله يا اولي الالباب﴾
- ۵- شناخت پاک از ناپاک و تقوا داشتن و تسلیم موج و هیاهوی جمعیت نشدن، تنها کار خردمندان است. ﴿فاتقوا الله يا اولي الالباب﴾
- ۶- رستگاری علاوه بر عقل و خرد، به تقوای الهی نیاز دارد. ﴿فاتقوا الله يا اولي الالباب لعلكم تفلحون﴾

﴿ ۱۰۱ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ وَ  
 إِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَّ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ  
 غَفُورٌ حَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از اموری که اگر برایتان آشکار شود ناراحتتان می‌کند نپرسید، و اگر هنگام نزول قرآن از آنها سؤال کنید، برایتان روشن می‌شود. خداوند از سؤال‌های نابجای شما گذشت و خداوند آمرزنده‌ای بردبار است.

﴿ ۱۰۲ ﴾ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

همانا (از این گونه سؤالها) گروهی از پیشینیان نیز پرسیدند (و چون طاقت عمل نداشتند) نسبت به آن منکر و کافر شدند.

#### نکته‌ها:

□ پیامبر اکرم ﷺ با مردم درباره‌ی حج سخن می‌گفت. کسی پرسید: آیا حج، همه ساله واجب است یا در تمام عمر تنها یکبار؟ پیامبر پاسخ نداد. او چند بار پرسید، رسول خدا فرمود: این همه اصرار برای چیست؟ اگر بگوییم: «هر سال، کار بر شما سخت می‌شود»، تا موضوعی را مطرح نکرده‌ام، شما هم نپرسید: «یکی از عوامل هلاکت امت‌های پیشین سؤال‌های نابجای آنان بود».<sup>(۱)</sup>

□ گرچه آنچه را نمی‌دانیم، باید از اهلش بی‌رسیم، «فاسئلوا أهل الذکر ان کنتم لاتعلمون»<sup>(۲)</sup>، اما برخی سؤال‌هاست که اگر جوابش روشن شود، به زیان فرد یا جامعه است، مثل سؤال از عیوب دیگران، یا اسرار نظامی.

## نمونه‌ها و مصادیق

- \* مسئولان، بعضی از مطالبی را که می‌دانند، نباید در اختیار عموم بگذارند. نظیر مسائل اقتصادی، مانند: کمبود گندم و ... .
- \* صداقت خوب است؛ ولی صراحت، همه جا مفید نیست.
- \* اخبار و اطلاعات، باید رده‌بندی و طبقه‌بندی شود. (جابر جُعی، هزاران حدیث از امام باقر علیه السلام می‌دانست که حق گفتن آن را برای همه مردم نداشت.<sup>(۱)</sup>)
- \* برخی از اخبار، نباید از رسانه‌ها و جراید، پخش شود، چون به زیان مردم است (گاهی سکوت، عاقلانه لازم است) ﴿ان تبدلکم تسؤکم﴾
- \* معلّمان و گویندگان باید، ظرفیت شنوندگان را در نظر داشته باشند.
- \* در برخی موارد، باید به شیوه‌ی تقیه، عقاید را کتمان کرد و برخی سؤال‌ها را جواب نداد. ﴿ان تبدلکم تسؤکم﴾
- \* انسان حق ندارد اسرار مردم و اسرار نظامی را فاش سازد.

## پیام‌ها:

- ۱- دانستن هر چیزی، نه لازم است و نه مفید، بلکه باید سراغ دانش‌های مفید رفت. ﴿لا تسألوا﴾ (حس کنجکاوی باید تعدیل شود و نباید در پی اطلاعاتی رفت که سبب ایجاد کدورت، مشکلات و اختلال در نظام جامعه می‌شود).
- ۲- مکلف نساختن مردم به پاره‌ای از احکام، پرتوی از عفو و گذشت الهی است. ﴿لا تسألوا... عفی الله عنها﴾
- ۳- خداوند به بندگان مهلت توبه می‌دهد. ﴿غفور حلیم﴾
- ۴- اگر مردم ظرفیت نداشته باشند، بیان پاره‌ای از حقایق، سبب کفر آنها می‌شود. ﴿قد سألها قوم من قبلکم ثم أصبحوا بها کافرین﴾

---

۱. معجم رجال‌الحدیث، ج ۴، ص ۲۲.

﴿ ۱۰۳ ﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ  
الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

خداوند، درباره‌ی هیچ بحیره (حیوان گوش شکافته) و هیچ سائبه (حیوانی که به خاطر زاد و ولد زیاد او را آزاد کرده‌اند) و هیچ وصیله (حیوان نری که متصل به ماده، دو قلو به دنیا آمده باشد) و هیچ حام (شتر نری که ده بار برای جفت‌گیری از آن استفاده شده باشد) حکمی نکرده است (و شما را از استفاده‌ی گوشت و بارکشی آن منع نفرموده و این ممنوعیت‌ها خرافات زمان جاهلی است)، ولی کافران بر خدا دروغ می‌بندند و بیشتر آنان اهل تعقل نیستند.

#### نکته‌ها:

- قرب به خداوند باید از راه‌های صحیح و معقول باشد. با هر نذری یا از هر راهی نمی‌توان به خدا نزدیک شد.
- مردم جاهلی می‌پنداشتند با رها کردن حیوانات یاد شده، به خدا یا بتان نزدیک می‌شوند. نظیر این احترام به حیوانات را هنوز در کشور هند درباره‌ی گاو مشاهده می‌کنیم.
- رها کردن و بلا استفاده گذاردن حیوان جایز نیست، چه رسد به رها شدن انسان.
- در روایت آمده است: «بحیره» به شتری می‌گویند که پنج شکم زاییده باشد، اگر پنجمی ماده بود، گوشش را چاک می‌زدند و خوردن گوشت آن را حرام می‌دانستند.<sup>(۱)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمود: «در زمان جاهلیت اگر شتر دو قلو می‌زایید می‌گفتند: «وصیله» و ذبح و خوردن گوشت آن شتر را حرام می‌دانستند و اگر شتر ده شکم می‌زایید می‌گفتند: «سائبه» است و در این صورت سوار شدن و خوردنش را حرام می‌دانستند و «حام»، شتری بود که به عنوان «فحل» از آن استفاده می‌کردند که ذبح آن را نیز حلال نمی‌دانستند.<sup>(۲)</sup>

۱. وسائل، ج ۲۵، ص ۶۱. ۲. وسائل، ج ۲۵، ص ۶۱.

## پیام‌ها:

- ۱- دین را باید از خرافات و بدعت‌ها پاک نمود. ﴿ما جعل الله﴾
- ۲- تا از سوی خدا، قانونی نسبت به تحریم حیوانات وضع نشده، اصل حلال بودن آنهاست. ﴿ما جعل الله﴾
- ۳- انتساب اتلاف مال و رها کردن حیوان نوعی افترا به خدا و حرام است. ﴿یفترون علی الله الکذب﴾
- ۴- ریشه‌ی احکام الهی مصالح واقعی است، امّا خرافات، ریشه در جهل و بی‌عقلی دارد. ﴿لا یعقلون﴾
- ۵- اگر اکثریت جامعه اهل تعقل باشند، بدعت‌ها رشد نمی‌کند. ﴿اکثرهم لا یعقلون﴾

﴿۱۰۴﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا  
حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ  
شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

و هرگاه به آنان گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیاوید، گویند: آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و (به حق) هدایت نشده بودند (و بیراهه می‌رفتند، باید راه آنان را ادامه دهند؟)

## نکته‌ها:

- شاید آیه مربوط به خرافه‌هایی باشد که در آیه‌ی قبل آمده بود که هرگاه به آنان گفته شود دست از این خرافات بردارید می‌گویند: ﴿وجدنا علیه آبائنا﴾

## پیام‌ها:

- ۱- قرآن، مردم را به پیروی از دستورات خدا و رسول فرامی‌خواند. ﴿تعالوا الی...﴾

- ۲- پذیرفتن دعوت اسلام، سبب تعالی و رشد است. (کلمه «تَعَالُوا» به معنای حرکت به سمت عُلُوّ و رشد است)
- ۳- اصل، فرهنگ الهی است، نه فرهنگ پیشینیان. ﴿مَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾
- ۴- قرآن به تنهایی کافی نیست، سنّت و سیره و حکومت رسول الله هم ملاک عمل است. ﴿تَعَالُوا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ﴾
- ۵- اهل خرافات و افراد مرتجع و واپسگرا، حاضر به شنیدن حقّ نیستند. ﴿قَالُوا حَسْبُنَا﴾
- ۶- نه سنّت‌گرایی اصل است و نه نوگرایی، اصل، علم و هدایت است. ﴿لَا يَعْلَمُونَ، لَا يَهْتَدُونَ﴾
- ۷- وجدان خود را حاکم کنیم. ﴿أُولُو كَانِ آبَاؤُهُمْ...﴾
- ۸- پیروی از افکار جاهلانیهی آنان و وفاداری نابجا جایز نیست. ﴿أُولُو كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
- ۹- تقلید کورکورانه، نشانه‌ی بی‌عقلی است. ﴿لَا يَعْقِلُونَ﴾ در آیه‌ی قبل و تعصب روی نیاکان در این آیه.
- ۱۰- تقلید جاهل از جاهل بی‌معناست. ﴿وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا... آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
- ﴿ ۱۰۵ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما باد (حفظ) خودتان. چون شما هدایت یافتید، آن که گمراه شد زبانی به شما نمی‌رساند. بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست، و او شمارا به آنچه می‌کردید، آگاه می‌سازد.

### نکته‌ها:

□ بعضی این آیه را دستاویز قرار داده و می‌گویند: وظیفه‌ی هر کس تنها حفظ خود است، و ما



مسئول گناه دیگران و امر و نهی آنان نیستیم! در پاسخ آنان می‌گوییم: با وجود آیات و روایات متعددی که همه نشان از وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد، باید گفت: مراد این آیه رها کردن این دو وظیفه نیست، بلکه مراد آن است که اگر امر و نهی صورت گرفت، ولی اثر نکرد شما دیگر وظیفه‌ای جز حفظ خود ندارید.<sup>(۱)</sup> علاوه بر آنکه حفظ جامعه از گناه به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مصادیق «حفظ خویشتن» است.

### پیام‌ها:

- ۱- در راه حق، از تنهایی نترسیم. ﴿علیکم أنفسکم لایضرکم﴾
- ۲- اگر حریف دیگران نمی‌شویم، حریف نفس خود باشیم. ﴿علیکم أنفسکم...﴾
- ۳- انحراف جامعه، مجوز گناه کردن افراد نیست. ﴿علیکم أنفسکم لایضرکم...﴾
- ۴- در قیامت، هر کس مسئول کار خویش است. ﴿علیکم أنفسکم﴾
- ۵- در پی کشف و افشای عیوب دیگران نباشیم.<sup>(۲)</sup> ﴿علیکم أنفسکم﴾
- ۶- اهل ایمان بر رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقائد باطل آنان مؤاخذه نخواهند شد. ﴿علیکم أنفسکم﴾
- ۷- در راه نجات دیگران، خودتان غرق نشوید. ﴿علیکم أنفسکم لایضرکم﴾
- ۸- چنان باید تربیت شویم که فساد محیط و جامعه در ما تأثیر نگذارد. ﴿لایضرکم﴾
- ۹- روحیه‌ی خود را به خاطر انحراف دیگران از دست ندهیم. ﴿علیکم أنفسکم لایضرکم من ضلّ﴾
- ۱۰- گرچه منحرفان در کمین هستند، اما راه مصونیت یافتن، هدایت پذیری است. ﴿لایضرکم من ضلّ اذا اهدیتم﴾

۱. این مضمون را در حدیثی از پیامبر ﷺ نیز می‌خوانیم. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر نورالثقلین.

- ۱۱- ایمان به معاد، عامل خودسازی است. ﴿إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ﴾
- ۱۲- پیروی از نیاکان و تقلید کورکورانه از دیگران، در قیامت نجات بخش انسان نیست، بلکه هر کس باید پاسخگوی راه و عمل خویش باشد. ﴿عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ... فَيُنَبِّئُكُمْ﴾
- ۱۳- رفتار و کردار انسان در دنیا، فرجام او را در قیامت روشن می‌کند. ﴿فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

﴿۱۰۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ أَتْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنَ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه (نشانه‌های) مرگ یکی از شما فرا رسد، از میان خود دو نفر عادل را هنگام وصیت به شهادت و گواهی فرا خوانید. و اگر در مسافرت بودید و مصیبت مرگ به سراغ شما آمد (و شاهد مسلمانی نبود) دو تن از غیر (همکیشان) تان را به گواهی بطلبید و اگر (در صداقت آنان) شک کردید، پس از نماز آن دو را نگاهدارید تا به خداوند قسم یاد کنند که ما حاضر نیستیم حق را به هیچ قیمتی بفروشیم، هر چند در مورد فامیل باشد و هرگز شهادت الهی را پنهان نمی‌کنیم، که در این صورت از گنهکارانیم.

#### نکته‌ها:

- مسلمانی به نام «ابن ابی ماریه» همراه دو مسیحی به نام‌های تمیم و عدی که برادر بودند، به سفر تجاری رفتند. مسلمان بیمار شد، وصیت نامه‌ای نوشت و آن را میان وسایل خود

پنهان کرد و اموال خود را به آن دو مسیحی داد که به وارثان بدهند. پس از مرگش، آن دو نفر در میان اثاثیه‌ی او اجناس گرانبهایی دیده و برداشتند، پس از مراجعت به مدینه، باقی آنها را به وارثان دادند. ورثه، وصیت‌نامه را در میان وسایل دیدند که صورت همه‌ی اثاثیه در آن ثبت شده بود. چون مطالبه کردند، آن دو مسیحی انکار کردند، شکایت را نزد پیامبر بردند، در این هنگام بود که آیه‌ی فوق نازل شد.<sup>(۱)</sup>

طبق حدیثی از اصول کافی، پیامبر از آن دو سوگند گرفت و تبرئه‌شان کرد؛ ولی چون دروغشان از طریق نامه کشف شد، حضرت بار دیگر آن دو را احضار کرد. وارثان سوگند یاد کردند که اجناس دیگری هم بوده و آنها را پس گرفتند.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- آستانه‌ی مرگ، آخرین فرصت برای وصیت کردن است. ﴿اذا حضر أحدکم الموت حین الوصیة﴾
- ۲- هنگام وصیت، مؤمن باید دقت‌های لازم را به کار بندد. ﴿حین الوصیة اثنان ذوا عدل منکم﴾
- ۳- برای ادای حق مردم، دو شاهد عادل بگیرید. ﴿اثنان ذوا عدل﴾
- ۴- برای ادای حق مردم، اگر مسلمان حضور نداشت، با غیر مسلمان کار را محکم کنید. ﴿غیرکم﴾ (لکن غیر مسلمانی که خداوند را قبول داشته باشد تا بتواند به نام مقدس او سوگند یاد کند) ﴿فیقسمان بالله﴾
- ۵- مراعات حقوق مردم همه‌جا مهم است و مکان بردار نیست. ﴿ضربتم فی الارض﴾
- ۶- برای پرداخت حق، هرگونه شک را دفع کنید. ﴿تحبسونها... ان ارتبتم﴾
- ۷- سوگند، یکی از راه‌های شک‌زدایی است. ﴿فیقسمان﴾
- ۸- تنها سوگند به نام «الله» ارزشمند و معتبر است. ﴿فیقسمان بالله﴾

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر نمونه.

- ۹- برای ادای حقّ از صحنه‌های مذهبی و ملکوتی و مکان‌ها و زمان‌های مقدّس کمک بگیریم.<sup>(۱)</sup> ﴿مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ﴾
- ۱۰- یکی از عوامل انحراف، رسیدن به پول است. ﴿لَانْشَرِي بِهِ ثَمَنًا﴾
- ۱۱- یکی از عوامل انحراف، محبّت و علاقه‌های فامیلی است. ﴿لَانْشَرِي بِهِ ثَمَنًا وَ لَوْ كَانَ ذَا قَرْبِي﴾
- ۱۲- تنها موردی که متن «سوگندنامه» از طریق وحی، دیکته شده است، «حقّ الناس» است. ﴿لَانْشَرِي ...﴾
- ۱۳- کتمان حقّ و خیانت در گواهی، عادل را فاسق می‌کند و در همه ادیان الهی، حرام شمرده شده است. («ذو‌اعدل»، می‌شود «من‌الآئین»)

﴿ ۱۰۷ ﴾ فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّٰ إِنَّمَا فَآخِرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا أَعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

پس اگر معلوم شد که آن دو شاهد (غیر مسلمان در سفر) گناه و خیانت کرده‌اند (و سوگندشان ناحقّ بوده)، دو نفر دیگر که (مسلمان هستند و شهادت بر ضررشان تمام شده و به میّت نزدیک‌ترند) برخاسته و به خدا سوگند یاد نمایند که قطعاً گواهی ما (وارثان مسلمان) از گواهی آن دو (غیر مسلمانی که خیانتشان آشکار شده) به حقّ نزدیک‌تر است (و بگویند) ما (از حدّ و حقّ) تجاوز نکرده‌ایم که اگر چنین کنیم قطعاً از ستمکارانیم.

۱. حضرت علی عليه السلام به شخصی که تقاضای بیت‌المال (علاوه بر سهم عادی خود) داشت فرمود: روز جمعه نزد او آید. سپس او را به نماز جمعه برد و جمعیت را به او نشان داد و فرمود: معنای تقاضای نابجای تو سرقت از اموال این مردم است. در این صحنه می‌بینیم که حضرت از نماز و جمعیت و جمعیت برای تأثیرگذاری کلام نورانی خود بهره گرفته است.

**نکته‌ها:**

- کلمه‌ی «عُثور» به معنای آگاهی بدون تجسس است.<sup>(۱)</sup>
- مخفی نماند که گواهی و سوگند اولیای میّت، بر اساس اطلاعی است که از قبل، درباره‌ی اموال او هنگام سفر یا غیر سفر داشته‌اند.
- برای کلمه «أُولیّان» در آیه دو معنا می‌توان کرد:
- الف: دو نفر وارث که گواهی بر ضررشان داده شده ولی بخاطر وارث بودن به میّت نزدیک‌تر و اولی هستند.
- ب: مراد همان دو گواهی هستند که میّت از آنان درخواست گواه شدن کرده و لحظه مرگ حاضر بوده‌اند و به خاطر همین حضور یا درخواست، اولویّت پیدا کرده‌اند. بنابراین ترجمه چنین می‌شود: اگر معلوم شد که دو نفر اوّل مرتکب گناه شدند پس دو نفر دیگر به جای آنان به گواهی دادن قیام کنند که آن دو نفر از کسانی باشند که دو شاهد نخست علیه آنان مرتکب گناه شده‌اند.
- شهادت و گواهی باید از هر دو نفر و با اسم مبارک الله باشد و محتوای سوگند همان باشد که در آیه آمده است که اولاً سوگند ما راست است و ما قصد تجاوز به حقوق مردم را نداریم ثانیاً اگر سوگند ما دروغ بود اقرار به ستمگری خود داریم.

**پیام‌ها:**

- ۱- شهادت دروغ، نوعی تجاوز و ظلم به حقوق مردم است. ﴿اعتدینا... لمن الظالمین﴾

---

۱. مفردات راغب.

﴿ ۱۰۸ ﴾ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ  
 أَيْمَانُ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
 الْفَاسِقِينَ

این (روش به صواب) نزدیکتر است برای اینکه شهادت را به نحو درست  
 ادا کنند و یا بترسند که بعد از سوگند خوردنشان سوگندهایی (به وارثان  
 میّت) برگردانده شود (و جای سوگند آنان را بگیرد). و از خداوند پروا کنید  
 و (فرمان‌های او را) گوش کنید و خداوند، گروه فاسق را هدایت نمی‌کند.

#### نکته‌ها:

□ این آیه، فلسفه سختگیری و دقت در امر شهادت و شاهد گرفتن که در آیات قبل مطرح  
 بود بیان می‌کند و این‌که سوگند بعد از نماز در حضور مردم، سبب می‌شود که شهادت‌ها  
 واقعی باشد، چون اگر سوگند و شهادت آنان پذیرفته نشود، آبروی آنان در جامعه می‌رود.

#### پیام‌ها:

- ۱- مراسم و تشریفاتی که عامل حفظ و تثبیت حق مردم شود، ارزشمند است.  
 ﴿ذٰلِكَ اَدْنٰى اَنْ ...﴾
- ۲- یکی از عوامل بازدارنده‌ی از گناه، نگرانی از رسوایی در جامعه است. ﴿اَوْ  
 يَخَافُوا اَنْ تُرَدَّ اِيْمَانُ﴾
- ۳- چنان زندگی کنیم که ناهلان عادل‌نما نتوانند با سوگند دروغ، زحمات ما را  
 هدر دهند و بدانند که اظهارات نادرستشان توسط گروه بهتری ردّ می‌شود.  
 ﴿اَنْ تُرَدَّ اِيْمَانُ بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ﴾
- ۴- در امر وصیّت، سوگند و شهادت، تقوا داشته باشیم. ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾
- ۵- شهادت ناحق، نشانه‌ی فسق است. ﴿وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ﴾

﴿۱۰۹﴾ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ  
أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

روزی (فرا رسد) که خداوند، پیامبران را گرد آورد پس بگوید: به دعوت  
شما چه پاسخی داده شد؟ گویند: ما علمی (به حقیقت امر) نداریم، همانا  
دانای غیب‌ها تویی تو.

#### نکته‌ها:

□ امام باقر علیه السلام در باره‌ی تأویل این آیه فرمود: پرسش خداوند از پیامبران، پرسش درباره‌ی  
اوصیای آنهاست که جانشین انبیا بودند، رسولان الهی نیز پاسخ می‌دهند: ما درباره آنچه  
پس از ما درباره‌ی اوصیای ما کردند، خبر نداریم.<sup>(۱)</sup>  
□ علم حقیقی از آن خداست و هر که علمی دارد از او دارد، همان گونه که غیب را تنها او  
می‌داند و علم آن را به هر کس بخواهد می‌دهد.

#### پیام‌ها:

- ۱- در قیامت از انبیا سؤال می‌شود که رفتار مردم نسبت به آنان چگونه بوده است.  
﴿ماذا اجبتم﴾
- ۲- علم انبیا نسبت به علم الهی هیچ است. ﴿لا علم لنا﴾

﴿ ۱۱۰ ﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ  
وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ  
عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنْ  
الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ  
تُجْرِي الْأَكْمَامَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ  
كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
مِنْهُمْ إِنَّا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ

زمانی که خداوند فرمود: ای عیسی پسر مریم! نعمتم را بر تو و بر مادرت  
یاد کن. آنگاه که تورا با «روح القدس» (جبرئیل) تأیید کردم. در گهواره (به  
اعجاز) و در بزرگسالی (به وحی) با مردم سخن گفتی و آنگاه که کتاب و  
حکمت و تورات و انجیل به تو آموختم، و (فراموش مکن زمانی را که) به  
اذن من از گل (چیزی) به صورت پرنده ساختی و در آن دمیدی، پس با اذن  
من پرنده‌ای شد، و با اذن من کور مادرزاد و پیسی گرفته را شفا می‌دادی،  
و آنگاه که به اذن من، مردگان را (زنده) از گور بیرون می‌آوردی، و (به یاد  
آور) زمانی که (دست ظلم) بنی اسرائیل را از تو کوتاه کردم، آنگاه که تو  
دلایل روشن برایشان آوردی، پس کافران از ایشان (درباره‌ی معجزات  
تو) گفتند: این، چیزی جز سحر آشکار نیست.

### نکته‌ها:

- از این آیه تا آخر سوره، درباره حضرت عیسی علیه السلام است.
- در این آیه، انواع لطف الهی و در آغاز همه، تأیید به روح القدس درباره‌ی حضرت مسیح  
بیان شده است.
- در آغاز آیه می‌فرماید: ای عیسی! یاد کن از نعمت‌هایی که به تو و به مادرت دادم، ولی



آنچه از نعمت‌ها در آیه به چشم می‌خورد همه‌ی نعمت‌ها مربوط به حضرت عیسی است (نه مادرش)، شاید به خاطر آن که نعمت به فرزند در حقیقت نعمت به مادر است. شاید هم مراد آیه، نعمت‌هایی باشد که در سوره‌ی آل عمران درباره‌ی حضرت مریم آمده است.<sup>(۱)</sup>

□ شاید مراد از کتاب، کتب غیر تورات و انجیل باشد و نام تورات و انجیل با آنکه آن دو نیز کتابند به خاطر اهمیت برده شده است.

□ از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: آن حیوانی که بدون قرار گرفتن در رحم (یا تخم) پیدا شد چیست؟ فرمود: پرنده‌ای که حضرت عیسی با دمیدن در مجسمه به وجود آورد.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- یاد الطاف خدا به اولیایش، مایه‌ی دلگرمی برای رهروان حق است. ﴿اذ﴾
- ۲- زن به مقامی می‌رسد که دوش به دوش پیامبر مطرح می‌شود. ﴿علیک و علی والدتک﴾، بلکه یک زن و فرزند پیامبرش، با هم یک آیه شمرده می‌شوند. ﴿وجعلناها وابنها آیه﴾<sup>(۳)</sup>
- ۳- حضرت عیسی، با تکلم در گهواره، هم نبوت خویش و هم عفت و عصمت مادرش را ثابت کرد. ﴿تکلم الناس فی المهد﴾
- ۴- سخنان عیسی در گهواره نمایی از وحی بود. ﴿ایدتک بروح القدس تکلم...﴾
- ۵- اراده‌ی الهی، نیاز به تجربه، قدرت و گذشت زمان را حل می‌کند و حضرت عیسی، بدون تجربه و تمرین و صرف زمان، در کودکی همان حرف‌های صحیح را می‌گوید که در پیری می‌زند، نه حرف کودکانه. ﴿فی المهد وکهلأ﴾
- ۶- پیامبران، هم باید علم داشته باشند ﴿الکتاب﴾، هم بینش ﴿الحکمة﴾، هم گفته‌های پیشینیان را بدانند ﴿التوراة﴾ و هم پیام جدید داشته باشند. ﴿الانجیل﴾

۳. انبیاء، ۹۱.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. آل عمران، ۴۲- ۴۵.

- ۷- تعبیر آفرینش وخلق، به غیر خدا هم نسبت داده می شود. ﴿اذتخلق﴾
- ۸- اذن خداوند، مجوز ساختن مجسمه پرندگان بوده است. ﴿تخلق من الطین کهیئة الطیر باذنی﴾
- ۹- اولیای خاص خدا، ولایت تکوینی دارند. (جملات «تخلق، تنفخ، تبرء و تخرج» به حضرت عیسی خطاب شده است).
- ۱۰- در اعجاز عیسی علیه السلام، هم نفس مسیحایی او و هم هنر مجسمه ساختن نقش داشته است. ﴿کهیئة الطیر ... فتنفخ﴾
- ۱۱- نفس مسیحایی، جماد را پرواز داد، ولی دل‌های بنی اسرائیل را نه. ﴿فتنفخ فیها فتکون طیراً﴾
- ۱۲- آنجا که خطر شرک زیاد است، تکرار توحید لازم است. (تکرار ﴿تخلق... باذنی... تبرء... باذنی... تخرج الموقی باذنی﴾
- ۱۳- وقتی خداوند، قدرت احیاگری و شفا دادن را به انبیا می دهد، توسل و استمداد مردم نیز باید جایز باشد. ﴿تخلق من الطین... فتکون طیراً باذنی و تبرء الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموقی باذنی﴾ (مگر می شود خداوند به کسی قدرت بدهد، اما مردم را از توجه به آن منع کند؟!)
- ۱۴- زنده شدن مردگان و «رجعت»، در همین دنیا صورت گرفته است. ﴿تخرج الموقی﴾
- ۱۵- سوء قصد بنی اسرائیل به حضرت عیسی علیه السلام، از سوی خدا دفع شد. ﴿کففت بنی اسرائیل عنک﴾

﴿ ۱۱۱ ﴾ وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا  
آمَنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنا مُسْلِمُونَ

و (به یاد آور) زمانی که به حواریون (یاران مخصوص حضرت عیسی) وحی فرستادم که ایمان آورید، گفتند: ایمان آورده‌ایم و شاهد باش که ما مسلمان و تسلیم هستیم.

### نکته‌ها:

- مراد از وحی به حواریون، ممکن است الهام به قلب خود آنها باشد نه پیام وحی از طریق حضرت عیسی علیه السلام. چنانکه امام صادق علیه السلام درباره‌ی این وحی فرمود: «الهموا» یعنی به آنان الهام شد. (۱)
- تعداد حواریون به فرموده امام رضا علیه السلام دوازده نفر بود و سبب نامگذاری آنان به حواریون، پاک بودن آنان از درون و پاک کردن جامعه از گناهان از طریق موعظه و تذکر بود. (۲)

### پیام‌ها:

- ۱- گاهی خداوند به دل‌های آماده الهام می‌کند. «اوحیت الی الحواریین»
- ۲- ایمان به خدا، از ایمان به رسول جدا نیست. «آمنوا بی و برسولی»
- ۳- وقتی هدایت، باطنی و الهی شد، عمیق و سریع اثر می‌کند. «اوحیت... قالوا آمنا»
- ۴- ارشاد بدون نور الهی از درون، یا بی اثر، یا کم‌اثر یا ناپایدار است. «اوحیت... آمنا و اشهد باننا مسلمون»
- ۵- الهامات الهی به مردم، در مسیر تأیید وحی انبیاست، نه در برابر آنها. «اوحیت... آمنوا بی و برسولی»
- ۶- نشان ایمان باطنی، اظهار و اقرار زبانی است، آن گونه که ایمان قلبی، پشتوانه‌ی شعارهای ظاهری است. «واشهد باننا مسلمون»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر نورالثقلین.

﴿ ۱۱۲ ﴾ **إِنْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**

(یاد آور) زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند (با دعای تو) از آسمان، خوانی (از غذا) برای ما فرود آورد؟ عیسی گفت: اگر مؤمنید، از خدا پروا کنید!

﴿ ۱۱۳ ﴾ **قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَ نَكُونَ عَلَيَّهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ**

گفتند: (ما نظر بدی نداریم و بهانه جو نیستیم بلکه) می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌هایمان اطمینان یابد و بدانیم که به ما راست گفته‌ای و بر آن مائده‌ی آسمانی از گواهان باشیم.

#### نکته‌ها:

- نام‌گذاری این سوره به «مائده»، به خاطر همین درخواست مائده‌ی آسمانی است.
- «مائده» هم به معنای غذاست، هم سفره‌ای که در آن غذا باشد.
- چون حواریون شیوه‌ی سؤالشان از عیسی ﷺ کمی بی‌ادبانه بود، به جای «یا رسول الله»، گفتند: «یا عیسی» و به جای «آیا خدا لطف می‌کند» گفتند: «آیا می‌تواند؟» و به جای «پروردگار ما»، گفتند: «پروردگارت»، جواب ﴿ اتَّقُوا اللَّهَ ﴾ شنیدند.

#### پیام‌ها:

- ۱- تقوا، نشانه‌ی ایمان است. ﴿ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾
- ۲- اطمینان قلبی، مرحله‌ای بالاتر از ایمان است. ﴿ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا ﴾ حضرت ابراهیم نیز در پاسخ سؤال خداوند که فرمود:

﴿أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ﴾، می فرماید: ﴿بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي﴾<sup>(۱)</sup>

﴿۱۱۴﴾ قَالَ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ  
تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلَادِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ  
خَيْرُ الرَّازِقِينَ

عیسی بن مریم گفت: خداوندا، پروردگارا! مائده‌ای از آسمان بر ما فرو فرست که برای نسل کنونی و آیندگان ما عید و نشانه‌ای از تو باشد و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی.

#### نکته‌ها:

□ معمولاً دعاهای قرآن با اسم «رَبِّ» آغاز می‌شود؛ ولی در این آیه با دو کلمه‌ی «اللَّهُمَّ رَبَّنَا» آمده است. شاید به خاطر اهمیت این حادثه و پیامدهای آن باشد.

#### پیام‌ها:

- ۱- توسّل به اولیای خداوند برای قضای حوائج، جایز است. ﴿قال الخواریون یا عیسی... قال عیسی ابن مریم اللّهم...﴾
- ۲- برای پیامبران، مردم تاریخ و نسل‌ها مطرح‌اند. ﴿لاؤلنا و آخرنا﴾
- ۳- از نشانه‌های الهی، باید برای همیشه درس گرفت. ﴿و آیه منك﴾
- ۴- عید و جشن مذهبی از نظر قرآن کار صحیحی است. ﴿تكون لنا عيداً لاؤلنا و آخرنا﴾ (میلاد اولیای خدا و بعثت پیامبر، کمتر از نزول مائده آسمانی نیست)
- ۵- حضرت عیسی، در دعا به جای مسأله‌ی خوردن، به الهی بودن مائده توجّه می‌کند. ﴿آیهً منك﴾
- ۶- در دعا، خدا را با ادب کامل و با صفت مناسب با خواسته، صدا بزینم. ابتدای

آیه «اللهم ربنا» آمده و آخر آیه «خیر الرّازقین»

۷- به درخواست‌های مادی جهت معنوی دهیم. (حواریون اولین هدف خود را خوردن و سپس اطمینان داشتن «تأکل منها و تطمئن» بیان کردند، ولی حضرت عیسی ابتدا برجا گذاشتن نشانه‌ی سرور برای تاریخ «عیداً لاؤلنا و آخرنا» سپس نشانه قدرت خداوند «وآیه منک» و در مرحله سوم مسئله رزق را مطرح فرمود «وارزقنا و أنت خیر الرّازقین» و بدین گونه به همه فهماند که مسائل معنوی و اجتماعی بر مسائل گروهی و اقتصادی مقدم است).

۸- به خدا توجه کنیم و به سراغ دیگران نرویم. «و أنت خیر الرّازقین»

﴿ ۱۱۵ ﴾ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزَّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ

خداوند فرمود: من آن (مائده) را بر شما نازل می‌کنم، اما هر کدام از شما بعد از آن کفر ورزد، او را چنان عذاب خواهم کرد که هیچ یک از جهانیان را آن گونه عذاب نکنم.

#### نکته‌ها:

- داستان نزول مائده به صورتی که در قرآن آمده است، در انجیل نیامده است.<sup>(۱)</sup>
- در روایات آمده است: «پس از نزول مائده، برخی کافر شده، به صورت خوک درآمدند».<sup>(۲)</sup>
- در بعضی روایات می‌خوانیم: «آنچه نازل شد نان و گوشت بود».<sup>(۳)</sup>
- اگر برای یاران عیسی عليه السلام غذای آسمانی نازل شد، طبق روایات، برای رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم هم میوه‌ی بهشتی نازل گردید که منشأ پیدایش فاطمه‌ی زهرا عليها السلام شد.<sup>(۴)</sup>

۱. تفسیر نمونه. ۲. تفسیر المیزان.

۳. تفاسیر نورالثقلین و مجمع البیان.

۴. بحار، ج ۴۳، ص ۵.

## پیام‌ها:

- ۱- دعای پیامبران مستجاب می‌شود. ﴿رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا... انِّ مَنزَلَهَا﴾
- ۲- آنان که به علم و یقین و شهود می‌رسند، مسئولیت سنگین‌تری دارند و کیفر تخلّفشان هم سخت‌تر است. ﴿فَن يَكْفُر بَعْدَ مَنكُم...﴾ پس کسانی که به مقام علم و شهود دست نیافته‌اند، از قهر خداوند دورترند.
- ۳- عذاب خداوند، درجاتی دارد. ﴿عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا﴾
- ۴- آن که توقع بیشتری دارد و مائده‌ی آسمانی می‌خواهد، باید تعهد بیشتری هم داشته باشد. ﴿مَائِدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ... عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا﴾

﴿۱۱۶﴾ وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ  
 أُمِّي إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا  
 لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا  
 أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

و زمانی که خداوند گفت: ای عیسی بن مریم! آیا تو به مردم گفتی: به غیر از خدا، من و مادرم را به عنوان دو معبود بگیرید؟ (عیسی) گفت: (خدایا!) تو پاک و منزّهی، مرا نشاید که حرف ناروایی که سزاوار من نیست بگویم، اگر چنین گفته بودم، تو آن را می‌دانستی (زیرا) تو آنچه را در دل و جان من است می‌دانی، اما من از آنچه در ذات توست بی‌خبرم، همانا، دانای تمام غیب‌ها تویی تو.

## نکته‌ها:

- ▣ در آیه‌ی ۱۰۹ همین سوره خواندیم که خداوند پیامبران را در قیامت جمع کرده، از آنان می‌پرسد: از مردم چه پاسخی شنیدید؟ این آیه، گفتگوی خدا و حضرت عیسی را در آن روز بیان می‌کند.
- ▣ گرچه مسیحیان، امروز مریم را خدا نمی‌دانند؛ ولی چون گروهی از آنان در آن زمان عقیده

به خدا بودن مریم داشتند و یا به خاطر آنکه عبادت در برابر مجسمه‌ی او به منزله‌ی معبود قرار دادن اوست، تعبیر به «اله» شده است. «اتَّخَذُونِي وَاُمِّي الْهَيْنَ»  
 □ «دون الله»، نشانه‌ی شرک است، نه نفی خدا، یعنی علاوه بر خدا، عیسی و مریم را معبود دانستن شرک است. البته تثلیث فعلی مسیحیان، اب و ابن و روح القدس است.  
 □ امام رضا (ع) فرمود: «درباره‌ی من دو گروه هلاک می‌شوند و من تقصیری ندارم: یکی علاقمندان افراطی، دیگری کینه توزان بی‌جهت».<sup>(۱)</sup>  
 □ تسبیح حضرت مسیح، خود نشانه‌ی دیگری است که خداوند منزّه از هرگونه شریکی است. در آیات دیگر آمده است: «وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ»<sup>(۲)</sup>، «وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ»<sup>(۳)</sup> که خدا را از داشتن هرگونه فرزند، چه دختر چه پسر، منزّه می‌شمارد.

### پیام‌ها:

- ۱- گاهی سؤال و توبیخ یک بی‌گناه، برای هشدار به دیگران است. «أَنْتَ قُلْتَ»  
 گاهی به در می‌گویند تا دیوار بشنود.
- ۲- انبیا معصومند. «مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ»
- ۳- انبیا از غلّ پیروان خود بیزارند. «إِنْ كُنْتَ قُلْتَهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ»
- ۴- همه‌ی گفته‌های انسان و اسرار درونش برای خداوند روشن و معلوم است.  
 «فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي نَفْسِي»
- ۵- تسبیح و تنزیه خدا از هر نسبت ناروا، لازم است. «سُبْحَانَكَ»
- ۶- علم انبیا محدود است. «لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ» و کسی که علمش محدود است، شایسته‌ی خدایی نیست.
- ۷- افکار و اسرار مردم از امور غیبی است که خدا بدان آگاه است. «تَعْلَمَ مَا فِي نَفْسِي... أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. انبیاء، ۲۶.

۳. نحل، ۵۷.



۸- آگاهی کامل و گسترده بر همه‌ی حقایق مخصوص خداست. ﴿انك أنت علام الغیوب﴾

﴿۱۱۷﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

(حضرت عیسیٰ به خداوند گفت: من، به آنان نگفتم مگر آنچه مرا به آن فرمان دادی که بپرستید خداوندی را که پروردگار من و پروردگار شماست، و تا زمانی که در میان آنان بودم، شاهد و ناظر بر آنان بودم، پس چون مرا (از میانشان) باز گرفتی، تو خود بر آنان مراقب بودی و تو بر هر چیز گواهی.

#### نکته‌ها:

□ «توفی» به معنای اخذ و گرفتن تمام و کمال است و مرگ یکی از مصادیق آن است. خداوند حضرت عیسیٰ علیه السلام را از میان قومشان برداشته و تا زمان قیام امام زمان علیه السلام زنده نگه می‌دارد و همراه آن حضرت ظهور خواهد کرد.

#### پیام‌ها:

- ۱- پیامبران معصومند و جز فرمان خدا، کاری را انجام نمی‌دهند و در وحی هیچ تغییر و تصرّفی نمی‌کنند. ﴿ما قلت لهم الا ما امرتني به﴾
- ۲- حضرت عیسیٰ، خود را همچون دیگران، دست پرورده‌ی خدا می‌داند. ﴿ربّي و ربکم﴾
- ۳- انبیا، ناظر بر افعال مردمند. ﴿كنت عليهم شهيداً﴾
- ۴- دعوت به یکتاپرستی، مهم‌ترین وظیفه‌ی انبیاست. ﴿ان اعبدوا الله﴾ (با اینکه مأموریت عیسیٰ تنها توحید نبوده، اما آیه فقط توحید را مطرح می‌کند)

۵- دلیل و ملاک پرستش خدا، ربوبیت اوست. ﴿ان اعبدوا الله ربی و ربکم﴾

﴿۱۱۸﴾ **ان تُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ إِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**

(عیسی گفت: خدایا!) اگر عذابشان کنی، پس آنان بندگان تو هستند و اگر آنان را بیامرزی، پس همانا تو خود توانمند و حکیمی.

### نکته‌ها:

□ حضرت عیسی در پاسخ به خداوند که فرمود: آیا تو به مردم گفتی من و مادرم را خدا بگیرند؟ با جدا کردن خود از مردم و این‌که تنها خداوند مالک آنان است، فرمود: در گرایشهای شرک‌آلود امت خود، نقشی نداشته است.

□ به روایت ابوذر، پیامبر اکرم ﷺ شبی تا صبح در رکوع و سجود این آیه را تلاوت می‌نمود. از آن حضرت سؤال کردم چگونه بود که تا صبح این آیه را تلاوت فرمودید. حضرت فرمود: از خداوند طلب شفاعت برای امت می‌کردم و خداوند سرانجام آن را به من داد و امتم در صورتی که شرک نوزند، به آن نائل خواهند شد.<sup>(۱)</sup>

در روایتی دیگر آمده است وقتی حضرت این آیه را تلاوت فرمود، دستان مبارک را بلند کرده و با حال گریه فرمود: «اللهم امّتی» و به امت خود دعا می‌کرد. خداوند جبرئیل را بر حضرت فرستاد و فرمود: «أنا سنرضیک فی امّتك و لا نسوءک» ما تو را خشنود خواهیم کرد و نمی‌گذاریم ناراحت شوی.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

۱- انبیاء، تسلیم پروردگارند. ﴿ان تعذبهم... و ان تغفر لهم﴾ از کار خدا نمی‌توان سؤال کرد: ﴿لا یسئل عما یفعل﴾<sup>(۳)</sup>

۱. تفسیر مراغی.

۲. تفسیر ابن‌کثیر.

۳. انبیاء، ۲۳.

- ۲- عذاب و یا آمرزش مشرکان بدست خداست. ﴿ان تعذبهم... وان تغفر لهم﴾  
 ۳- قهر یا مهر خداوند، بر اساس عزّت و حکمت است. ﴿انت العزيز الحكيم﴾

﴿ ۱۱۹ ﴾ قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي  
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا  
 عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خداوند فرمود: این، روزی است که راستگویان را صداقتشان سود دهد،  
 برایشان باغهایی است که زیر درختانش نهرها جاری است، همیشه در  
 آن ماندگارند، خداوند از آنان راضی است، آنان نیز از او راضی‌اند، این  
 رستگاری بزرگ است.

﴿ ۱۲۰ ﴾ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
 قَدِيرٌ

ملک و حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست تنها از آن خداست، و  
 او بر هر چیزی تواناست.

#### نکته‌ها:

- در آیات قبل، سخنان عیسی عليه السلام در محضر خداوند مطرح شد که:
۱. من جز حقّ نمی‌گویم. ﴿ما يكون لي ان اقول ما ليس بحقّ﴾
  ۲. اگر ناحقّی گفته‌ام تو می‌دانی. ﴿ان كنت قلته فقد علمته﴾
  ۳. جز یکتاپرستی که مرا امر کردی، به مردم چیزی نگفتم. ﴿ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدوا الله﴾
  ۴. مراقب و ناظر مردم بودم تا منحرف نشوند. ﴿كنت عليهم شهيداً﴾
- در این آیه خداوند می‌فرماید: همه‌ی سخنان عیسی صحیح و راست است و امروز روزی

است که راستی راستگویان نجات بخش است.

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمنان، اگر به خاطر صداقتشان، مشکلاتی را در دنیا تحمل کنند، این راستی و صداقت در آخرت برای آنان کارساز است. ﴿يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صَدَقُهُمْ﴾
- ۲- تنها صادقان نفع می‌برند، نه مدعیان، شعاردهندگان و ریاکاران. ﴿يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ...﴾
- ۳- بهشت در کنار رضایت خداوند، فوز بزرگ و رستگاری است. ﴿جَنَّاتٍ... رَضِيَ اللَّهُ... ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾
- ۴- عبادت کسی شایسته است که سلطنت عالم و قدرت مطلقه‌ی هستی در اختیار اوست، نه دیگران، گرچه پیامبر باشند. ﴿لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»